

۶ دهه پرفراز و نشیب پایان یافت

اوپک؛ آغاز دهه ۶۰



1960-2020



اوپک در یک نگاه

دولت عراق در سپتامبر سال ۱۹۶۰ میلادی کشورهای ایران، کویت، ونزوئلا و عربستان را برای مذاکره درباره کاهش قیمت نفت از سوی شرکت‌های نفتی به بغداد دعوت کرد. در نتیجه این مذاکرات، اوپک با هدف یکپارچه‌سازی و هماهنگ کردن سیاست‌های ناظر بر قیمت نفت تولیدی کشورهای عضو تأسیس شد.

سازمان کشورهای صادرکننده نفت با نام اختصاری اوپک (OPEC)، متشکل از ۱۳ عضو از جمله کشورهای الجزایر، ایران، عراق، کویت، لیبی، نیجریه، عربستان سعودی، امارات، آنگولا، گابن، گینه استوایی، کنگو و ونزوئلاست.

این سازمان در بازه زمانی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۵ گسترش یافت. در این سال‌ها، قطر (۱۹۶۱)، اندونزی (۱۹۶۲)، لیبی (۱۹۶۲)، امارات (۱۹۶۷)، الجزایر (۱۹۶۹) و نیجریه (۱۹۷۱) به جمع اعضای بنیانگذار اوپک پیوستند. اکوادور و گابن از دیگر کشورهایی بودند که بعدها به عضویت اوپک درآمدند، اما اکوادور در دسامبر ۱۹۹۲ و گابن در ژانویه ۱۹۹۵ از جمع کشورهای عضو اوپک خارج شدند.

البته اکوادور که عضویتش را از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۲ به حال تعلیق درآورده بود، دوباره در سال ۲۰۰۷ میلادی خواستار عضویت در اوپک شد؛ درخواست اکوادور در نشست فوق‌العاده اوپک در دسامبر ۲۰۰۷ در ابوظبی مورد بررسی و پذیرش وزیران نفت کشورهای عضو اوپک قرار گرفت.

اندونزی که در سال ۲۰۰۸ میلادی از اوپک جدا شده بود، در نشست ۱۶۸ عادی وزارتی اوپک براساس تصویب وزیران نفت و انرژی این سازمان عضویت خود را دوباره فعال کرد. قطر نیز از ژانویه ۲۰۱۹ از اوپک خارج شد تا برنامه‌های بلندپروازانه خود را در صنعت گاز عملی کند، اکوادور هم از ژانویه سال ۲۰۲۰ میلادی از عضویت در این سازمان کناره‌گیری کرد. برآوردها نشان می‌دهد اعضای اوپک حدود ۳۰ درصد از نفت خام جهان را تولید می‌کنند و حدود دوسوم (۸۱٫۵ درصد) ذخایر نفتی اثبات‌شده جهان را در اختیار دارند. نخستین کنفرانس اوپک ۱۰ تا ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۰ در بغداد برگزار و بیانیه‌ای درباره خط‌مشی و اهداف این سازمان صادر شد. شرایط لازم برای عضویت در اوپک تعیین و قرارداد تأسیس اوپک در ۲۴ سپتامبر همین سال در بغداد، کاراکاس، ریاض و تهران نیز

منتشر شد. اعضای اوپک در چهارم دسامبر سال ۱۹۶۰ میلادی به‌منظور بحث درباره بودجه، اساسنامه و مقر اوپک یک کمیته فرعی تشکیل دادند. با تشکیل اوپک، وزیران نفت و انرژی این سازمان اکنون هر سال در دو نشست عادی گردهم می‌آیند تا با بررسی تحولات بازار جهانی نفت سیاست‌های تولیدی خود را تعیین کنند. اعضای اوپک همچنین در مواقع اضطراری به صلاحدید کشورهای عضو، نشست فوق‌العاده برگزار می‌کنند.

دبیرخانه دائمی اوپک از ۵۵ سال پیش (سال ۱۳۴۴ هجری شمسی) در وین پایتخت اتریش است. پیش از آن مقر دبیرخانه این سازمان در ژنو سوئیس بود. اوپک در سال ۲۰۱۶ میلادی تصمیم گرفت با بعضی از تولیدکنندگان نفت غیرعضو این سازمان نفت به رهبری روسیه، برای مدیریت بازار نفت و اعاده ثبات آن به توافق برسد و سرانجام «اعلامیه همکاری» بین اعضای اوپک و ۱۱ کشور تولیدکننده نفت غیرعضو این سازمان (بعداً با پیوستن گینه به اوپک ۱۰ کشور) به تأیید اعضا رسید. این بیانیه دوباره در سال ۲۰۱۷ تنفیذ و در سال ۲۰۱۸ هم با اصلاحاتی اجرا شد. پس از شیوع ویروس همه‌گیری جهانی کووید-۱۹ (کرونا) و ناهماهنگی‌هایی که به رقابتی کوتاه‌مدت بین عربستان و روسیه بر سر سهم بازار منتهی شد در آوریل ۲۰۲۰ میلادی اوپک با روسیه و دیگر کشورهای تولیدکننده غیر عضو این سازمان که به اعلامیه همکاری (Declaration of Cooperation) پیوسته‌اند در تصمیمی تاریخی به کاهش روزانه ۹ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه از تولید خود از یکم ماه مه ۲۰۲۰ برای مدت دو ماه رأی داد سپس این رقم برای یک ماه دیگر تمدید شد. تولیدکنندگان غیرعضو اوپک هم‌اکنون به تأثیرگذاری این سازمان پی برده‌اند و در مواردی که بازارهای جهانی با بی‌ثباتی روبه‌رو می‌شود خواستار اقدام‌های این سازمان با هدف برقراری امنیت انرژی و ثبات در بازارهای جهانی نفت خام هستند، هرچند عده‌ای همچنان اوپک را یک کارتل نفتی می‌پندارند. اوپک در آغاز دهه ۷۰ سالگی خود با ویروس همه‌گیر کرونا درگیر و تحت تأثیر آن تقاضای جهانی نفت با افت شدیدی روبه‌رو شده است، با این حال اعضای این سازمان همچنان حدود ۳۰ درصد تولید نفت خام جهان و بیش از ۶۰ درصد از تجارت نفت دنیا را در اختیار دارند.

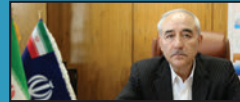


نماینده ایران در هیئت عامل اوپک در آغاز دهه ۷۰ سالگی اوپک:

اوپک باید از منافع و حقوق سازمان و اعضا حفاظت کند

■ رویا خالقی

امیر حسین زمانی‌نیا، نماینده ایران در هیئت عامل اوپک معتقد است: استفاده از نفت به‌عنوان یک ابزار سیاسی برای فشار و تحریم کشورهای تولیدکننده نفت، باید در کلام و عمل مورد مخالفت و تقبیح همه کشورهای عضو اوپک قرار گیرد و اوپک با تکیه بر همکاری و مشارکت، از منافع و حقوق سازمان و کشورهای عضو حفاظت کند. امیرحسین زمانی‌نیا در آغاز دهه ۷۰ سالگی فعالیت سازمان کشورهای صادرکننده نفت، نقش اوپک در بازار نفت را نقشی نهادینه می‌داند که در طول ۶ دهه و در برخورد با حوادث و تحولات مختلف سیاسی و اقتصادی شکل گرفته و این سازمان را به بلوغ و اثرگذاری امروزی رسانده است. وی با ترسیم آینده نامیهم برای تقاضای نفت به‌دلیل همه‌گیری ویروس کرونا در ارتباط با تداوم همکاری اوپک و غیراوپک معتقد است: تا زمانی که کشورهای حاضر در این همکاری درک مشترکی از چالش پیش‌روی خود و راهکارهای مقابله با آن دارند، ادامه همکاری آنها می‌تواند ادامه یابد. نماینده ایران در هیئت عامل اوپک وقتی در مقابل پرسشی در مقابل خروج ایران از اوپک قرار می‌گیرد، این‌گونه پاسخ می‌دهد: ایران یکی از کشورهای بنیان‌گذار اوپک است که در طول ۶۰ سال گذشته زحمات زیادی برای حفظ و ارتقای این سازمان در عرصه بین‌المللی نفت متحمل شده است. به‌واقع و به دور از اغراق، ایران یکی از مهم‌ترین کشورهای عضو اوپک است که با عضویت خود به این سازمان اعتبار بخشیده است. ایران و اوپک از هم جدا نیستند و بیان برخی تفکرات و اظهارات در زمینه خروج از اوپک، مطلوب دشمنان ما و در تضاد با منافع ملی کشور است و به اعتبار و چهره کشور در زمینه همکاری درون نهادهای بین‌المللی خدشه وارد خواهد کرد. البته معیار اصلی ما، تأمین منافع ملی کشور است و ما از اوپک حمایت می‌کنیم تا جایی که منافع جمهوری اسلامی ایران به‌صورت متعادل با دیگر اعضا تأمین شود. در غیر این صورت، عضویت در هیچ سازمان بین‌المللی اجباری نیست. گفت‌وگوی کامل با امیرحسین زمانی‌نیا، نماینده ایران در هیئت عامل اوپک را ادامه بخوانید:



نماینده ایران در هیئت عامل اوپک در آغاز دهه ۷۰ سالگی اوپک:

اوپک باید از منافع و حقوق سازمان و اعضا حفاظت کند

«جایگاه اوپک را در شصتمین سالروز تأسیس این سازمان چگونه می‌بینید؟

شصتمین سالروز تأسیس اوپک با رخدادهای مهمی همزمان شده است که نقش و جایگاه این سازمان در تحولات اقتصاد جهان و به شکل خاص در بازار جهانی نفت را بیش از گذشته نشان می‌دهد. آثار و پیامدهای رکود اقتصاد جهانی ناشی از شیوع ویروس کرونا بر بازار نفت و انتظار تولیدکنندگان بزرگ نفت جهان از اوپک برای تصمیم‌گیری و اقدام متناسب با شرایط حاکم نشان می‌دهد این سازمان با تکیه بر ابزارهای خود، نقش مهمی در برقراری و حفظ ثبات و تعادل در بازار و کمک به بهبود شرایط به نفع تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و اقتصاد جهان ایفا می‌کند. به بیان دیگر، رخداد شیوع ویروس کرونا در سالی که مصادف با شصتمین سالروز تأسیس اوپک است، نقطه عطفی برای نقش‌آفرینی دوباره این سازمان و اعضای آن از طریق همکاری درون خود و تعامل با تولیدکنندگان غیرعضو اوپک برای مقابله با یک چالش فراگیر بین‌المللی و تحقق هدف مشترک برقراری ثبات و تعادل در بازار و قیمت جهانی نفت است.

«اوپک در دهه ششم هم سیاست‌های

سهام بازار را دنبال کرد (سال ۲۰۱۴)

و مقطع کوتاه مارس و آوریل

(۲۰۲۰) و هم سیاست‌های حفظ

قیمت (دوره اجرای بیانیه

همکاری)، ارزیابی شما از

این چرخش‌های سیاستی و

پیامدهای آن چیست؟

اوپک همواره در طول ۶ دهه فعالیت خود، همان‌گونه که در اهداف یادشده در اساسنامه آن آمده، سیاست‌ها و برنامه‌های خود را حول هدف برقراری ثبات و آرامش در بازار جهانی نفت تنظیم و اجرا کرده است. در این مسیر، ابزارهای در اختیار اوپک گاهی از طریق تلاش برای حفظ سهم خود در بازار و گاه برای بهبود سطح قیمت‌های نفت به کار گرفته شده است. اقدام‌ها و سیاست‌های اوپک در سال ۲۰۲۰ نیز خارج از قواعد گذشته سیاست‌های اوپک نیست و به تناسب شرایط و نیاز بازار نفت برای رسیدن به ثبات و تعادل، اوپک از همه ابزارهای در اختیار خود بهره جسته است.



«آیا اختلاف‌نظر روسیه و عربستان در ماه مارس ۲۰۲۰ که به جنگ قیمتی منجر شد، ممکن است بار دیگر شکل گیرد و سبب خروج روسیه از توافقنامه همکاری (DOC) شود؟ به نظر می‌رسد روسیه به دنبال کنترل تولید نفت شیل از طریق ابزارهای قیمتی است اما عربستان چنین راهبردی را دنبال نمی‌کند؟

باید توجه داشت که همکاری اوپک و غیراوپک در چارچوب بیانیه همکاری موضوعی بی‌سابقه در تاریخ بازار جهانی نفت و اوپک است که تلاش بسیاری برای تحقق و حفظ آن از سوی همه کشورهای حاضر در بیانیه همکاری انجام شده است. بروز اختلاف‌نظر و گاه دور شدن از فضای دوستانه در چارچوب هرگونه همکاری بین‌المللی موضوعی طبیعی و قابل تصور است، زیرا کشورها براساس منافع ملی خود وارد این همکاری می‌شوند و تعریف و پیگیری منافع ملی نیز با ابزارها و شیوه‌های مختلف انجام می‌شود که گاه ممکن است به خاتمه چارچوب همکاری منجر شود. بیانیه همکاری اوپک و غیراوپک داوطلبانه است و هر یک از کشورهای حاضر در آن به‌ویژه غیراوپکی‌ها ممکن است از آن خارج شوند، یا تعهدهای آن را نپذیرند، همان‌گونه که درباره مکزیک نیز این موضوع مشاهده شد. با این حال تا زمانی که کشورهای حاضر به دنبال تحقق هدف مشترک برقراری ثبات و توازن در بازار نفت هستند، می‌توان به ادامه این همکاری خوش‌بین بود. درباره روسیه نیز شرایط به همین شکل است. روسیه یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت در جهان است و در حوزه بازار نفت، دیدگاه‌ها و منافع ویژه خود را دنبال می‌کند که به‌طور کامل هماهنگ با دیدگاه‌ها و منطقی بر سیاست‌های اوپک نیست. با این حال، مجموع اقدام‌های این کشور از زمان آغاز بیانیه همکاری اوپک تاکنون نشان‌دهنده عزم و اراده جدی این کشور در همکاری برای ثبات بازار جهانی نفت است و حضور مؤثر این کشور در کنار اوپک در زمینه مدیریت عرضه جهانی نفت، نقش مهمی در تداوم اجرای توافقنامه همکاری از نوامبر ۲۰۱۶ تاکنون دارد.

«مهم‌ترین نگرانی‌های اوپک را در بلندمدت چه می‌دانید؟

نگرانی از تضعیف تقاضای جهانی نفت، همواره یک نگرانی جدی پیش‌روی اوپک و اعضای آن بوده است. چه در بازه زمانی کوتاه‌مدت و چه در چشم‌انداز بلندمدت، موضوع امنیت تقاضا دغدغه‌ای مهم برای اوپک است. شیوع ویروس کرونا و پیامدهای وسیع آن برای اقتصاد جهان، هرچند شیوع این ویروس احتمالاً پدیده‌ای کوتاه‌مدت و گذراست، می‌تواند به بعضی از تغییر و تحولات مهم مرتبط با الگوهای مصرف و تقاضای جهانی برای نفت منجر شود که آثار آن در میان‌مدت و بلندمدت سبب نگرانی خواهد بود. ازسوی دیگر، تغییرات حادث در سبب مصرف انرژی جهان و حرکت به سمت به‌کارگیری منابع انرژی پاک به جای سوخت‌های فسیلی در چشم‌انداز بلندمدت، دغدغه‌ای مهم پیش‌روی اوپک است که می‌تواند پیامدهای مهمی برای بازار نفت و کشورهای عضو اوپک در زمینه رقابت برای حفظ سهم خود در بازار جهانی نفت و انرژی به دنبال داشته باشد.

«پیش‌بینی‌های منابع مختلف نشان می‌دهد رشد تقاضای نفت به تدریج در حال کاهش است و به‌طور هم‌زمان، منابع نفت متعارف و نامتعارف به بازار نفت اضافه می‌شوند. به نظر می‌رسد به عصر فراوانی نفت وارد می‌شویم. به نظر شما قیمت‌های نفت تا چه زمانی پایین خواهد ماند؟

پیش‌بینی روند آینده قیمت نفت به اندازه پیچیدگی‌های موجود در بازار جهانی نفت دشوار و تقریباً ناممکن است، به‌ویژه در شرایطی مانند امروز که بازار جهانی نفت به‌دلیل شیوع ویروس کرونا و کاهش مصرف جهانی نفت، با فشار ناشی از ضعف تقاضا و مازاد عرضه نفت به بازارهای جهانی روبه‌روست. در گذشته و در ابتدای دهه ۲۰۰۰ میلادی نیز صحبت از عصر فراوانی نفت و به اوج رسیدن مصرف نفت (Peak Oil) شده بود، اما شاهد بودیم که روندهای جدیدی بر بازار نفت حاکم شد که تقاضا برای این ماده را تا بیش از ۱۰۰ میلیون بشکه در روز نیز افزایش داد. تا زمانی که اقتصاد جهان به شرایط عادی پیش از شیوع ویروس کرونا باز نگردد، نمی‌توان چشم‌انداز واقعی از آینده تقاضای جهانی نفت ارائه کرد. به نسبت وسیع‌تر، قیمت جهانی نفت متأثر از مؤلفه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی متعددی است که تغییر در وضع هر یک از این مؤلفه‌ها، می‌تواند بر روندهای آینده و سطح قیمت جهانی نفت اثرگذار باشد.

«چالش‌های قیمت‌های پایین نفت برای کشورهای اوپک که وابستگی شدیدی به درآمدهای نفت دارند، چیست؟ به نظر شما چه سیاست‌هایی باید از سوی این کشورها اتخاذ شود؟

از دست رفتن بخش قابل‌توجهی از درآمدهای سالانه و کاهش قدرت مالی کشورهای تولیدکننده از جمله اعضای اوپک برای سرمایه‌گذاری جدید در زمینه حفظ و افزایش توان برداشت از ذخایر خود، مهم‌ترین چالش کاهش سطح قیمت‌های نفت است. که امروز همه تولیدکنندگان نفت را تحت تأثیر قرار داده است. راهکار مقابله با این شرایط، کاهش هزینه‌های مازاد در اقتصاد، افزایش بهره‌وری اقتصادی در استفاده از منابع مالی و تنوع‌بخشی به منابع کسب درآمد بر مبنای توانمندی‌های اقتصاد ملی است که باید به‌عنوان اولویت سیاست‌های اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت در شرایط کنونی مورد توجه قرار گیرد.

به نظر شما همکاری‌های اوپک و غیرعضو اوپک در قالب توافقنامه همکاری تا کجا می‌تواند ادامه یابد؟ اوپک در سال‌های اخیر به‌دلیل کاهش تولید بارها سهم بازار قابل‌توجهی را از دست داده که بیشتر آن با تولید نفت آمریکا در بازار همزمان شده است. حدود چهار سال از اجرای توافقنامه همکاری می‌گذرد و در این مدت، بیش از ۱۰ نشست مشترک وزارتی میان اوپک و غیراوپک برگزار شده است. در ارتباط با تداوم همکاری اوپک و غیراوپک، تا زمانی که کشورهای حاضر در این همکاری درک مشترکی از چالش پیش‌روی خود و راهکارهای مقابله با آن دارند، ادامه همکاری آنها می‌تواند ادامه یابد.

«به نظر شما ادامه این سیاست منجر به سقوط اوپک نخواهد شد؟

همکاری اوپک و غیراوپک پیامدهای مثبت فراوانی داشته که در نقد رفتار و سیاست‌های اوپک باید به همه آنها توجه شود. کاهش بی‌ثباتی در بازار، تعدیل سطح ذخیره‌سازی‌های نفت به‌ویژه در دوره پیش از شیوع کرونا و کمک به بهبود سطح قیمت‌ها و درآمدهای نفتی کشورهای عضو، از جمله مهم‌ترین پیامدهای مثبت اجرای توافقنامه همکاری بوده است که باید به شکل کامل مورد توجه قرار گیرند و بازتاب داده شوند. اگر بیانیه همکاری وجود نداشت و اوپک به همراه تولیدکنندگان غیرعضو این سازمان سطح عرضه نفت را با برنامه و هدفمند تعدیل نمی‌کرد، با توجه به افزایش تولید نفت آمریکا تضمینی نبود که سهم این سازمان از بازار همچنان مانند گذشته باشد. نقش اوپک در بازار نفت، نقشی نهادینه است که در طول ۶ دهه اخیر و در برخورد با حوادث و تحولات مختلف سیاسی و اقتصادی شکل گرفته و این سازمان را به بلوغ و اثرگذاری امروزی رسانده است و به‌طور حتم این گذشته، چراغ راه آینده این سازمان نیز خواهد بود.

همکاری اوپک و غیراوپک در چارچوب بیانیه همکاری موضوعی بی‌سابقه در تاریخ بازار جهانی نفت و اوپک است که تلاش بسیاری برای تحقق و حفظ آن از سوی همه کشورهای حاضر در بیانیه همکاری انجام شده است

«یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های اوپک، اعمال سیاست‌های زیست‌محیطی و اقلیمی در جهان علیه تولید سوخت‌های فسیلی است. اهمیت این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اوپک از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی با ناطمینانی ناشی از تأثیر عامل محیط‌زیست بر بازارهای جهانی نفت روبه‌رو بوده و آن را در تصمیم‌های خود لحاظ کرده است. تصویب کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ میلادی سبب شد ارکان مختلف اوپک تحولات سیاست‌های جهانی محیط‌زیست و اقلیمی را با حساسیت بیشتری دنبال کنند و در «راهبرد بلندمدت اوپک» به‌عنوان یکی از ۱۰ چالش اصلی فراروی اوپک در نظر گرفته شود.



به‌عنوان پرسش پایانی، بر خورد اوپک را در شصتمین سالروز این سازمان با دو عضو بنیانگذار این سازمان یعنی ایران و ونزوئلا چگونه ارزیابی می‌کنید؟



به سمت انرژی‌های فاقد کربن (سبز)، ارتقای بهره‌وری انرژی و تغییر رفتار مصرف‌کننده است. هرچند میزان پیاده‌سازی چنین اقدام‌هایی که نیازمند میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری سالانه و فناوری است، در میان کشورها در سال‌های آینده متفاوت خواهد بود، اما می‌توان تصور کرد جهان با کمک فناوری‌های نوظهور گام‌های اساسی در تغییر صحنه انرژی جهان برخواهد داشت.

«بسیاری در کشور خواستار خروج ایران از اوپک هستند. آیا وقت خروج ایران از اوپک فرا رسیده است؟»

ایران یکی از کشورهای بنیان‌گذار اوپک است که در طول ۶۰ سال گذشته زحمات زیادی برای حفظ و ارتقای این سازمان در عرصه بین‌المللی نفت متحمل شده است. به‌واقع و به دور از اغراق، ایران یکی از مهم‌ترین کشورهای عضو اوپک است که با عضویت خود به این سازمان اعتبار بخشیده است. در مقابل، عضویت در یک سازمان مهم بین‌المللی برای بیش از ۶ دهه با همه فراز و نشیب‌های سیاسی و اقتصادی حادث، به جهت نقش‌آفرینی مؤثر جمهوری اسلامی ایران در همه تصمیم‌ها و سیاست‌های اوپک به تقویت وجهه بین‌المللی کشور کمک کرده است. ایران و اوپک از هم جدا نیستند و بیان برخی تفکرات و اظهارات در زمینه خروج از اوپک، مطلوب دشمنان ما و در تضاد با منافع ملی کشور است و به اعتبار و چهره کشور در زمینه همکاری درون نهادهای بین‌المللی خدشه وارد خواهد کرد. البته معیار اصلی ما، تأمین منافع ملی کشور است و به نظر اینجانب، عضویت در اوپک و تقویت این سازمان به نفع کشور است. هم‌اکنون و در آینده که استفاده از منابع فسیلی تحت فشار قرار خواهند گرفت، به احتمال زیاد ارزش همبستگی اعضای اوپک بیشتر محسوس خواهد بود. باید گفت، ما از اوپک حمایت می‌کنیم تا جایی که منافع جمهوری اسلامی ایران به‌صورت متعادل با دیگر اعضا تأمین شود. در غیر این صورت، عضویت در هیچ سازمان بین‌المللی اجباری نیست.



در چند سال اخیر موضوع «گذار انرژی» جهان به سمت انرژی‌های سبز در چارچوب موضوع تغییر اقلیم و اهداف توسعه پایدار (SDGs) بسط و شدت یافته است و مدافعان محیط زیست در قالب مفهومی این مسائل، آن را تحلیل و به‌عنوان راه نجات بشر از تبعات گرمایش جهانی توصیه می‌کنند

این چالش که به طرق و درجات مختلفی عرضه و تقاضای بلندمدت نفت را متأثر می‌کند، در ۳۰ سال گذشته با تقویت نهادها و معاهده‌های بین‌المللی مرتبط، ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده و به همان میزان، درجه تأثیرگذاری آن بر تحولات بلندمدت قیمت نفت و در نتیجه، درآمدهای آینده نفتی کشورهای عضو اوپک نیز افزایش یافته است.

در یک افق بلندمدت تا پایان قرن حاضر میلادی، بسته به میزان الزام و سطح اعمال استانداردهای زیست‌محیطی علیه تولید و مصرف نفت، ضمانت اجرا و گستردگی جهانی آن و نیز سرعت توسعه فناوری انرژی‌های جایگزین، بازار جهانی نفت می‌تواند شرایط ناپایدار متفاوتی را در آینده تجربه کند. البته باید اشاره کرد که پیکان حمله سیاست‌های زیست‌محیطی، در درجه نخست متوجه کاهش مصرف زغال‌سنگ است که در سال ۲۰۱۹، حدود ۲۷ درصد در ترکیب انرژی جهان سهم داشته است.

«یک واقعیت حتمی در آغاز دهه هفتم

عمر اوپک، موضوع گذار از انرژی است که

شواهد قوی برای آن وجود دارد. به نظر

شما کشورهای اوپک چگونه می‌توانند با

این پدیده روبه‌رو شوند؟ راهکار کشورهای

مانند ایران در این باره چیست؟ آیا امکان

دارد حجم قابل توجهی از ذخایر نفتی کشور

به شکل غیراقتصادی در زیر زمین باقی

بماند؟

در چند سال اخیر موضوع «گذار انرژی» جهان به سمت انرژی‌های سبز در چارچوب موضوع تغییر اقلیم و اهداف توسعه پایدار (SDGs) بسط و شدت یافته است و مدافعان محیط زیست در قالب مفهومی این مسائل، آن را تحلیل و به‌عنوان راه نجات بشر از تبعات گرمایش جهانی توصیه می‌کنند، اما واقعیت این است که موضوع «گذار انرژی» در چارچوب راهبرد کاهش وابستگی به نفت توسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) برای نخستین بار پس از شوک دوم نفتی در دهه ۱۹۷۰ میلادی تحت عنوان توسعه انرژی‌های نو (تجدیدپذیر) یا سوخت جایگزین در قالب یکی از راهکارهای مقابله با سیاست‌های اوپک مطرح شد. از این رو،

کشورهای عضو اوپک پیش‌تر با این پدیده (هرچند در شکل محدود آن) روبه‌رو شده‌اند و برای مدیریت آن اقدام کرده‌اند. به‌طوری که اوپک در سیاست‌های مدیریت بازار نفت همواره به این موضوع توجه کرده است که قیمت‌های بالای نفت می‌تواند زمینه افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه انرژی‌های جایگزین نفت خام را فراهم کند و سهم اوپک را در بازار نفت کاهش دهد. در واقع، اوپک از مزیت تولید ارزان نفت خود در مواجهه با پدیده «گذار انرژی» بهره برده است. از طرف دیگر، اوپک و کشورهای عضو با حضور در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی ضمن تلاش برای تعدیل سیاست‌های بلندپروازانه اقلیمی، خواستار توسعه فناوری‌هایی شده‌اند که به تولید و مصرف سبز نفت کمک می‌کند. ضمن اینکه در چارچوب «حق توسعه» مصوب سازمان ملل متحد، به مذاکرات خود برای انتقال و توسعه فناوری و متنوع‌سازی اقتصاد کشورهای وابسته به نفت در چارچوب مذاکرات تغییر اقلیمی ادامه داده‌اند. در یک ارزیابی کلی باید گفت راهبردهای اصلی اوپک و کشورهای عضو اوپک برای مدیریت «گذار انرژی» در سال‌های آینده در همین سه مورد خلاصه می‌شود: استفاده از مزیت‌ها، مدیریت عرضه جهانی نفت و حضور فعال در مذاکرات بین‌المللی اقلیمی.

در عین حال باید اشاره شود که از حدود دو دهه قبل صحبت از پایان عصر نفت توسط برخی تحلیلگران نفتی مطرح شده و امروز صحبت از رسیدن به اوج تقاضای جهانی نفت در یک دهه آینده است اما ملاحظه می‌شود همچنان نفت بالاترین سهم را در ترکیب انرژی جهان دارد و طبق تازه‌ترین پیش‌بینی دبیرخانه اوپک (اوت ۲۰۲۰)، نفت در ترکیب انرژی جهان تا سال ۲۰۴۵ میلادی همچنان با سهم ۲۷.۵ درصد بیشترین سهم را در

میان حامل‌های انرژی خواهد داشت و سهم گاز طبیعی نیز به حدود ۲۵ درصد می‌رسد. به عبارت دیگر، در ۲۵ سال آینده، نفت و گاز در مجموع ۵۲.۵ درصد انرژی مصرفی جهان را تشکیل خواهد داد و سهم انرژی‌های تجدیدپذیر (عمدتاً خورشیدی و بادی) با وجود آهنگ سریع رشد، فقط ۸.۷ درصد خواهد بود. باید در نظر داشت اگرچه توسعه فناوری‌های انرژی‌های سبز در سال‌های اخیر سبب شده است توان رقابت آنها به‌ویژه در بخش تولید برق افزایش یابد و افق روشنی برای این نوع انرژی در بخش برق ملاحظه می‌شود، اما مصرف نفت در بخش حمل‌ونقل به‌ویژه در بخش عمده‌ای از جهان که به فناوری‌های نو و منابع مالی لازم دسترسی ندارند، همچنان نقش غالب را حداقل تا سال ۲۰۵۰ میلادی خواهد داشت. از طرف دیگر، با توجه به مصارف غیرانرژی که نفت در صنایع مختلف و زندگی بشر دارد، تصور اینکه در نتیجه گذار به انرژی پاک، نفت به یک دارایی بلااستفاده (Stranded) تبدیل شود، به نظر پیش‌بینی بسیار بدبینانه‌ای است. البته این صحبت‌ها به این معنا نیست که می‌توان درباره آینده نفت و درآمدهای نفتی کشور (هم از نظر بازار و هم از نظر قیمت) اطمینان خاطر داشت. تهدیدها و نااطمینانی‌های بسیاری درباره مصرف نفت در آینده به‌عنوان سوخت ویژه با در نظر گرفتن اجرای سیاست‌های جهانی تغییر اقلیم وجود دارد و مصرف گاز طبیعی برای مصارف گرمایشی و حرکتی نیز تنها برای دوره گذار یا پل به سوی سوخت‌های پاک قابل اتکاست. در واقع، نشانه‌های عصر جدید انرژی در اسناد برنامه مشارکت معین ملی (NDC) کشورها که در چارچوب موافقت‌نامه پاریس به دبیرخانه کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل متحد (UNFCCC) ارائه شده، قابل مشاهده است که سیر تکامل سیاست‌های انرژی

ایران یکی از کشورهای بنیان‌گذار اوپک است که در طول ۶۰ سال گذشته زحمات زیادی متحمل شده است. به دور از اغراق، ایران یکی از مهم‌ترین کشورهای عضو اوپک است که با عضویت خود به این سازمان اعتبار بخشیده است

حدود دو دهه قبل صحبت از پایان عصر نفت توسط برخی تحلیلگران نفتی مطرح شده و امروز صحبت از رسیدن به اوج تقاضای جهانی نفت در یک دهه آینده است

چالش‌های اوپک در ۶۰ سالگی



■ **صفرعلی کرامتی**

نماینده ملی پیشین ایران در اوپک

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) که در سال ۱۹۶۰ با ابتکار ونزوئلا و همکاری کشورهای ایران، عربستان، عراق و اندونزی تشکیل شد در طول ۶ دهه گذشته با تحولات اقتصادی و اجتماعی جهان و بروز و ظهور رشد تولید نفت از منابع متعارف کشورهای غیر عضو اوپک نظیر رشد تولید دریای شمال در اواسط دهه ۷۰ قرن بیستم میلادی و رشد تولید نفت از منابع نامتعارف (نفت شیل) در

سال‌های اخیر با چالش‌های بزرگی روبه‌رو بوده است. تنش سیاسی و نظامی بین کشورهای مؤثر این سازمان، نظیر جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهاجم عراق علیه کویت در سال ۱۹۹۰ و تشدید مواضع خصمانه سیاسی عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر سبب تشدید مشکلات این سازمان در دوره‌های خاصی از عمر این سازمان شده است. در ۶۰ سال عمر این سازمان شاید دهه ۵۰ را بتوان موفق‌ترین دوران عمر اوپک برشمرد، زیرا کاهش نسبی تولید نفت دریای شمال و روسیه با فروپاشی شوروی در این دوران با رشد اقتصادی اقتصادهای نوظهور به‌ویژه کشورهای چین و هند سبب افزایش جدی تقاضای نفت شده بود. ازسوی دیگر، در دهه یادشده با کاهش نسبی تنش‌های سیاسی میان کشورهای مؤثر عضو اوپک و تقویت وحدت نسبی درونی این سازمان، کشورهای عضو اوپک به مهم‌ترین هدف خود که حداکثر کردن درآمد کشورها بود دست یافتند. در دهه اخیر با افزایش چشمگیر تولید نفت از منابع نامتعارف (نفت شیل) و افزایش دوباره تنش سیاسی میان کشورهای بزرگ عضو، به همراه افزایش نگرانی‌های زیست‌محیطی، چالش‌های این سازمان افزایش یافته است.

مهم‌ترین چالش‌های اوپک در ۶۰ سالگی آن عبارت‌اند از:

- ۱- افزایش عرضه ازسوی کشورهای غیرعضو اوپک به‌ویژه از منابع شیل؛
 - ۲- کاهش وابستگی رشد اقتصادی به مصرف انرژی به‌ویژه مصرف سوخت‌های فسیلی؛
 - ۳- ادامه سیاست‌های حمایتی کشورهای بزرگ صنعتی از پروژه‌های سوخت‌های غیرفسیلی و انرژی‌های تجدیدپذیر؛
 - ۴- افزایش نگرانی‌های زیست‌محیطی و تأثیر آن بر کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی به‌ویژه مصرف مواد نفتی.
- در ماه‌های گذشته با گسترش ویروس کرونا در سراسر جهان، اقتصاد جهان به‌ویژه زنجیره اقتصاد صنعت نفت در همه بخش‌های بالادستی و پایین‌دستی دچار آسیب جدی شده است، به‌طوری که بسیاری از شرکت‌های بزرگ ناگزیر به اخراج بسیاری از کارکنان خود، کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و عملیاتی‌شان شده‌اند.

شرایط یادشده سبب کاهش چشمگیر تقاضای نفت و مواد نفتی در سال جاری میلادی شده است، به‌طوری که دولت آمریکا بزرگ‌ترین دشمن سنتی اوپک در ماه مارس ۲۰۲۰، خواستار مداخله این سازمان در ایجاد ثبات در بازار نفت شد. باوجود حمایت مقطعی آمریکا از اوپک، رشد تولید نفت از ذخایر شیل آمریکا همچنان تهدید جدی علیه ثبات بازار و اهداف اوپک شامل حداکثر کردن درآمد کشورهای عضو اوپک و ایجاد ثبات در بازار نفت است.

با توجه به چالش‌های فوق و آثار آنها بر ثبات بازار نفت و درآمدهای کشورهای عضو اوپک در آینده، لازم است کشورهای عضو این سازمان ضمن متنوع کردن اقتصاد کشورشان و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، راهبرد مؤثرتری برگرفته از وحدت بیشتر میان کشورهای عضو برای همکاری بیشتر با بسیاری از کشورهای تولیدکننده نفت غیر عضو اوپک و مقابله با چالش ناشی از منابع شیلی آمریکا اتخاذ کنند.



روایت «یار جانی» از ۶ دهه فعالیت اوپک

اوپک چگونه به بازیگر مهم در بازارهای جهانی بدل شد

■ **نگار صادقی**

جواد یارجانی، مدیرکل پیشین امور اوپک و روابط با مجامع انرژی وزارت نفت که بیش از ۳۰ سال در نشست‌های اوپک حضور داشته است و پنج سال هم در بخش انرژی دبیرخانه اوپک مسئولیت مدیریتی داشت، با نگاهی به کارنامه ۶۰ ساله اوپک معتقد است همچنان فواد روحانی، نخستین دبیرکل اوپک یکی از تأثیرگذارترین دبیران کل اوپک در طول شصت سال فعالیت این سازمان بود و توانست اوپک را برای مذاکرات سخت و رویارویی با شرکت‌های بین‌المللی نفتی آماده کند و بیژن زنگنه هم باسابقه‌ترین وزیر نفت در نشست‌های اوپک. با این حال یارجانی با یادآوری خاطراتی از حضور هیئت‌های ایرانی در نشست‌های اوپک نمونه‌هایی را یادآور می‌شود که اتفاقاً هیئت ایرانی در میان اعضا تنها بودند و توانستند با داستان خالی از منافع ایران به بهترین نحو دفاع کنند. وی می‌گوید: «در سال ۲۰۱۶ در طول مذاکرات نفی‌گیر کارشناسی که حتی یکبار به‌دلیل فشار طرف‌های مذاکره، روانشاد حسین کاظم‌پور اردبیلی عزیز را روانه بیمارستان کرد، با درایت و پایداری به‌کار گرفته شده نتیجه مطلوب مورد انتظار کشور به بار نشست و ایران نه‌تنها از هرگونه کاهش تولید معاف شد، بلکه اجازه یافت برای رسیدن به توان تولید پیش از تحریم‌ها به تولید خود نیز بیفزاید.» متن کامل گفت‌وگو با جواد یارجانی، مدیرکل پیشین امور اوپک و روابط با مجامع انرژی وزارت نفت را بخوانید:



انسان‌دوستانه بروز می‌دادند که در میان سیاستمداران حرفه‌ای دنیای امروز کالای کمیابی است.

در میان دبیران کل اوپک، بسیاری معتقدند که فواد روحانی نخستین دبیرکل اوپک از ایران که فردی با سواد، فرهیخته بود چهار سال بسیار تأثیرگذاری را برای پایه‌ریزی اوپک از سر گذراند، از جمله دبیران کل تأثیرگذار در اوپک بود. وی در این راه با توجه به اینکه در آن سال‌ها کشور ایران به‌دلیل ترکیب جمعیتی و سابقه تاریخی، افراد توانا برای اداره دبیرخانه در اختیار داشت، توانست با استفاده از این نیروها مانند استاد موحد که در آن زمان از کارشناسان نخیه شرکت ملی نفت ایران بودند، اوپک را برای مذاکرات سخت و رویارویی با شرکت‌های بین‌المللی نفتی آماده کند و این در حالی بود که طبق کتاب خاطرات دکتر فواد روحانی که به‌تازگی چاپ شده، در داخل کشور بسیاری از جمله نخست‌وزیر وقت یعنی اسدالله علم مخالف پا گرفتن اوپک و همکاری با کشورهای دیگر برای مقابله با شرکت‌های نفتی بودند و بر سر راه فعالیت‌های شبانه‌روزی او سنگ‌اندازی می‌کردند تا جایی که علم متن نامه‌های سری دبیرکل اوپک به شاه را در اختیار سفیر انگلیس در تهران قرار می‌داد.

البته محمد بارکیندو دبیرکل کنونی اوپک نیز که از شاگردان دکتر لقمان است و از نشست‌های کمیسیون اقتصادی اوپک از سال‌های دور او را می‌شناسم نیز دبیرکل بسیار کاربلد و ورزیده‌ای است که افزون بر مسائل نفتی به توانایی‌های سیاست‌ورزی و شنا در رودخانه پر از موج و خروش اوپک آشناست که هم منافع سازمان و کشورهای پر نفوذ آن را حفظ کند و هم منافع شخصی‌اش را.

«فکر می‌کنید اعضای اوپک در بزنگاه‌های

مختلف تا چه میزان منافع جمعی را بر

منافع فردی ترجیح دادند؟ البته در

دوران جنگ تحمیلی شاهد بودیم

که تعدادی از اعضا از عراق حمایت

کردند، یا پس از آن هم هنگامی

که دو عضو بنیانگذار این سازمان

تحریم شدند همچنان تعدادی از

اعضا تلاش کردند جای خالی آنها را

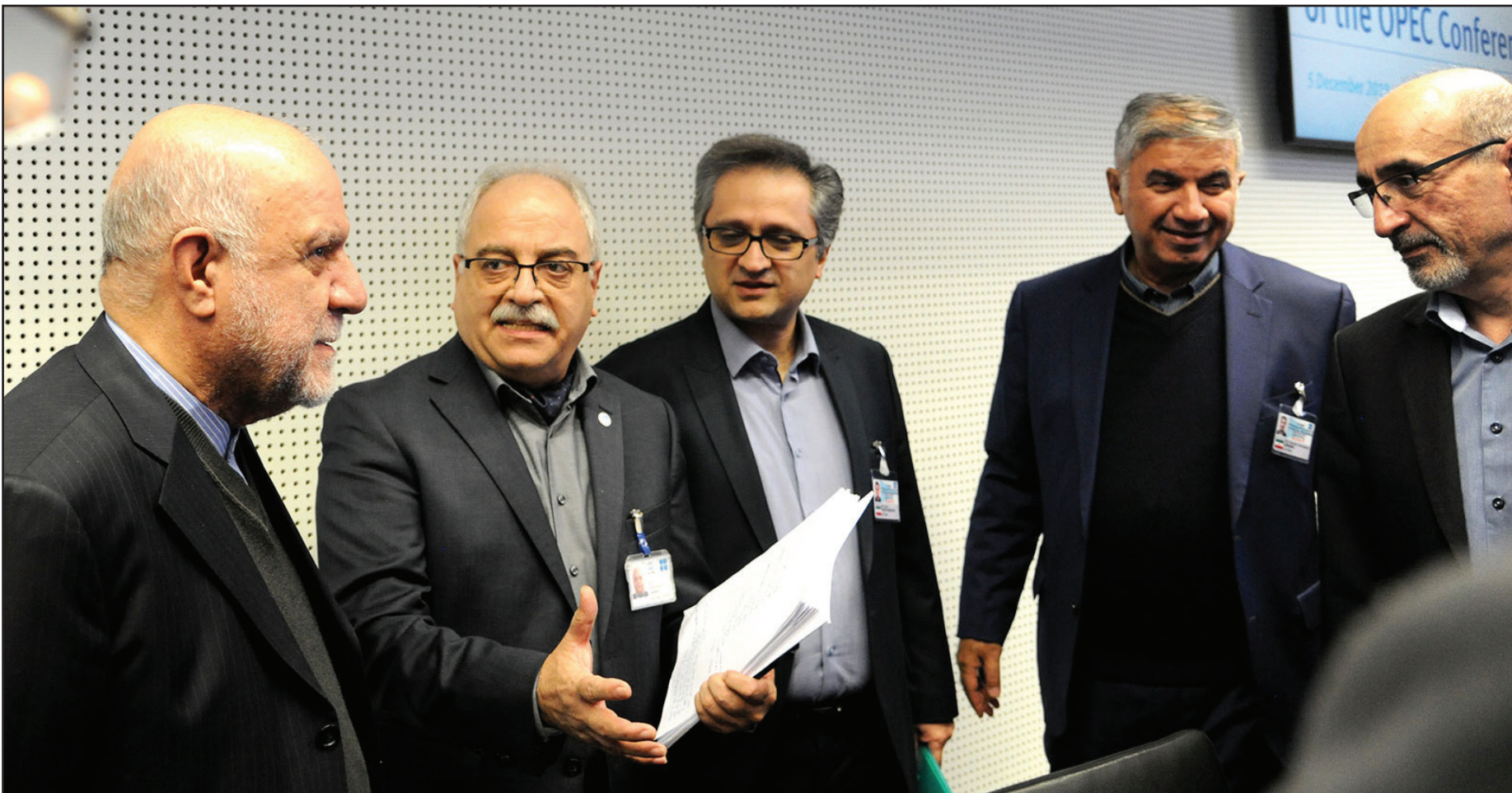
در بازار پر کنند.

اعضای اوپک مانند بسیاری از کشورها در سازمان‌های بین‌الدولی در بسیاری از موارد برای حصول توافق دسته‌جمعی از بخشی از منافع کوتاه‌مدت خود می‌گذرند، اما این کار به این معنا نیست که منافع دسته‌جمعی را بر منافع ملی ترجیح داده‌اند، بلکه رسیدن به منافع ملی را تنها از این مسیر ممکن تشخیص داده‌اند. البته در تصمیم‌گیری‌های اوپک مواردی وجود دارد که در نگاه نخست به نظر می‌رسد دنبال‌کننده تصمیم خاص، منافع ملی کشورش را به خطر می‌اندازد، اما حقیقت آن است که آن دوره کوتاه ضرر و زیان برای رسیدن به هدف بزرگ‌تری در آینده هست. برای نمونه می‌توان به افزایش تولید اوپک در نشست نوامبر ۱۹۹۷ میلادی جاکارتا باوجود بحران مالی در آسیا و کاهش تقاضا برای نفت اشاره کرد که کاهش شدید قیمت نفت را

تناوب در این نشست حاضر شدم، یا در پنج سالی که در بخش انرژی دبیرخانه اوپک مسئولیت مدیریتی داشتم، با ویژگی‌های بسیاری از آنها آشنا شده‌ام که به‌طور طبیعی تأثیر بعضی از آنها بر تصمیم‌های اوپک یا دیگران بیشتر از بقیه بوده است. برای شخص من شخصیت «پرز آلفونسو» وزیر نفت ونزوئلا در زمان تأسیس اوپک که به حق از او به عنوان پدر اوپک یاد می‌شود و او را تنها از طریق کتاب و یادداشت‌هایش می‌شناسم، بسیار جالب بوده است. او حقوقدان و سیاستمداری از جنس دوستدار مردم و طبیعت بود که تلاش‌های مستمرش برای ایجاد اوپک برای مقابله با زیاده‌خواهی‌های شرکت‌های نفتی چندملیتی در سال ۱۹۶۰ به بار نشست. وی در سال ۱۹۷۵ میلادی در دوران بازنشستگی وقتی ولخرجی‌های دولتمردان کشورش را در واردات کالاهای مصرفی و بی‌توجهی به توسعه اقتصادی واقعی را دید، فریاد برآورد که چنانچه این روند در چند دهه آینده ادامه یابد، دوران تاریکی را برای کشورم می‌بینم. او درآمد نفت را که آنچنان مانند موریانه همه ابعاد کشور ونزوئلا را نشانه گرفته بود به «سرگین شیطان» تشبیه کرد. متأسفانه پیش‌بینی او برای کشورش و برخی دیگر از کشورهای وابسته به صادرات یک ماده خام به واقعیت پیوسته است. در ۶۰ سال گذشته تعداد وزیران نفتی که از عربستان در نشست‌های اوپک (بدون احتساب وزیر کنونی) شرکت کرده‌اند در حد انگلستان یک دست است که از میان آنها شاید نخستین وزیر نفت آن کشور یعنی عبدالله طریقی که به دلیل افکار ضد زیاده‌طلبی‌های شرکت‌های نفتی چندملیتی از طرف آنها به لقب «شیخ سرخ» نائل شده بود، از مدافعان سرسخت تشکیل اوپک بود و به آرمان‌های اولیه آن ایمان داشت. وی به‌طور عمده به‌دلیل افکار مترقیانه‌اش تنها دو سال در این مقام دوام آورد و بقیه عمرش را در بیروت و قاهره گاه به صورت تبعید خودخواسته گذراند.

احمد زکی یمانی، وزیر بعدی عربستان که حقوقدان بود و در برهه بسیار مهمی از اوپک نقش‌آفرینی و از منافع کشورش دفاع کرد، بر بازار نفت بسیار تأثیرگذار بوده است. ۲۵ سال دوران صادرات او و نحوه برکناری وی در سال ۱۹۸۶ میلادی به‌دلیل عدم تمکین از فرمان شاه عربستان برای امضای قیمت ۱۸ دلار برای نفت در نشست اوپک و زندگی دور از کشورش در انگلستان به صورت تبعید خودخواسته و ریاست بر یک مرکز تحقیقاتی هنوز برای محققان می‌تواند جالب باشد. علی نعیمی نیز وزیر موفق برای تصمیم‌سازی برای اوپک هم‌سو با منافع عربستان بود که پس از ۲۱ سال خدمت خالصانه، در پی ناموفق بودن در اجبار کردن ایران برای شرکت در برنامه «تثبیت تولید production freeze»، محترمانه از طرف شاهزاده بن سلمان که در عمل قدرت را در آن کشور در اختیار دارد به افتخار بازنشستگی اجباری دیر هنگام نائل شد.

دکتر لقمان از نیجریه و دکتر علی رودریگز از ونزوئلا که هر دو رؤسای من در طول خدمتم در دبیرخانه اوپک بودند، چه در مقام وزارت و چه در دوره‌هایی که مسئولیت دبیرکلی اوپک را در اختیار گرفتند، نشانه‌هایی از شخصیت



روایت «یار جانی» از ۶ دهه فعالیت اوپک

اوپک چگونه به بازیگر مهم در بازارهای جهانی بدل شد



اوپک در دهه نخست تأسیس خود نقش چندانی در بازار نفت نداشت و تنها پس از اتفاقی که برای اوپک در سال‌ها رقم زد، کاهش دوباره قیمت‌های نفت در اواخر این دهه که سبب بر سر کار آمدن دولت چاوز در ونزوئلا شد و حمایت‌های بی‌دریغ چاوز از اوپک برخلاف دولت‌های پیشین آن کشور، سبب ارتقای موقعیت سازمان شد. برگزاری دومین نشست سران اوپک در کاراکاس نشانه سپاس اعضا از سیاست جدید دولت ونزوئلا و اوج‌گیری موقعیت دوباره سازمان بود. افزایش قیمت‌های نفت به حدود ۱۴۵ دلار به ازای هر بشکه در تابستان ۲۰۱۸ و ناتوانی اوپک در کاهش آن، کاهش قیمت‌ها به زیر ۳۰ دلار برای هر بشکه را در زمستان آن سال رقم زد که این بار اوپک با کاهش شدید تولید خود توانست از سقوط بیشتر قیمت نفت جلوگیری و مقدمات افزایش تدریجی آن را فراهم کند. از دیگر مقاطع ضعف اوپک می‌توان به سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ اشاره کرد که قیمت‌های نفت را در اوایل سال ۲۰۱۶ میلادی به زیر ۳۰ دلار برای هر بشکه کاهش داد. تنها توافق تولیدکنندگان عضو غیرعضو اوپک در دسامبر ۲۰۱۶ توانست قیمت‌ها را در مسیر افزایش قرار دهد.

«از نظر شما تأثیرگذارترین وزیران و دبیران کل اوپک چه کسانی بودند؟»

در تاریخ ۶۰ ساله اوپک، وزیران و افراد بسیاری از کشورهای مختلف به‌عنوان نماینده کشورشان در نشست‌های اوپک شرکت کرده‌اند که در حدود سی و چند سالی که من به

«در شصتمین سالروز تأسیس اوپک هستیم، در این مدت این سازمان فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. مهم‌ترین نقاط عطف این سازمان را در چه دوره‌هایی می‌دانید و فکر می‌کنید در چه دوره‌ای اوپک به‌شدت تضعیف شد؟»

اوپک در دهه نخست تأسیس خود نقش چندانی در بازار نفت نداشت و تنها پس از اتفاق‌های سیاسی دهه ۱۹۷۰ پس از جنگ «یوم کیپور» بین اعراب و اسرائیل که تحریم نفتی اعراب علیه حامیان اسرائیل را به دنبال داشت و قیمت‌های نفت نزدیک به چهار برابر افزایش یافت، اوپک به بازیگر مهم بازار جهانی تبدیل شد. در سال‌های بعد متأثر از شرایط بازار نفت و تحولات سیاسی و اقتصادی دنیا، اوپک دچار ضعف می‌شود و دوباره قدرت خود را باز می‌یابد. اوج قدرت اوپک در سال ۱۹۷۵ میلادی در زمان برگزاری نخستین نشست سران در الجزایر بود که بیانیه پایانی نشست درباره مشکلات اقتصاد جهانی و فقر در کشورهای جهان سوم، عزم کشورهای بزرگ غرب را برای از میان برداشتن این سازمان پر قدرت از جهان به اصطلاح سوم، جزم کرد. وقوع انقلاب اسلامی در ایران و پس از مدتی حمله نیروهای صدام حسین به کشور بحران شدیدی را در بازار نفت ایجاد کرد که دیگر کشورهای عضو با افزایش تولید نفت خود توانستند تا حدی جای خالی دو کشور بزرگ صادرکننده نفت جهان را پر کنند. تا اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی با تغییر سیاست عربستان و اشباع بازار نفت، قیمت نفت به حدود هفت دلار برای هر بشکه رسید که از موارد ضعف اوپک به شمار می‌رود. سرانجام با تغییر سیاست عربستان قیمت‌ها در سطح ۱۸ دلار برای هر بشکه تثبیت



«از میان مهم‌ترین دستاوردهای آقای زنگنه مربوط به نشست اوپک در سال ۲۰۱۶ و نشست‌های کارشناسی متعدد پیش از آن است که منجر به نتایجی شد که در نشست نهایی وزیران که آن هم بسیار سخت و فرسایشی بود نتیجه مطلوب مورد انتظار کشور به بار نشست و ایران نه تنها از هر گونه کاهش تولید معاف شد، بلکه اجازه یافت برای رسیدن به توان تولید پیش از تحریم‌ها به تولید خود نیز بیفزاید



«آقای زنگنه یکی از قدیمی‌ترین وزیران حاضر در اوپک است و بعید می‌دانم تا مدت‌ها کسی بتواند این عنوان را از آن خود کند، نقش او را در تصمیم‌گیری‌های اوپک چطور ارزیابی می‌کنید؟ پررنگ‌ترین خاطره‌ای که از او در این سال‌ها دارید به چه دوره‌ای مربوط می‌شود؟

بله همین طور است. آقای زنگنه در میان وزیران نفت ایران با حدود ۱۵ سال وزارت، رکورددار سکنداری این وزارتخانه مهم است. تا پایان دولت آقای روحانی، چهار دوره وزارت ایشان و ۱۶ سال حضور در نشست‌های اوپک ان‌شاءالله با خیر و خوشی پایان می‌یابد. امید که در این دوران سخت که به اعتراف بیشتر ناظران بین‌المللی فلج‌کننده‌ترین تحریم‌ها کشور را در تنگنا قرار داده، با هدف درس‌گیری از تجربه‌های موفق و ناموفق مسئولان، در ارزیابی و اظهارنظرهای خود رعایت انصاف را بکنند و خداوند را بر همه اعمال خود ناظر بدانیم. چنانچه بخواهیم ارزیابی کلی از عملکرد آقای زنگنه در اوپک داشته باشیم، شکی نیست مذاکرات گاه نفس‌گیر با رقیبانی که اغلب با مشکلاتی که ایران در این دوران با آنها روبه‌رو بوده بیگانه بوده و از بهترین مشاوران بین‌المللی برای فعالیت‌هایشان برخوردار بوده‌اند، نمی‌تواند همگی موفق و شیرین باشند، لکن با اطمینان می‌توان اعلام کرد عملکرد ایشان و تیم‌های همراه به‌ویژه با کمک یار همیشگی ایشان در نشست‌های اوپک یعنی زنده‌یاد حسین کاظم‌پور اردبیلی، احترام دوست و مخالف را برانگیخته و دستاوردهای بسیار مثبتی برای کشور داشته است. البته نباید فراموش کرد شیرینی دستاورد یک نشست موفق با اظهارنظر مغرضانه یک مخالف سیاسی می‌تواند به تلخ کامی مبدل شود. از میان مهم‌ترین دستاوردهای آقای زنگنه که اتفاقاً از جمله نمونه‌های «تنها بودن هیئت ایران» هم است، مربوط به نشست اوپک در سال ۲۰۱۶ و نشست‌های کارشناسی متعدد پیش از آن است. در طول مذاکرات نفس‌گیر کارشناسی که حتی یک بار به دلیل فشار طرف‌های مذاکره، روانشاد حسین کاظم‌پور اردبیلی عزیز را روانه بیمارستان کرد، منجر به نتایجی شد که در نشست نهایی وزیران که آن هم بسیار سخت و فرسایشی بود، با درایت و پایداری به کار گرفته‌شده نتیجه مطلوب مورد انتظار کشور به بار نشست و ایران نه‌تنها از هر گونه کاهش تولید معاف شد، بلکه اجازه یافت برای رسیدن به توان تولید پیش از تحریم‌ها به تولید خود نیز بیفزاید که این موضوع راه را برای افزایش تولید و صادرات کشور از یکم ژانویه ۲۰۱۷ را باز کرد که متأسفانه خروج ترامپ از برجام و تحمیل تحریم‌های سخت جدید، شیرینی این موفقیت را به تلخ کامی مبدل کرد.



به دنبال داشت. بعدها مشخص شد که هدف اصلی عربستان در اصرار به افزایش تولید، خارج کردن ونزوئلا از برنامه افزایش تولید نفتش با کمک شرکت‌های غربی بود که این موضوع با انتخاب هوگو چاوز در سال بعد با اختلاف کم از رقیب دست راستی خود عمدتاً به دلیل کاهش قیمت نفت محقق شد. در نوامبر سال ۲۰۱۴ نیز موافقت نکردن عربستان با کاهش تولید نفت اوپک، قیمت‌های نفت را به شدت کاهش داد تا جایی که در اوایل ۲۰۱۶ قیمت نفت از حدود ۱۰۰ دلار در سال ۲۰۱۴ به زیر ۳۰ دلار سقوط کرد که این موضوع بیشترین زبان را متوجه ونزوئلا کرد و اختلاف‌های داخلی بین جانشینان چاوز را پررنگ‌تر و شرایط اقتصادی آن کشور را بحرانی‌تر کرد، بنابراین فکر می‌کنم در اوپک همه کشورها به دنبال منافع ملی هستند و اگر هم منافع دسته جمعی ترجیح داده می‌شود همسو با تأمین منافع ملی آنهاست.

«باتوجه به سابقه شما در اوپک و حضور در نشست‌های پشت درهای بسته، آیا مواردی بوده که به‌طور کامل از اجماع برای تصمیم‌گیری ناامید شوید و حتی فکر کنید که این نشست‌ها و مذاکرات پشت پرده فایده‌ای ندارد و هر کشوری ساز خود را می‌زند؟

ناامیدی از اجماع در بسیاری از نشست‌های اوپک وجود داشت و در صورت تداوم فعالیت اوپک در آینده نیز احتمال تکرار آن وجود دارد. در سال‌های متمادی این احساس در میان شرکت‌کنندگان در نشست‌های وزیران اوپک به‌ویژه زمان‌هایی که وزیران نشست‌ها را در پشت درهای بسته دنبال می‌کردند و دیگر اعضای هیئت‌ها ساعت‌های متمادی گاه تا پاسی از شب نگران توافق نهایی باقی می‌ماندند که گاه حاصل هم نمی‌شد وجود داشت، اما فکر می‌کنم سهم هیئت ایرانی از این نگرانی‌ها به دلیل شرایط کشور در طول این سال‌ها بی‌شک بیشتر از دیگر کشورهای عضو بوده است.

شکی نیست که قدرت در درون اوپک از مقدار ذخایر کشورها ناشی نمی‌شود بلکه داشتن ظرفیت و توان تولید اضافی حرف نخست را در مذاکرات اوپک می‌زند. اگر کشوری تحریم شده باشد حتی اگر توان تولید هم داشته باشد، توان تاثیرگذاری بر تصمیم‌های اوپک برای آن کشور از بین می‌رود

▼ به نظر شما اوپک بازهم سازمان اثرگذاری در بازار نفت است و باتوجه به نقش انرژی‌های تجدیدپذیر همچنان می‌تواند یکی از بازیگران اصلی بازار نفت باشد؟

اوپک در دوران بحران ناشی از شیوع بیماری کرونا، نشان داد هنوز می‌تواند سازمان اثرگذاری در بازار نفت باشد. به نظر می‌رسد تا زمانی که نفت به عنوان یکی از منابع تأمین انرژی جهان حداقل تا ۲۰-۳۰ سال آینده باقی بماند، اوپک همچنان

قادر خواهد بود در ایجاد تعادل در بازار نفت نقش آفرین باشد. البته شرایط بازار نفت پس از پایان بحران ناشی از شیوع ویروس کرونا و آینده تولید و صادرات نفت دو عضو بنیانگذار اوپک یعنی ایران و ونزوئلا در تعیین نقش اوپک در سال‌های آینده بسیار مهم خواهند بود.



«به اعتقاد شما با توجه به این که ایران در ۱۰ سال اخیر در دو دوره زمانی سهم خود را از بازار نفت از دست داده و هم اکنون نیز تحت تحریم‌های آمریکاست، آیا همچنان می‌توان این کشور را یکی از اعضای موثر اوپک قلمداد کرد؟

شکی نیست که قدرت در درون اوپک از مقدار ذخایر کشورها ناشی نمی‌شود بلکه داشتن ظرفیت و توان تولید اضافی حرف نخست را در مذاکرات اوپک می‌زند. البته اگر کشوری تحریم شده باشد حتی اگر توان تولید هم داشته باشد، توان تاثیرگذاری بر تصمیم‌های اوپک برای آن کشور از بین می‌رود. البته بسیاری بر این عقیده هستند که اگر به جای صادرات روزانه دو میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه‌ای ایران پیش از تحریم‌ها، دنیا به نفت صادراتی ایران در سطح برای نمونه ۴ میلیون بشکه در روز وابسته بود، تحریم‌ها به سادگی شکل نمی‌گرفت. البته اگر حتی برای روزانه دو میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه صادرات کشور، روابط راهبردی با کشورهای بزرگ مصرف‌کننده نفت به‌ویژه در آسیا مانند چین و هند و یا هر قدرت اقتصادی دیگر نفت در مقابل همکاری در ایجاد پروژه‌های بزرگ مانند راه آهن سراسری، کشاورزی مدرن با استفاده از آب شیرین کن‌ها و نظایر آن امضا شده بود و ما بابت انجام این پروژه‌ها در کشور به طرف‌های خود بدهکار بودیم، کشور طلبکار به هر وسیله ممکن نفت ایران را برای تسویه طلب‌هایش وارد می‌کرد. زمانی که اروپا در دور نخست تحریم‌ها در زمان اوباما، واردات نفت از ایران را به صفر رساند، شرکت‌های ایتالیا به دلیل طلبی که از ایران برای پروژه‌های مختلف داشت، توانست مجوز واردات نفت از ایران را بگیرد. امید که با گذشت از این دوران سخت و با تجربه‌اندوزی از گذشته، شرایط تبدیل ثروت زیر زمین به ثروت روی زمین دوباره مهیا و این امر به سرعت آغاز شود.

«آیا گمان می‌کردید روزگاری برسد که اوپک و روسیه و هم‌پییمانان آن با هم برای جلوگیری از افت شدید قیمت نفت به توافق برسند؟

در طول سال‌هایی که در مقاطعی اوپک با معضل کاهش تقاضای جهانی و افزایش عرضه نفت و کاهش شدید قیمت آن روبه‌رو می‌شد، همواره از دیگر تولیدکنندگان بزرگ نفت دنیا مانند روسیه، نروژ، مکزیک و عمان درخواست کمک می‌کرد تا در کاهش تولید با اوپک همکاری کنند که باوجود قول و قرارهای هر از چندگانه این کشورها، هیچگاه این همکاری‌ها قابل اتکا و پایدار نبودند. همکاری کشورهای غیر عضو اوپک با اوپک از آغاز سال ۲۰۱۷ به نظر جدی‌تر از گذشته هست و تاثیر مثبتی بر سطح قیمت‌ها گذاشته است که البته نقش اوپک را در تنظیم بازار کم رنگ‌تر کرده که از آن گریزی نیست و بهایی است که اوپک و اعضای آن باید برای رسیدن به قیمت بالاتر نفت بپردازد. البته آنچه برای ایران مهم است رفع تحریم‌ها از صنعت نفت ایران است که بتوانیم هر چه زودتر به جایگاه واقعی خود در بازار نفت و همینطور اوپک برگردیم.

۲۳ دبیرکل اوپک؛ از ایران تا نیجریه

فواد روحانی

۱۹۶۱ فواد روحانی در سال ۱۹۰۷ میلادی (یکم آبان ماه ۱۲۸۵) در تهران چشم به جهان گشود. وی مدرک دکترای حقوق خود را از دانشگاه لندن دریافت کرد و در سال ۱۹۶۱ میلادی عنوان نخستین دبیرکل اوپک را به خود اختصاص داد و تا سال ۱۹۶۴ میلادی در این سمت انجام وظیفه کرد.



عبدالرحمان البزاز

۱۹۶۴ عبدالرحمان البزاز در ۲۰ فوریه ۱۹۱۳ میلادی در شهر بغداد پایتخت عراق به دنیا آمد. وی پس از گذراندن تحصیلات عالی در دانشگاه بغداد و کینگز کالج لندن موفق به کسب مدرک دکترای حقوق شد. وی از سال ۱۹۶۴ میلادی به مدت یک سال دبیرکل اوپک بود.



امیر دشتی - سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در طول حیات ۶۰ ساله خود تاکنون ۲۳ دبیرکل و در یک برهه زمانی دو سرپرست نیز داشته است. دبیرکل اوپک از سوی وزیران نفت کشورهای عضو این سازمان و با تصویب در نشست‌های وزارتی تعیین می‌شود، بالاترین مرجع اجرایی دبیرخانه اوپک باید فردی از کشورهای عضو این سازمان باشد، دوره دبیرکلی سه ساله است و برای یک دوره سه‌ساله دیگر با تصویب وزیران نفت و انرژی نیز قابل تمدید خواهد بود.

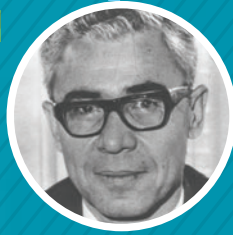
دبیرکل اوپک در سمت مدیر اجرایی دبیرخانه با همکاری شورای نمایندگان کشورهای عضو در هیئت عامل، امور اجرایی این سازمان را به‌عهده دارد. اوپک در طول حیات ۶۰ ساله خود، تاکنون حضور ۲۳ دبیرکل را تجربه کرده است و در طول ۶ دهه فعالیت این سازمان در یک برهه زمانی در غیاب این مقام اجرایی، پنج رئیس کنفرانس اوپک به‌عنوان سرپرست در دبیرخانه بالاترین سمت اجرایی را به‌عهده داشتند.

فواد روحانی از ایران در سال ۱۹۶۱ میلادی، یک سال پس از تأسیس اوپک در سال ۱۹۶۰ میلادی، به‌عنوان نخستین دبیرکل اوپک انتخاب شد و محمد سانوسی بارکیندو از ژوئن ۲۰۱۶ تاکنون به‌عنوان بیست‌وسومین دبیرکل اوپک نیز عهده‌دار این سمت است. بارکیندو اهل نیجریه است.



اشرف لطفی

۱۹۶۵ اشرف لطفی از کویت متولد سال ۱۹۱۹ میلادی در جفا فلسطین، مدرک لیسانس خود را از کالج صفاد فلسطین گرفته است. لطفی در سال ۱۹۶۵ به سمت دبیرکل اوپک منصوب شد و به مدت یک سال در این سمت خدمت کرد.



محمد صالح جوخدار

۱۹۶۷ محمد صالح جوخدار سال ۱۹۳۲ میلادی در جده عربستان چشم به جهان گشود. وی تحصیلات عالی خود را در دانشگاه‌های کالیفرنیا و کالیفرنیا جنوبی آمریکا به پایان رساند. این مقام عربستانی در سال ۱۹۶۷ به مدت یک سال دبیرکل اوپک بود.



عمر البدری

۱۹۷۰ عمر البدری از لیبی متولد سال ۱۹۳۷ میلادی، لیسانس رشته اقتصاد و علوم سیاسی خود را از دانشگاه دوبلین ایرلند دریافت کرده بود. وی در سال ۱۹۷۰ میلادی به‌مدت یک سال به سمت دبیرکل اوپک منصوب شد.



فرانسیسکو آر. پارا

۱۹۶۸ فرانسیسکو آر. پارا متولد ۳۰ اوت سال ۱۹۲۹ میلادی در کاراکاس ونزوئلا، مدرک لیسانس خود را در رشته علوم سیاسی در سال ۱۹۶۶ از مؤسسه مطالعات بین‌المللی ژنو سوئیس دریافت کرد. آر.پارا سال ۱۹۶۸ به سمت دبیرکل اوپک منصوب شد.



الریچ سانچر

۱۹۶۹ الریچ سانچر متولد ۱۴ ژانویه سال ۱۹۲۷ میلادی در گورنتالو اندونزی مدرک دکترای حقوق خود را از دانشگاه بن آلمان گرفت. وی در سال ۱۹۶۹ میلادی به سمت دبیرکل اوپک منصوب شد و به مدت یک سال در این سمت خدمت کرد.



ندیم پاچاچی

دکتر ندیم پاچاچی ۱۸ مارس سال ۱۹۱۴ میلادی در بغداد چشم به جهان گشود. وی تحصیلات خود در سطوح فوق لیسانس و دکترا را در امپریال کالج لندن گذراند. ندیم پاچاچی نیز از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۲ میلادی دبیرکل اوپک بود.



عبدالرحمان خنه

عبدالرحمان خنه متولد ششم مارس سال ۱۹۳۱ میلادی در کولو الجزایر مدرک دکترای داروسازی خود را در سال ۱۹۶۸ از دانشگاه الجزیره الجزایر دریافت کرد. وی در سال ۱۹۷۳ میلادی به سمت دبیرکل اوپک انتخاب شد و به مدت یک سال در این جایگاه انجام وظیفه کرد.



ام.او فید

ام.او فید در ۳۱ مارس سال ۱۹۲۶ میلادی در اونادو نیجریه به دنیا آمد، وی دوران تحصیلات خود را در کالج دولتی ایبادان دانشکده معادن، دانشگاه اکستر و کالج امپریال علوم و فناوری دانشگاه لندن گذراند. فید سال ۱۹۷۵ به عنوان دبیرکل اوپک انتخاب شد.



رنه جی.اورتیز

رنه جی.اورتیز از اکوادور متولد ۳۱ دسامبر ۱۹۴۱ میلادی کیتو، پایتخت اکوادور، مدرک فوق لیسانس خود را در سال ۱۹۷۱ میلادی از دانشگاه میامی در ایالت فلوریدا آمریکا گرفت. اورتیز از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ میلادی به مدت سه سال دبیرکل اوپک بوده است.



علی ام. جیده

علی ام.جیده از قطر متولد ۱۹۴۱ دوحه مدرک لیسانس اقتصاد و فوق لیسانس در رشته اقتصاد نفت را از دانشگاه لندن دریافت کرد. وی در سال ۱۹۷۷ میلادی به مدت یک سال سکان هدایت دبیرکلی سازمان کشورهای صادرکننده نفت را عهده دار بود.



مارک اس.نان نگوئما

مارک اس.نان نگوئما ۱۳ آوریل سال ۱۹۳۴ در لامبارن گابن به دنیا آمد. وی با مدرک دکترای دانشکده حقوق و اقتصاد دانشگاه پاریس، در سال ۱۹۸۱ میلادی به سمت دبیرکل اوپک منصوب شد و تا سال ۱۹۸۳ میلادی در این پست حضور داشت.



منان سعید عطیبه

منان سعید عطیبه متولد مه سال ۱۹۴۶ میلادی در ابوظبی، موفق به دریافت مدرک دکترای اقتصاد از دانشگاه قاهره شد. عطیبه سال ۱۹۸۳ میلادی به ریاست اوپک رسید، اما به دلیل بعضی از مشکلات، در شصت و هشتمین نشست عادی تا زمان تعیین وضع انتصاب دبیرکل، سرپرستی دبیرخانه را هم به عهده گرفت.



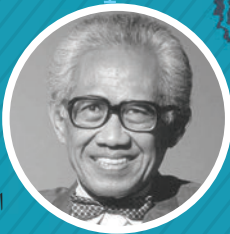
کمال حسن معقور

کمال حسن معقور متولد سال ۱۹۳۵ لیبی دوران تحصیلات عالی خود را در دانشگاه قاهره فرانسه گذراند. وی سال ۱۹۸۴ رئیس اوپک شد و در نبود دبیرکل، اعضای اوپک در شصت و نهمین نشست عادی این سازمان رئیس اوپک را تا انتخاب دبیرکل به سرپرستی این سمت منصوب کردند.



سوبراتو

سوبراتو ۱۹ سپتامبر ۱۹۲۸ در سوراکارا اندونزی به دنیا آمد. وی دکترای خود را سال ۱۹۵۸ از دانشگاه اندونزی گرفت. وی سال ۱۹۸۴ رئیس دوره ای اوپک شد و در هفتاد و یکمین نشست وزارتی از سوی اعضا به سمت سرپرستی دبیرخانه اوپک منصوب شد.



آرتورو هرئاندز گریسانتی

آرتورو هرئاندز گریسانتی متولد چهارم اوت ۱۹۲۸ میلادی در ریو کارائیب در ایالت سوکر ونزوئلا، مدرک دکترای حقوق و علوم سیاسی خود را از دانشگاه مرکزی ونزوئلا دریافت کرد. وی در نشست هفتاد و ششم وزیران نفت و انرژی این سازمان تا مشخص شدن سمت دبیرکل اوپک سرپرستی دبیرخانه را عهده دار شد.



لیبی
الجزایر
قطر
امارات
نیجریه
گابن

اکوادور

اندونزی

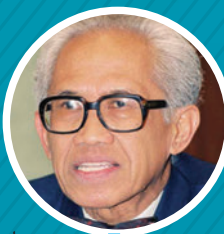
نیجریه - الحاجی ریلوانو لقمان

۱۹۳۸ میلادی است. وی از ژوئیه ۱۹۸۶ تا ژوئن ۱۹۸۸ به ریاست اوپک انتخاب شد.



سوبراتو

سوبراتو ۱۹ سپتامبر ۱۹۲۸ در سوراکارتا اندونزی به دنیا آمد. وی دکترای خود را سال ۱۹۵۸ از دانشگاه اندونزی گرفت. وی پس از گذشت پنج سال (۱۹۸۳-۱۹۸۸) و بلا تکلیفی سمت دبیر کل اوپک در سال ۱۹۸۸ به سمت دبیر کل اوپک منصوب شد. دوره دبیر کلی وی برای سه سال دیگر نیز تمدید شد، به طوری که وی تا سال ۱۹۹۴ در این پست انجام وظیفه می کرد.



لیبی - عبدالله سالم البدری

عبدالله سالم البدری از لیبی متولد ۲۵ مه ۱۹۴۰ میلادی در شهر قامینیس مدرک لیسانس حسابداری خود را از دانشگاه فلوریدای جنوبی آمریکا دریافت کرد. البدری در سال ۱۹۹۴ میلادی به سمت دبیر کل اوپک منصوب شد.



الحاجی ریلوانو لقمان

ریلوانو لقمان از نیجریه سال ۱۹۹۵ بار دیگر به اوپک بازگشت و از این سال تا ۲۰۰۰ به عنوان دبیر کل در این سازمان انجام وظیفه کرد.



آلوارو سیلوا کالدرون

آلوارو سیلوا کالدرون، متولد سال ۱۹۲۹ بود. وی مدرک دکترای حقوق و علوم سیاسی خود را در سال ۱۹۵۶ میلادی از دانشگاه مرکزی ونزوئلا دریافت کرد. کالدرون در سال ۲۰۰۲ میلادی به سمت دبیر کل سازمان کشورهای صادرکننده نفت منصوب شد.



علی رودریگز آرکوئه

علی رودریگز آرکوئه نهم سپتامبر ۱۹۷۳ میلادی در شهر اجیدو ایالت مریدا ونزوئلا چشم به جهان گشود، وی در دانشکده حقوق دانشگاه مرکزی ونزوئلا و دانشکده اقتصاد دانشگاه لوس آندس به تحصیل پرداخت. وی از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ در سمت دبیر کل خدمت می کرد.



اندونزی - پورنومو یوسجیانتورو

پورنومو یوسجیانتورو در ۱۶ ژوئن سال ۱۹۵۱ میلادی در سمارانگ اندونزی به دنیا آمد. وی دکترای رشته اقتصاد منابع را از دانشکده معادن کلرادو آمریکا دریافت کرد. وی در سال ۲۰۰۴ میلادی همزمان با سمت رئیس اوپک، دبیر کلی را نیز به عهده داشت.



کویت - شیخ احمد فهد الاحمد الصباح

شیخ احمد فهد الاحمد الصباح از کویت متولد ۱۲ اوت ۱۹۶۳ در لبنان به دنیا آمد. وی مدرک لیسانس علوم سیاسی خود را از دانشگاه کویت دریافت کرده است. وی در سال ۲۰۰۵ به سمت رئیس و دبیر کل اوپک انتخاب شد.



ادموند مادئوا به داکورا

دکتر ادموند مادئوا به داکورا متولد ۱۳ اکتبر ۱۹۴۳ در شهر نمبه ایالت بایلسا نیجریه لیسانس خود را در رشته زمین شناسی از امپریال کالج لندن دریافت کرد. داکورا در سال ۲۰۰۶ به سمت ریاست اوپک و دبیر کل سازمان کشورهای صادرکننده نفت رسید.



عبدالله سالم البدری

عبدالله سالم البدری، لیبیایی و متولد سال ۱۹۴۰ میلادی است. وی در سال ۱۹۹۶ بار دیگر به ریاست اوپک رسید. وی در سال ۱۹۹۸ رئیس اوپک شد و در سال ۲۰۰۰ به عضویت هیئت مدیره مؤسسه سرمایه گذاری نفتی لیبی (تام اویل) درآمد. البدری از سال ۲۰۰۷ تا سال ۲۰۱۶ در سمت دبیر کل اوپک انجام وظیفه کرد.



محمد سانوسی بارکیندو

محمد سانوسی بارکیندو سیاستمدار اهل نیجریه متولد سال ۱۹۴۴ میلادی است، وی در سال ۱۹۸۱ میلادی موفق به دریافت لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه احمدو بلو در شهر زاریا نیجریه شد، وی همچنین دارای مدرک فوق لیسانس اقتصاد نفت از دانشگاه آکسفورد انگلیس و دکترای افتخاری علوم از دانشگاه فناوری مادبیو آداما نیجریه است. وی در دوم ژوئن ۲۰۱۶ به عنوان بیست و سومین دبیر کل اوپک انتخاب شد. وی هم اکنون عهده دار این سمت است.





{ اوپک در مذاکرات تغییر اقلیم؛ از دیروز تا امروز }

■ احسان تقوی نژاد

رئیس اداره مطالعات انرژی وزارت نفت

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) خیلی زود صدای ضعیف گام‌های گذار جهان انرژی از دوران مولکول به دوران الکترون را در درون مایه مباحث مبهم و همراه با شک و تردید دهه ۷۰ درباره گرمایش جهانی و آثار آن بر اقلیم جهان شنید و اعضای خود و دیگر صادرکنندگان عمده نفت جهان را برای اقدام هماهنگ به منظور حفظ منافع خود در فرآیند مذاکرات اقلیم فراخواند. در جریان ۵۰ سال مذاکرات پیچیده تغییر اقلیم، اوپک و کشورهای عضو برای حفظ نفت در صحنه جهان انرژی با همه ظرفیت تلاش کردند و اکنون با تقویت عوامل تسریع کننده در گذار به انرژی سبز، راه دشوارتری پیش رو دارند.

سازمان ملل متحد در ژوئن ۱۹۹۲ «نشست زمین» را در ریودوژانیرو برزیل برگزار کرد که طی آن، سه پیمان زیست‌محیطی از جمله «(چارچوب) کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل متحد (UNFCCC)» امضا شد. امضای این کنوانسیون، حاصل گفت‌وگوهای بی‌وقفه و طولانی بود که به‌ویژه پس از نشست جهانی زیست‌محیطی استکهلم در سال ۱۹۷۲ پایه‌گذاری شد. به لحاظ تاریخی، موضوع اثر گلخانه‌ای و احتمال دخالت انسان در آن، نخستین بار در سال ۱۸۲۷ توسط ریاضیدان و فیزیکدان فرانسوی ژان باتیست ژوزف فوریه مطرح شد. حدود ۷۰ سال بعد، سوانته آرنوس دانشمند سوئدی در سال ۱۸۹۶ میلادی در مقاله‌ای با عنوان «ثر گلخانه‌ای گاز دی‌اکسید کربن بر گرمایش جهانی» آن را گسترش داد. ۹۱ سال بعد در دسامبر ۱۹۸۷ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای پی بردن به ابعاد علمی موضوع و رفع شبهات، در قطعنامه‌ای اولویت اصلی برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (UNEP) را «پژوهش در حوزه اقلیم» تعیین کرد و به دنبال آن، در سال ۱۹۸۸ میلادی این برنامه با مشارکت سازمان جهانی هواشناسی، هیئت بین‌الدولی تغییر اقلیمی (IPCC) را به منظور انجام

تحقیقات بین‌المللی علمی اقلیمی ایجاد کرد که امروز حتی جهت‌گیری گفت‌وگوها را تعیین می‌کند. هم‌زمان در سال ۱۹۸۸ میلادی، شورای عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۴۳/۵۳ تغییر اقلیم را «نگرانی مشترک بشر» خواند. در واقع، بیش از یک قرن و نیم زمان برد تا بافته‌های بشر به حدی برسد که وفاق نسبی جهانی را برای مقابله با این پدیده در قالب امضای «کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل متحد» به همراه داشته باشد.

از نظر راهبردی «کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل متحد» را نمی‌توان یک معاهده زیست‌محیطی صرف دانست، بلکه پیمانی با ابعادی چندگانه و چندوجهی است که اجرای آن اقتصاد، معیشت، سیاست و حکمرانی و نظام انرژی کشورها را متأثر می‌کند. از این رو، از همان ابتدا، کشورها بر اساس اولویت‌های ملی خود مواضع متفاوتی نسبت به آن داشتند. ایالات متحده آمریکا با اتخاذ هدف و تعیین برنامه‌های زمانی مشخص مخالف بود. بیشتر کشورهای توسعه‌یافته از جمله آلمان، فرانسه و ژاپن، به کنوانسیون به‌عنوان فرصتی برای به دست آوردن مزیت رقابتی در بلندمدت نگاه می‌کردند. کشورهای تولیدکننده عمده نفت مخالف درج هرگونه تعهد عمده در کنوانسیون بودند. کشورهای در حال توسعه صنعتی بزرگ نظیر هند و چین، نگران اعمال محدودیت بر توسعه اقتصادی خود و کشورهای در حال توسعه دارای جنگل‌های انبوه مانند برزیل و مالزی، تضمینی می‌خواستند که کشورهای توسعه‌یافته انتشار کربن خود را محدود کنند. دیگر کشورهای در حال توسعه از جمله ۴۲ کشور عضو اتحادیه کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه (SIDS) که مخاطره‌های اقلیمی، تهدیدی برای موجودیت آنهاست، خواستار کنوانسیونی با تعهدهای قوی و دارای قدرت اجرایی بودند.

در اوج مباحث بررسی پیش‌نویس کنوانسیون تغییر اقلیم و دو ماه پیش از برگزاری «نشست زمین»، اوپک نخستین نشست وزارتی مشترک خود را با کشورهای صادرکننده مستقل نفت جهان (OPEC) برای بحث و بررسی مسائل زیست‌محیطی در ۲۳ آوریل ۱۹۹۲ (سوم اردیبهشت ۱۳۷۱) در وین، مقر دائمی اوپک، برگزار کرد. اوپک به‌خوبی تهدید بالقوه معاهده‌های اقلیمی برای درآمدهای نفتی را درک کرده بود و رئیس کنفرانس اوپک در سخنان خود تأکید کرد «از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ میلادی نگرانی بین‌المللی محیط‌زیست به‌عنوان عنصری جدید در معادلات انرژی جهان وارد شده و ملت‌های تولیدکننده نفت را تحت فشار مضاعفی قرار داده است». در بیانیه پایانی این نشست، ضمن ابراز نگرانی از تأثیر سیاست‌های اقلیمی بر اقتصاد کشورهای نفتی، به لزوم اتخاذ رویکرد مشترک توسط تولیدکنندگان نفت اشاره شده و مواضع اوپک را برای حضور در «نشست زمین» مشخص کرده که همچنان پایه مواضع اعضای اوپک در مذاکرات جهانی اقلیم و توسعه پایدار است:

«لزوم انجام مطالعات دقیق برای کاهش تردیدهای علمی درباره دلیل و

آثار بالقوه تغییر اقلیم؛

«تأکید بر لزوم جامعیت، انعطاف‌پذیری و کلی بودن کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل متحد؛

«نگرانی از تأثیر سیاست‌های پیشنهادی اقلیمی بر اقتصاد جهانی و ارزیابی نکردن دقیق آنها؛

«لزوم اجتناب از تأثیر منفی اقدام‌های مالی یا هر اقدام جبرانی (Response Measure) برای مقابله با تغییر اقلیم بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای صادرکننده نفت؛

«تأکید بر افزایش آگاهی‌های عمومی درباره تغییر اقلیم و آثار آن؛

«آمادگی اوپک برای همکاری با کشورهای صنعتی و جامعه علمی برای تحقیق بیشتر درباره ماهیت، وسعت و زمان گرمایش جهانی؛

«لزوم کمک مالی و انتقال فناوری مناسب در زمینه محیط زیست به کشورهای در حال توسعه؛

«ایجاد سازوکاری برای انجام تلاش‌های هماهنگ در زمینه اهداف اقلیمی کشورهای تولیدکننده نفت.

سرانجام آنچه در میان افتراق نظر کشورها با عنوان «کنوانسیون تغییر اقلیم» در سال ۱۹۹۲ به امضای کشورهای عضو سازمان ملل متحد رسید، «کلیات» یا «چارچوب» تعیین حدود تعهدها، تکالیف، وظایف و حقوق کشورها برای تنظیم پیمان‌های اقلیمی بعدی از جمله پیمان کیوتو در سال ۱۹۹۷ میلادی و موافقت‌نامه تغییرات اقلیمی پاریس در سال ۲۰۱۵ بود. البته کنوانسیون تغییر اقلیم، فراتر از کلیات و چارچوب، حاوی اصول، تکالیف و تعهدها و مهم‌تر از همه، رژیم حقوقی تمایزگرا میان کشورهاست که به‌درستی نقش و تعهدهای کشورهای توسعه‌یافته را به‌عنوان مسئول اصلی افزایش غلظت جهانی گازهای گلخانه‌ای در جو زمین تعیین کرده است.

پس از گذشت نزدیک به سه دهه از امضای کنوانسیون تغییر اقلیم، هنوز وفاق جهانی در این باره کامل نشده و مذاکرات همچنان در قالب نشست‌های سالانه کنفرانس اعضای کنوانسیون تغییر اقلیم (COP) درباره یافته‌های جدید و الگوی اجرای تعهدهای «کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای» و ارتقای «سازگاری» با تغییر اقلیم ادامه دارد. دوره طولانی و حضور هزاران دیپلمات در مذاکرات، نشان از اهمیت و تأثیر پروانه‌ای تعهدهای تغییر اقلیمی بر همه شئون اقتصادی و اجتماعی کشورها دارد. در این میان، اوپک به‌عنوان عضو ناظر کنوانسیون، بخشی از تاریخ این مذاکرات پیچیده جهانی چندجانبه بوده است.

دبیرخانه اوپک که اکنون

تحقیقاتی و فکری اعضای این

سازمان است، در مراحل مختلف اجرای کنوانسیون و نیز تصویب اهداف توسعه پایدار (SDG)، (مصوب سال ۲۰۱۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) حضور داشته و با ارائه مشاوره به مذاکره‌کنندگان کشورهای عضو اوپک، تهیه گزارش‌های تحلیلی، الگوسازی آثار اجرای سیاست‌های اقلیمی و توسعه پایدار بر آینده نفت و برگزاری کارگاه‌های تخصصی بخشی از فعالیت‌های اوپک برای تأثیرگذاری بر روند مباحث تغییر اقلیمی جهان بوده است. ایجاد «واحد مسائل محیط زیست» در ساختار دبیرخانه اوپک در سال ۲۰۰۷، کمک کرد که دبیرخانه به‌صورت نظام‌مند با اعضا همکاری داشته باشد و نشست‌های هماهنگی میان اعضای اوپک را پیش از نشست سالانه جهانی تغییرات اقلیمی برگزار کند و سرانجام، مواضع پیشنهادی مشترک را برای تصویب در نشست‌های وزارتی اوپک ارائه دهد. در یک تحلیل کلی از روند آینده مباحث تغییر اقلیمی و نقش اوپک باید گفت رویکرد سیاست‌های تغییر اقلیمی در سند مشارکت معین ملی (NDC) کشورها در چارچوب موافقت‌نامه پاریس، ارتقای کارایی انرژی و تغییر نظام انرژی از سوخت‌های پرکربن به کم‌کربن و سرانجام بدون کربن است. روند توسعه فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر و کاهش هزینه‌های تولید آنها که در سال‌های اخیر شدت گرفته است، به پیشبرد این رویکرد کمک می‌کند. طبق برآورد سناریو جایگزین الگوی جهانی انرژی اوپک (۲۰۱۷) دستیابی به اهداف NDCs کشورها، تقاضای جهانی نفت را تا سال ۲۰۴۰، بیش از ۱۱ میلیون بشکه در روز نسبت به سناریو پایه کاهش می‌دهد. اتخاذ اهداف جاه‌طلبانه‌تر و افراطی می‌تواند روند کاهش تقاضای سوخت‌های فسیلی و افزایش سهم تجدیدپذیرها را در ترکیب انرژی جهان تشدید کند. این تبعات، فارغ از آثار منفی سیاست‌های احتمالی ضد تولید و تجارت محصولات پرکربن است که آینده بازار نفت و فرآورده‌های نفتی و در نتیجه درآمدهای نفتی و اقتصاد کشورهای عضو اوپک را به مخاطره می‌اندازد.

در چنین محیط مخاطره‌آمیزی، موضع اوپک در مذاکرات جهانی اقلیم و توسعه پایدار، اتخاذ رویکرد متعادل و پرهیز از افراطی‌گری اقلیمی در حذف زودهنگام نفت از نظام انرژی جهان است و اینکه نفت به کمک توسعه فناوری‌هایی نظیر جذب و ذخیره‌سازی کربن (CCS) بخشی از راهبرد تأمین انرژی پایدار جهان باشد.





{ روزگار بنیانگذاران اوپک }

■ حشمت‌الله رضوی

کارشناس و تحلیلگر نفتی

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) ۶۰ ساله شد. زمان کمی نیست، اما چرا اوپک ایجاد شد و دستاوردهای آن برای پنج کشور بنیانگذار چیست؟ درباره چرایی تشکیل اوپک دیدگاه‌ها کم و بیش یکسان هستند. کاهش قیمت نفت توسط شرکت‌های نفتی چندملیتی یا همان هفت خواهران و واکنش پنج کشور صادرکننده نفت برای به دست گرفتن کنترل تولید و قیمت‌گذاری نفت بارزترین دلیل تأسیس اوپک بود.

یک سال پیش از تأسیس اوپک، در سال ۱۹۵۹ میلادی، شرکت‌های نفتی چندملیتی قیمت‌های نفت را کاهش دادند و به این ترتیب درآمد کشورهای که با عواید فروش نفت روزگار می‌گذرانند، کاهش یافت.

کاهش قیمت‌های نفت در اوت سال ۱۹۶۰ میلادی نیز تکرار شد و عزم کشورهای صادرکننده نفت را برای همکاری و ایجاد سازمانی با هدف کسب درآمد‌های عادلانه از فروش نفت جزم کرد. یک ماه پس از این کاهش، در سپتامبر سال ۱۹۶۰، اوپک ازسوی پنج کشور ایران، عراق، کویت، عربستان و ونزوئلا در نشست بغداد تأسیس شد. به این ترتیب دلیل اصلی تشکیل اوپک یک موضوع تنها فنی بود: «کنترل تولید و قیمت‌گذاری نفت.»

دو شخصیت در تأسیس اوپک نقش برجسته داشتند: آلفونسو پرز از ونزوئلا و عبدالله طریقی از عربستان.

اما تأسیس اوپک همچنین نتیجه تلاش کشورهای در حال توسعه برای اعمال حق حاکمیت بر منابع طبیعی بود.

اوپک ۱۵ سال پس از پایان جنگ جهانی دوم بنیان گذاشته شد. اگر به این سال‌ها برگردیم و روند تحولات بین‌المللی را بررسی کنیم درمی‌یابیم که شمار قابل توجه‌ای از کشورهای پیش‌تر مستعمره، در این فاصله به استقلال سیاسی دست یافتند و تعداد اعضای سازمان ملل متحد به‌طور روزافزونی افزایش یافت. تنها در دهه ۵۰ میلادی بیش از ۴۰ کشور که عمدتاً کشورهای تازه‌استقلال‌یافته آسیا و آفریقا بودند، به عضویت سازمان ملل متحد درآمدند و بلوک قدرتمندی در سازمان ملل متحد به نام کشورهای در حال توسعه شکل گرفت.

این کشورها دریافتند که اگرچه به استقلال سیاسی دست یافتند، اما سلطه اقتصادی کشورهای پیش‌تر استعماری به قوت خود باقی است.

به این ترتیب اقدام‌هایی در سازمان ملل متحد برای اعمال حق حاکمیت بر منابع طبیعی آغاز شد. نتیجه این تلاش‌ها اینکه مجمع عمومی در دسامبر سال ۱۹۵۸ «کمسیون سازمان ملل متحد درباره حق حاکمیت دائم بر منابع طبیعی» را ایجاد کرد.

اوپک تقریباً دو سال پس از تشکیل این کمسیون به‌وجود آمد. تشکیل این کمسیون در واقع تبلور خواست حاکمیت بر منابع طبیعی توسط کشورهای در حال توسعه بود. ازجمله اقدام‌های کمسیون این بود که ملی کردن منابع طبیعی را به رسمیت شناخت؛ روندی که پیش از این در کشورهای در حال توسعه در جریان بود. پیش از این، ایران در سال ۱۹۵۱ میلادی صنعت نفت را ملی کرده بود و پنج سال بعد هم مصر در سال ۱۹۵۶

میلادی کانال سوئز را ملی اعلام کرد.

تأسیس اوپک به عبارتی اقدام دسته‌جمعی کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت برای اعمال حق حاکمیت بر منابع طبیعی و کوتاه کردن دست قدرت‌های استعماری بود. به این ترتیب دو عامل کاهش قیمت‌های نفت توسط شرکت‌های نفتی چندملیتی و افزایش شمار کشورهای در حال توسعه در سازمان ملل متحد و تصمیم مجمع عمومی برای حمایت از استقلال اقتصادی این کشورها از دلایل اصلی تأسیس اوپک بودند. اما هم‌زمان با این تحولات، رویداد اقتصادی دیگری در سال ۱۹۵۷ میلادی رخ داد که می‌تواند بر ایده تشکیل اوپک تأثیر داشته باشد. این رویداد اقتصادی اتفاقی نبود جز ایجاد جامعه اقتصادی اروپا (اتحادیه اروپای امروزی) که در سال ۱۹۵۷ میلادی و سه سال پیش از تأسیس اوپک با عضویت ۶ کشور اروپایی آلمان، فرانسه، ایتالیا، هلند، بلژیک و لوکزامبورگ بر مبنای پیمان رم تأسیس شد و مانند اوپک از آغاز یک هدف فنی را تعقیب می‌کرد: کاهش تعرفه میان اعضا.

اما این دو نهاد اقتصادی در گذر زمان راه‌های متفاوتی رفتند و نگاه این مقاله به تحولات شصت‌ساله اوپک از زاویه مقایسه دستاوردهای این دو نهاد اقتصادی است، نظریه‌پردازان تأسیس جامعه اقتصادی اروپا (اتحادیه اروپای امروزی) بر این باور بودند که همین هدف فنی یعنی کاهش تعرفه میان کشورهای عضو را می‌توان تبدیل به نردبانی برای نیل به رفاه و صلح در اروپا کرد.

این نظریه‌پردازان، به‌ویژه ژان مونه فرانسوی، بر این باور بودند که با پیوند زدن اقتصاد آلمان و فرانسه و تسری مزایای ناشی از همکاری‌های اقتصادی می‌توانند ریشه جنگ را در

اروپا بخشکانند و از بروز جنگ‌های خانمان‌سوز مانند آنچه در دو جنگ جهانی اول و دوم در این قاره روی داد، جلوگیری کنند.

از نگاه این تئورسین‌ها که نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل را سرلوحه تلاش‌های خود قرار داده بودند، گسترش همکاری‌های اقتصادی در اروپا می‌توانست در بلندمدت به دیگر عرصه‌ها از جمله سیاسی، اجتماعی، پارلمانی، قضایی، پولی و مالی و حتی نظامی تسری یابد و بهبود زندگی و استقرار صلح را در اروپا به ارمغان آورد.

بر این اساس روند همگرایی در اروپا کلید خورد. به مرور تعداد اعضا از ۶ کشور بنیانگذار به ۲۷ کشور افزایش یافت و در روند همکاری‌های اقتصادی، به‌تدریج گردش آزاد کالا، سرمایه، خدمات و نیروی انسانی در کشورهای عضو تحقق یافت.

مرزها تقریباً برداشته شد، رفت‌وآمد شهروندان کشورهای عضو در درون مرزهای اتحادیه تسهیل شد و یک واحد پولی مشترک به نام یورو رواج یافت. پارلمان اروپا و دادگاه اروپایی ایجاد شدند و در روند همگرایی، «اتحادیه اروپا» که دیگر تنها یک نهاد اقتصادی نبود، جای جامعه اقتصادی اروپا را گرفت.

همکاری‌ها از عرصه اقتصادی به همکاری‌ها در عرصه سیاسی و حتی نظامی گسترش یافت. خانم فدریکا موگرینی را در مذاکرات هسته‌ای به یاد دارید؟ وی نماینده سیاست خارجی اتحادیه اروپا بود. در خیابان فردوسی تابلوی صراف‌ها را دیده‌اید؟ یورو جای مارک آلمان و فرانک فرانسه را گرفته است. واژه شنغن را شنیده‌اید؟ برای سفر به کشورهای گوناگون اروپایی با ویزای واحد.

به این ترتیب اتحادیه اروپا با نردبان قرار دادن یک هدف فنی با همان کاهش تعرفه راه طولانی نیل به صلح و رفاه را قدم به قدم پیمود و این عمدتاً مدیون اندیشه‌های نظریه‌پردازان تئوری همگرایی در روابط بین‌الملل بود.

اکنون کمتر کسی تصور می‌کند که آلمان و فرانسه مزایای اقتصادی و رفاه ناشی از این همکاری‌ها را نادیده خواهند گرفت و برای تأمین منافع ملی یک بار دیگر با یکدیگر وارد جنگ خواهند شد.

بنیانگذاران اوپک

اما تاریخ روابط پنج عضو بنیانگذار اوپک برخلاف روند ۶۲ ساله اتحادیه اروپا عمدتاً بر پایه کشمکش استوار بوده و جنگ در اشکال گوناگون، یکی از ویژگی‌های بارز روابط کشورهای بنیانگذار اوپک است.

در ۲۰ سال نخست تأسیس اوپک، در دوران فرمانروایی خاندان پهلوی در ایران، رابطه



ایران و عراق سرشار از سوءظن و رقابت بود، خواه به‌دلیل حاکمیت نظام دوقطبی در جهان و سرریز آن رقابت‌ها به روابط منطقه‌ای یا خواه به دلیل ادعاهای ارضی عراق. پیمان الجزایر در سال ۱۹۷۵ اگرچه به اختلاف‌های ارضی ایران و عراق پایان داد، اما پنج سال بعد، هم‌زمان با بیستمین سالروز تأسیس اوپک و یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تجاوز عراق به ایران آغاز شد و جنگی هشت ساله درگرفت به قیمت از دست رفتن جان صدها هزار نفر، ویرانی تأسیسات نفت و دیگر زیرساخت‌ها و بر باد رفتن درآمدهای نفتی دو کشور. یکی از تبعات جنگ دودستگی در اوپک و تسری رقابت‌ها به درون این سازمان بود.

دو عضو دیگر بنیانگذار اوپک یعنی عربستان و کویت نیز در این کشمکش درگیر بودند و در طول جنگ حداقل از عراق حمایت مالی کردند و بخش زیادی از ثروت نفت چهار کشور بنیانگذار اوپک هیزمی بود که در این درگیری‌ها سوخت. سه سال پس از پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق، بنیانگذاران اوپک شاهد جنگی دیگر بودند. اوایل دهه ۹۰ میلادی بود که عراق به کویت حمله کرد. جنگ پرهزینه دیگری رقم خورد که طی آن سه کشور بنیانگذار اوپک، یعنی عراق، کویت و عربستان متحمل هزینه‌های سنگینی شدند و طی آن چاه‌های نفت کویت به آتش کشیده شد. تقریباً یک دهه بعد، جنگ دیگری درگرفت. این بار آمریکا با حمایت دو عضو بنیانگذار اوپک یعنی عربستان و کویت و با بهانه قرار دادن دارا بودن سلاح‌های کشتار دسته‌جمعی، به عراق حمله کرد و تحریم و ناامنی و بی‌ثباتی ثروت نفت عراق را تبدیل به نقمتی برای مردم این دیار کرد.

حالا عراق به‌تدریج از خاکستر جنگ و تحریم قد راست می‌کند تا بی‌اعتنا به اوپک تولید نفت را افزایش دهد و دوباره آینده‌ای بر پایه ثروت نفت بسازد.

رابطه ایران و عربستان نیز در دوران پیش از انقلاب اسلامی در ایران، به همان اندازه بر پایه رقابت استوار بود، اما پس از انقلاب اسلامی در ایران، رقابت‌های ایدئولوژیک به آن افزوده شد.

اکنون بیش از یک دهه است که ایران و عربستان در جنگ‌های نیابتی در منطقه درگیرند، از عراق گرفته تا سوریه و لبنان و یمن و هزینه‌های آن برای اقتصاد دو بنیانگذار اوپک.

از آنجا که ایران عمدتاً حریف قدرتمندتری است، عربستان و کم و بیش دو عضو بنیانگذار دیگر اوپک، عراق و کویت، برای ایجاد موازنه قوا به قدرتهای خارجی، به‌ویژه آمریکا روی آورده‌اند.

مداخلات آمریکا زمینه‌ساز مشکل دیگری برای صدور نفت دو بنیانگذار دیگر اوپک

شده است. در واقع سه عضو بنیانگذار اوپک، با این استدلال که خود را به تأمین نفت مورد نیاز مصرف‌کنندگان متعهد می‌دانند، برای موفقیت سیاست‌های آمریکا برای تحریم و خروج نفت ایران از بازار با واشینگتن همکاری می‌کنند. نتیجه ضمنی این تحریم‌ها افزایش نسبی قیمت نفت و مقرون‌به‌صرفه شدن تولید نفت در آمریکا بوده است. همین بهبود قیمت‌ها و امکان افزایش تولید در آمریکا، به آن کشور اجازه داد تا نفت تنها عضو بنیانگذار اوپک در حیاط خلوت آمریکا، ونزوئلا را نیز به‌طور کامل تحریم کند.

اما تا آنجا که به ایران مربوط است، نداشتن راهبرد نفتی سنجیده و بلندمدت روی دیگر سکه موفقیت آمریکا در خروج نفت ایران از بازار بوده است.

شماری از دولت‌هایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بر سرکار آمده‌اند عمدتاً از قیمت‌های بالای نفت دفاع کرده‌اند، زیرا قیمت‌های بالای نفت راحت‌ترین و سهل‌الوصول‌ترین منبع تأمین بودجه بوده است و آنان را از مشارکت دادن جامعه در ساخت یک بنای استوار اقتصادی در کشور بی‌نیاز کرده است.

طرفداران قیمت‌های بالای نفت در ایران در مواردی از قیمت‌های نفت ۲۵۰ دلاری و حتی ۴۰۰ دلاری سخن رانده‌اند، بدون اینکه دریابند آمریکا برای نیل به امنیت انرژی از سیاست افزایش قیمت نفت استقبال می‌کند.

در یک تحقیق جامع شاید بتوان به این نتیجه رسید که سیاست دفاع از قیمت‌های بالای نفت در ایران در بلندمدت به سهم خود به رونق تولید در کشورهای غیر اوپک و تسهیل تحریم نفت کمک کرده است.

دفاع از قیمت‌های بالای نفت بود که تولید نفت در آمریکا را مقرون‌به‌صرفه کرد و به این کشور اجازه داد طی هشت سال، تولید نفت خود را ۶ میلیون بشکه در روز افزایش دهد و با اطمینان خاطر و هماهنگی با سه بنیانگذار اوپک به‌طور هم‌زمان، نفت ایران و ونزوئلا، دو مؤسس دیگر اوپک را از بازار خارج کند.

اما آنچه پس از ۶۰ سال همچنان موجودیت اوپک را برجسته می‌کند فقر نظری برای تبدیل ثروت نفت به ابزاری است برای پرهیز از جنگ و نیل به رفاه شهروندان کشورهای عضو.

اوپک پس از ۶۰ سال هنوز هم همان هدف فنی نخستین را دنبال می‌کند: «تولید نفت، سهمیه و قیمت».

آیا در میان کشورهای بنیانگذار اوپک نظریه‌پردازی پیدا می‌شود که «رؤیایی در سر داشته باشد» و با طرح یک ایده خلاقانه زمینه را برای کاستن از کشمکش‌ها و استفاده بهینه از ثروت نفت فراهم کند؟



ایران همواره دیپلماسی فعالی در اوپک داشته است

■ نگار صادقی

۶۰ سال از زمان تأسیس اوپک می‌گذرد. در نیم قرن اخیر وحدت اعضای اوپک کمرنگ‌تر از هر زمان دیگری شده و به اعتقاد محمدحسین عادل، دبیرکل پیشین مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF)، اکنون «سیاست» در رفتار برخی از اعضا به‌خوبی مشاهده می‌شود و آنها به جای حمایت از اعضای که به دلیل تحریم‌ها به زور از بازار خارج شده‌اند با کمال میل و گاهی استقبال می‌خواهند آن را جبران کنند و هیچ تمایلی برای همدردی با اعضای تحریم‌شده وجود ندارد، اما با همه این مسائل آیا باز هم ایران از اعضای تأثیرگذار اوپک است؟ عادل معتقد است اگرچه سطح تولید و سهم بازار در عمل اساسی‌ترین عامل تقویت موقعیت اعضای اوپک است، اما دیپلماسی و نقش کشور عضو محدود به سطح مربوطه نیست، بلکه به قدرت آن کشور، تاریخ و ظرفیت آن از نظر منطقه‌ای و جهانی نیز برمی‌گردد. ایران برای داشتن چنین نقشی به اندازه کافی قدرتمند است و در جلب توجه برخی اعضای اوپک در دستیابی به اتفاق نظر و دفاع از قیمت نفت در مقابل مسائل دیگری که سهم بازار را تحت فشار قرار می‌داد موفق بوده است. گفت‌وگو با محمدحسین عادل، دبیرکل پیشین مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF) را در ادامه می‌خوانید.



ایران همواره دیپلماسی فعالی در اوپک داشته است



«در شصتمین سالروز تأسیس اوپک هستیم.

از زمان پیدایش اوپک، این سازمان فراز و

نشیب‌های بسیاری را تجربه کرده است. به

نظر شما کدام دوره‌ها نقطه عطفی برای

سازمان بوده‌اند و آیا اوپک توانسته است به

اهداف برنامه‌ریزی‌شده خود برسد؟

بگذارید ابتدا از این فرصت استفاده کنم و شصتمین سالروز تأسیس این سازمان را به اعضای اوپک، به‌ویژه بنیانگذاران این نهاد بین‌المللی، تبریک بگویم که واقعاً در اقتصاد جهانی و در صحنه‌های انرژی مؤثر بوده است. بعضی از اقدام‌های اوپک در دهه ۷۰ ممکن است برجسته‌تر باشند. به‌طور مسلم تحریم نفتی سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ یکی از این موارد است که سبب افزایش قیمت‌ها و بی‌ثباتی بازار نفت شد، همچنین در سال ۱۹۷۹ میلادی در پی خروج نفت ایران از بازار به دنبال تحولات پیروزی انقلاب اسلامی، بازار با کمبود ناگهانی نفت روبه‌رو شد که به افزایش قیمت نفت انجامید. در دهه ۸۰ میلادی قیمت نفت پایین آمد و کمی تثبیت شد، اما در اواخر دهه ۸۰ میلادی قیمت نفت به‌طور شدیدی کاهش یافت و این موضوع مشکلات اقتصادی را برای کشورهای تولیدکننده نفت ایجاد کرد. در دهه ۹۰ میلادی قیمت‌های پایین نفت به ثبات رسید، اما دوباره در سال ۱۹۹۸ میلادی دچار بحران مالی شدیم که بر بازار نفت نیز تأثیر منفی گذاشت. در سال ۲۰۰۰ میلادی قیمت نفت به‌تدریج در حال افزایش بود و در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ به اوج خود رسید و سپس تا سال میلادی ۲۰۱۴ تثبیت شد و دوباره سقوط کرد و در محدوده طبیعی تثبیت شد، بنابراین اگر به‌نوعی بتوان رویدادهای اوپک را بخش‌بندی کرد، می‌توان گفت در دهه ۷۰ آنها نوعی عزم راسخ داشتند تا حاکمیت خود را بر نفت کنترل کنند و به بعضی از تحولات چشمگیر در بازار نفت منجر شد. در دهه‌های ۸۰ و ۹۰، البته بازار نفت به‌طور کامل رو به کاهش بود، زیرا کشورهای مصرف‌کننده به‌طوری فعال در بازار ایفای نقش می‌کردند، سپس در سال ۲۰۰۰ میلادی قیمت‌ها دوباره افزایش یافت، اما از سال ۲۰۱۴ بازار نفت دائم با نوسان‌های زیادی روبه‌رو بوده است. عوامل ایجاد این چالش‌ها عبارت‌اند از مازاد عرضه بازار، آگاهی زیست‌محیطی جهانی، افزایش گاز، انرژی‌های تجدیدپذیر، تنش بین بعضی از کشورها در خاورمیانه و افزایش رقابت میان همه کشورهای تولیدکننده انرژی مانند ایالات متحده آمریکا، روسیه و دیگر کشورهای عضو و غیرعضو اوپک، بنابراین عوامل زیادی وجود دارد که بازار نفت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن را تا حد ممکن بی‌ثبات می‌کند.

«اعضای سازمان تا چه اندازه در همگرایی دیدگاه‌ها و دستیابی به اهدافشان موفق بوده‌اند؟ آنها تا چه اندازه توانسته‌اند استقلال تصمیم‌های خود را در اوپک تأمین کنند؟»

در واقع، در دهه نخست تأسیس اوپک، سطح همکاری اعضا بالاتر بود و بیشتر آنها تا حدی به اهداف عالی سازمان که ارتقای سطح رفاه مردم خود و سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی کشورشان بود، پایبند بودند، اما در حقیقت می‌توان گفت که بعد از دهه ۷۰ و دهه‌های ۸۰ و ۹۰ برخی اعضای اوپک با یکدیگر همکاری نمی‌کردند و نوعی مداخله یا نفوذ از طرف کشورهای مصرف‌کننده وجود داشت و برخی اعضای اوپک تصمیم‌های خود را کاملاً با کشورهای مصرف‌کننده هماهنگ می‌کردند. در این دوره بود که دو گروه در اوپک ظهور کردند. یکی از این گروه‌ها از کشورهایی تشکیل شده بود که مشتاق افزایش درآمد خود از طریق صادرات نفت به نفع مردم و اقتصاد خود بودند و گروه دوم از کشورهای حاشیه خلیج فارس بودند. به همین دلیل اوپک در رسیدن به اهداف خود چندان مؤثر و موفق نبود. در نتیجه تسلط گروه دوم در عربستان سعودی و بقیه کشورهای حاشیه خلیج فارس بودند. گروه نخست شامل ایران، الجزایر، ونزوئلا، لیبی، نیجریه و عراق می‌شد، در حالی که پیروان گروه دوم عربستان سعودی و بقیه کشورهای حاشیه خلیج فارس بودند. به همین دلیل اوپک در رسیدن به اهداف خود چندان مؤثر و موفق نبود. در نتیجه تسلط گروه دوم در اوپک، قیمت‌های نفت در واقع کاهش یافت و نتوانست با تورم قیمت صادرات کشورهای مصرف‌کننده که واردکننده نفت بودند، مطابقت داشته باشد. هم‌اکنون، تعریف «استقلال» اوپک بسیار دشوار است. ممکن است گفته شود که شرایط اقتصاد دنیا و انرژی جهان چنان پیچیده شده است که هیچ بازیگری در واقع نمی‌تواند به تنهایی تصمیم بگیرد که کل بازار را تغییر دهد، بنابراین، به نوعی توافق یا همکاری میان بازیگران و فعالان عرصه بازارهای جهانی الزامی است. روش‌های نو و راه‌هایی برای حفظ استقلال یا دستیابی به اهداف وجود دارد. به همین دلیل است که می‌بینیم کشورهای عضو و غیرعضو اوپک دور هم جمع شده‌اند و تصمیم‌هایی را با هم می‌گیرند تا به‌واقع به ثبات بازار نفت کمک کنند.

«همبستگی میان اعضای اوپک در حمایت از یکدیگر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ برای نمونه، اعضای اوپک تا چه اندازه از ایران و ونزوئلا که توسط ایالات متحده آمریکا تحریم شده‌اند، حمایت کردند؟ و آیا از اساس حمایت از اعضا در بازار نفت در شرایطی که همه کشورها برای گرفتن سهمیه بالاتر می‌جنگند، معنا دارد؟»

همان‌طور که گفتیم در دوره اولیه تأسیس سازمان، اتحاد و همکاری میان کشورهای عضو بیشتر بود، اما در چند دهه گذشته با آثار خارجی کشورهای مصرف‌کننده و رقیبان اوپک، می‌بینیم که چنین وحدتی رو به زوال است. نه‌تنها رقابت وجود دارد، بلکه همچنین اکنون می‌توان دید که سیاست به‌خوبی در موقعیت برخی اعضا ریشه دوانده است، بنابراین می‌بینیم که وقتی تولید برخی اعضا مانند ایران و ونزوئلا به زور از بازار بیرون رانده می‌شود، دیگر اعضا به آسانی و گاهی اوقات با کمال میل می‌خواهند آن را جبران و به سهمیه‌های موقت خود اضافه کنند. هیچ تمایلی برای همدردی با اعضای تحریم‌شده و فشارهای ناعادلانه بر اعضای مشترک اوپک وجود ندارد، بنابراین ممکن است گفته شود که وحدت بسیار ضعیفی وجود دارد و هیچ عضوی در زمان چنین چالش‌هایی نمی‌تواند به حمایت دیگر اعضا تکیه کند، اما یک موضوع اکنون به نوعی قانون تبدیل شده است و آن این است که وقتی کشورهای تحریم‌شده دوباره به بازار بازگردند، افرادی که پیش‌تر سهمشان را تصاحب کرده بودند باید سهم آنها را پس دهند. این نوعی همکاری است که انتظار می‌رود همچنان در میان اعضا وجود داشته باشد.

«آقای زنگنه به‌عنوان یکی از وزیران نفت باتجربه اوپک، همیشه معتقد بوده است که سهم نفت اعضای اوپک که به هر دلیلی از بازار خارج شده‌اند، باید در میان دیگر اعضای اوپک و نه در میان غیروپکی‌ها تقسیم شود تا زمانی که آنها دوباره به بازار باز می‌گردند بتوانند سهم خود را مطالبه کنند. تا چه حد معتقدید که در شرایط کنونی چنین ایده‌ای عملی و قابل اجراست؟»

همان‌طور که اشاره کردم، این یکی از زمینه‌هایی است که اعضای اوپک ممکن است با یکدیگر همکاری کنند. تاریخچه اوپک نشان می‌دهد اعضای اوپک که سهم اعضای تحریم‌شده یا آسیب‌دیده را هنگام خارج شدنشان از بازار تصاحب کرده‌اند، هنگام عادی شدن شرایطشان، این سهم را بازگردانده‌اند. فکر می‌کنم دیدگاه آقای زنگنه به‌طور کامل عملی است و کمترین انتظاری است که یک عضو یا یک عضو مؤسس می‌تواند از بقیه داشته باشد. به نظر من اعضا برای ایجاد این گزینه باید با هم کار کنند و این راه‌حل عملی است. همه اعضای اوپک که از سهم بازار از دست رفته عضو خارج شده از بازار، بهره‌مند شده‌اند، باید همکاری کنند و به عضو آسیب‌دیده کمک کنند تا در اسرع وقت به شرایط عادی برگردد. به نظر من این موضع بسیار معقولی است که آقای زنگنه اتخاذ کرده است و معتقدم ایران و دیگر اعضای اوپک باید بر چنین موضعی تأکید کنند و آن را به قاعده‌ای پذیرفته‌شده در میان کشورهای عضو اوپک تبدیل کنند.

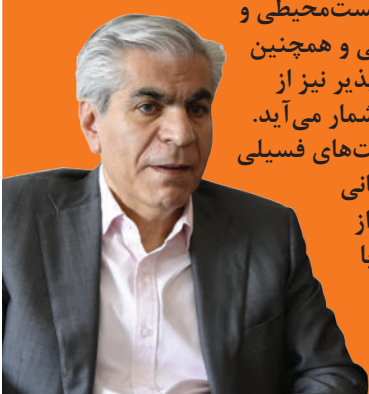
«اکنون که ایران در ۱۰ سال گذشته دو بار سهم خود را در بازار از دست داده و هم‌اکنون با تحریم‌های ایالات متحده آمریکا روبه‌روست، آیا هنوز هم می‌توان آن را به‌عنوان عضوی با نفوذ در اوپک برشمرد؟ این پرسش را با اشاره به گفته‌های چندباره آقای زنگنه که معتقدند موقعیت قدرت کشورها براساس توانایی تولید آنهاست»



▼ باتوجه به بیماری همه‌گیر و ویروس کرونا و اینکه زمان بهبود تقاضای جهانی نفت مشخص نیست، تهدیدکننده‌ترین چالش‌های اوپک و متحدان آن چیست؟

به نظر من مهم‌ترین چالشی که اعضای اوپک اکنون با آن روبه‌رو هستند نبود هماهنگی و اتحاد کافی میان آنهاست، به نظر می‌رسد اعضای اوپک باید مراقب باشند تا از سیاست‌های مخرب و مقابله‌ای که دولت ترامپ به خاورمیانه وارد می‌کند، جلوگیری کنند و اجازه ندهند این سیاست‌ها به اوپک سرایت کند. می‌توان چالش‌های بسیاری را در این زمینه مشاهده کرد، بنابراین نخست همه اعضای اوپک باید دور هم جمع شوند و دریابند که آنها مسئولیت مشترکی دارند و باید هدف مشترکی را برآورده کنند. آنها در قبال مردم خود مسئول هستند و اگر می‌خواهند شرایطشان بهبود یابد و از نظر اقتصادی پیشرفت کنند، باید به جای ایجاد چالش شدید برای یکدیگر که به نفع دشمنان است، دور هم جمع شوند. این شماره یک است. شماره دو این است که بازار نفت با چالش دیگری از خارج اوپک و دیگر نقاط جهان روبه‌روست. ایالات متحده آمریکا تولید نفت و گاز خود را افزایش داده و از این دو ابزار برای پیشبرد سیاست‌های خارجی ماجراجویانه خود استفاده کرده که بسیار تهاجمی، زورگیرانه و یک‌جانبه است. چالش دیگری که نفت با آن روبه‌روست اینکه نفت یک سوخت فسیلی است و آینده متعلق به انرژی‌های کم‌کربن خواهد بود،

بنابراین مسائل زیست‌محیطی و تغییرات آب‌وهوایی و همچنین انرژی‌های تجدیدپذیر نیز از دیگر چالش‌ها به شمار می‌آید. کاهش سهم سوخت‌های فسیلی در سبد انرژی جهانی یک واقعیت است از این رو اوپک باید با این چالش روبه‌رو و به‌تدریج با آن سازگار شود.



است و این مسئله سبب ایجاد فضایی مقابله‌ای شده و بر ثبات بازار نفت و همچنین ثبات اقتصاد کشورهای تولیدکننده نفت تأثیر منفی گذاشته است. می‌بینیم که برای بیشتر کشورهای تولیدکننده نفت پس از سال ۲۰۱۴ میلادی چه اتفاقی رخ داده است. اعتقاد عمومی بر این است که در نتیجه فشارهای اعمال شده توسط ایالات متحده، عربستان سعودی با عجله سطح تولید خود را افزایش داد و نفت را به‌طوری سیل آسا با قیمت‌های پایین‌تر به بازار عرضه کرد. این مسئله سبب سقوط قیمت نفت شد و بر اقتصاد همه کشورهای تولیدکننده نفت اثر گذاشت. نکته متناقض آن این بود که عربستان خود دچار کسری بودجه زیادی شد. معتقدم که هنوز هم بیشتر کشورهای حاشیه خلیج فارس از کسری بودجه‌ای که از کاهش قیمت نفت پس از سال ۲۰۱۴ میلادی آغاز شده رنج می‌برند، بنابراین می‌توان چنین هماهنگ‌سازی یا تناسبی را منطقی ارزیابی کرد.



اعضایی از اوپک که سهم اعضای تحریم‌شده یا آسیب‌دیده را هنگام خارج شدنشان از بازار تصاحب کرده‌اند، هنگام عادی شدن شرایطشان، این سهم را بازگردانده‌اند

و نه براساس

ذخایرشان، می‌پرسم.

شایان ذکر است که ایران

بالاترین ذخایر مجموع نفت و گاز را در

جهان دارد، اما تولیدش نسبت به ظرفیت

موجود کم است و همچنین محدودیت

شدیدی در صادرات نفت دارد.

به نظر من منطقی است که بگوییم تأثیرگذاری اعضا با سطح تولید و سهم بازار آنها ارتباط مستقیم دارد. هرچه عضوی از تولید و سهم بیشتری برخوردار باشد، انعطاف‌پذیری و قدرت مانور بیشتری در جهت‌دهی و تأثیرگذاری بر بازار نفت خواهد داشت، اما در این میان حدس می‌زنم که دیپلماسی نفتی یا ظرفیت برای ایفای نقش چیزی فراتر از سطح تولید است و برخی کشورها مانند ایران به‌طور سنتی چنین ظرفیتی را در اوپک تجربه کرده‌اند. در واقع بگذارید شما را به تاریخ ببرم. ایران بی‌گمان برای بازارهای جهانی نفت در کشورهای در حال توسعه الهام‌بخش بوده و آنها را به کنترل حاکمیت نفت و منابع طبیعی خود ترغیب کرده است. این موضوع به زمان مصدق بازمی‌گردد که دکتر مصدق، نخست‌وزیر ایران موفق شد از پس چالش‌های آن زمان برآید و در روند تقابل ایران و شرکت نفت انگلیس در سازمان ملل متحد و همچنین در دیوان بین‌المللی دادگستری موفق شود. در آن زمان و هنگامی که از ایالات متحده آمریکا بازگشت به‌واقع الهام‌بخش جهانیان بود. مصدق در نشست سازمان ملل متحد شرکت کرد و با موفقیت از موقعیت ایران دفاع کرد. وی در مسیر بازگشت به ایران در مصر توقف داشت، در آنجا بسیار مورد استقبال واقع شد و همه مورخان موافق هستند که موقعیت ایران الهام‌بخش جهان سوم در گرفتن حاکمیت منابع طبیعی آنها بود، بنابراین با داشتن این پیشینه تاریخی، ایران یکی از اعضای بنیانگذار اوپک به شمار می‌آید و همیشه دیپلماسی بسیار فعالی را در این سازمان و بدون توجه به سطح تولید خود دنبال کرده است. ایران توانایی ایفای نقشی مؤثر در اوپک دارد. اگرچه من معتقدم سطح تولید و سهم بازار در عمل اساسی‌ترین عامل تقویت موقعیت اعضای اوپک است، اما دیپلماسی و نقش کشورهای عضو، محدود به سطح تولید نیست، بلکه به قدرت آن کشور، تاریخ و ظرفیتش از نظر منطقه‌ای و جهانی

نیز برمی‌گردد. ایران برای داشتن چنین نقشی به اندازه کافی قدرتمند است.

«مهم‌ترین نقطه عطف ایران در اوپک را مربوط به کدام سال‌ها می‌دانید؟ آیا می‌توان ادعا کرد که ایران در هفت سال گذشته در اوپک سابقه قابل قبولی داشته است؟»

در حقیقت معتقدم اگرچه ایران طی چهار دهه گذشته فراز و نشیب‌هایی را در اوپک تجربه کرده است، اما در بیشتر اوقات ایران در جلب توجه برخی اعضای اوپک در دستیابی به اتفاق نظر و دفاع از قیمت نفت در مقابل مسائل دیگری که سهم بازار را تحت فشار قرار می‌داد موفق بوده است، بنابراین می‌توان گفت ایران در تلاش برای بهبود قیمت‌های نفت و درآمدهای نفتی تاحدودی موفق بوده و این مورد ازسوی بسیاری از اعضای اوپک و مردم این کشورها پشتیبانی شده است، زیرا این موضوع گاهی اوقات سبب افزایش درآمد و کسب ثروت برای آنها شده است، از این رو توانایی بیشتری برای پیگیری تحولات اقتصادی خود دارند، اما درباره عملکرد ایران در هفت سال گذشته می‌توان ادعا کرد که هفت سال گذشته سخت‌ترین سال‌ها برای اقتصاد ایران، به‌ویژه بخش نفت ایران بوده است. می‌توان گفت ایران به‌واقع در پاسخگویی به این چالش‌ها و ایجاد فرصت‌هایی از این چالش‌ها بیش از هر زمان دیگری موفق بوده است. از نظر داخلی، اقتصاد ایران از هر زمان دیگری متنوع‌تر و مقاوم‌تر شده است، اما درباره چالش‌های اوپک، ایران در احیای سهم بازار خود و تبدیل آن به امتیاز بسیار موفق بود که به‌واقع کار بسیار دشواری هم بود. ایران چند سالی از بازار خارج شده بود و سهم خود را از دست داده بود، در حالی که

دیگر اعضای اوپک سهم ایران را گرفته بودند. این ایران بود که باید از موقعیت خود دفاع می‌کرد تا سهم بازار خود را به‌دست آورد. این موضوع با دیپلماسی مؤثر آقای زنگنه با موفقیت انجام شد. بی‌گمان باید برای چنین دستاوردی از ایشان قدردانی کرد. می‌توانیم بگوییم که این موضوع اکنون به یک اولویت تبدیل شده است که در آینده بسیار مفید خواهد بود. هنگامی که پس از طی دوره کنونی دوباره به بازار برگردیم، این امتیاز را خواهیم داشت. آن دسته از اعضای که سهم بازار ایران را به خود اختصاص داده‌اند، باید سهم ایران را پس دهند. این موضوع تنها برای ایران نیست، بلکه برای همه افرادی که با چنین شرایطی روبه‌رو باشند صدق می‌کند.

«آیا فکر می‌کنید روزی فرا برسد که کشورهای عضو و غیرعضو اوپک زیر پوشش اوپک پلاس و به‌منظور جلوگیری از افت چشمگیر قیمت نفت به هم بپیوندند؟ آینده این توافق را چگونه می‌بینید؟»

معتقدم اقتصاد جهان و دنیای انرژی آن‌قدر پیچیده و بغرنج شده‌اند که به نوعی هماهنگی میان همه بازیگران نیاز دارند. اگرچه همه کشورهای تولیدکننده نفت با یکدیگر رقابت می‌کنند، اما برای کمک به توسعه اقتصاد جهانی، می‌توان گفت کشورهای تولیدکننده نفت به هماهنگی سیاست‌های خود نیاز دارند بنابراین داشتن چنین همکاری منطقی و عاقلانه است، به‌ویژه که امروز بعضی از تولیدکنندگان چالش‌های بسیاری ایجاد کرده‌اند. به نظر من اکنون نفت حتی بیش از هر زمان دیگری سیاسی شده است. به‌ویژه باید به ایالات متحده آمریکا اشاره کنم که در حال بازی سیاسی در بازار نفت و انرژی

اکنون نفت حتی بیش از هر زمان دیگری سیاسی شده است. به‌ویژه باید به ایالات متحده آمریکا اشاره کنم که در حال بازی سیاسی در بازار نفت و انرژی است

اوپک، ۶۰ سالگی و پس از آن

■ محمد صالحی
تحلیل گر بازار نفت

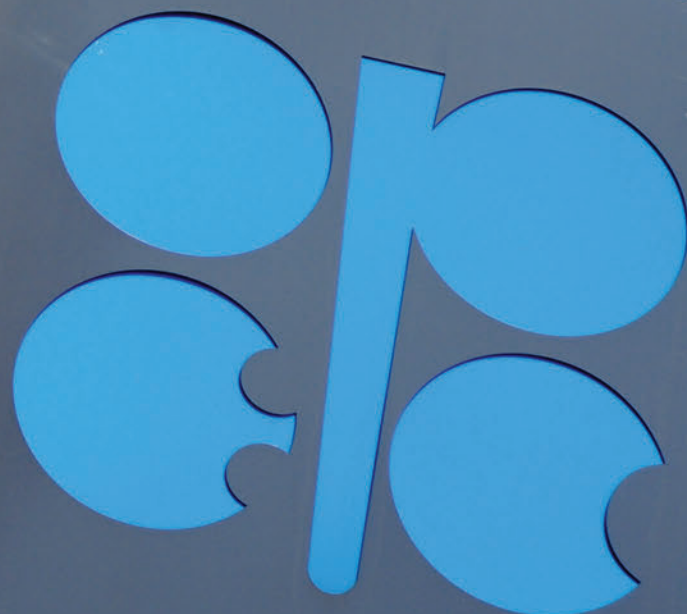
۶۰ ساله شدن اوپک به خودی خود یک موفقیت و دستاورد به شمار می آید. سال ۱۹۶۰ میلادی زمانی که این سازمان تأسیس شد، برخی پیش بینی می کردند به دلیل اداره امور بخش بالادستی و پایین دستی نفت کشورهای عضو اوپک به دست شرکت های بزرگ بین المللی، دوام نخواهد آورد. اوپک که ابتدا تنها با حضور پنج کشور نفت خیز جهان با ذخایری حدود اندکی بیش از ۲۰۰ میلیارد بشکه تشکیل شد که این رقم در آن دوران سه چهارم کل ذخایر جهان را شامل می شد، اکنون به یک گروه متشکل از ۱۳ کشور با ذخایری حدود ۱،۲ تریلیون بشکه نفت که حدود ۸۰ درصد کل ذخایر نفت جهان را در بر می گیرد، تبدیل شده است. این کشورها اکنون به عنوان بخشی از جامعه جهانی انرژی به رسمیت شناخته می شوند. تأسیس اوپک اقدامی شجاعانه و حاکی از آن بود که حتی کشورهای در حال توسعه دارای حق حاکمیتی هستند. آنها ثابت کردند منابع طبیعی شان موضوعی فراتر از اسباب فراهم آوردن آسایش دیگران بوده و این مقوله ای است که ملت ها در اقصی نقاط جهان به آن ارج می نهد. در ۶ دهه اخیر، این سازمان با فراز و نشیب های فراوانی روبه رو بوده، اما اوپک کماکان نسبت به اهداف خود پایبند است، همواره از منافع کشورهای عضو صیانت کرده، در صدد حفظ در آمد مستمر کشورهای تولید کننده، تضمین عرضه کافی و تنظیم نفت به مصرف کنندگان و در پی نرخ برگشت سرمایه عادلانه از طریق قیمت های قابل قبول بوده است. نقش اوپک در صحنه جهانی کماکان در حال گسترش است. اوپک از بدو تأسیس با تبلیغات منفی کشورهای غربی مصرف کننده عمده نفت مواجه بوده تا جایی که در برخی مقاطع زمانی، پرونده های حقوقی علیه این سازمان و کشورهای عضو آن شکل گرفته است. به ویژه در یک دهه اخیر، اوپک به اشتباه و در یک قضاوت کاملاً سیاسی، به عنوان کار تل و انحصارگر بازار نفت، عامل افزایش و نابسامانی عرضه نفت در جهان معرفی شده است. باوجود فشار روانی وسیع علیه اوپک، این سازمان توانسته با تأمین به موقع عرضه نفت به ویژه در مواقع بحرانی بازار نفت، شفاف سازی در تصمیم ها، اقدام ها و برنامه های ظرفیت سازی در بخش نفت، گام های مهمی را در اعتماد سازی جهانی بردارد و ثابت کند که حضور و نقش آفرینی اوپک، ضرورتی غیر قابل انکار برای ثبات بازار و قیمت جهانی نفت و تأمین منافع توأمان تولید کنندگان و مصرف کنندگان انرژی در جهان است.

اوپک به ایجاد و ارتقای همکاری و گفت و گو و شفافیت در میان تولید کنندگان و مصرف کنندگان کمکی بسزا کرده و در مذاکرات چند جانبه مختلف با اقتصاد های بزرگ جهان، سازمان و نهادهای بین المللی و تولید کنندگان نفت غیر اوپک گام های قابل توجهی به سود منافع سازمان و کشورهای عضو برداشته است. از سوی دیگر، تعهد اوپک نسبت به توسعه و رفاه در کشورهای عضو و جامعه جهانی

اثبات شده است. با این حال، همه دستاوردهای یاد شده به آن معنا نیست که دوران تأثیر گذاری اوپک پایان یافته است و این سازمان تنها باید به تاریخچه ای از دستاوردهای خود بسنده کند. ۶۰ سال گذشته برای اوپک حائز اهمیت بوده، اما این سازمان به آینده هم چشم دوخته است. «گذشته موفق و آینده پایدار»، این شعار شصتمین سالروز تأسیس اوپک است. در حالی که اوپک کماکان برای هماهنگی و ثبات در بازار بین المللی نفت در راستای منافع تولید کنندگان، مصرف کنندگان، سرمایه گذاران و اقتصادی جهانی تلاش می کند، این شعار بر نقش آینده سازمان تأکید می کند و در این مسیر، ورود به عرصه همکاری با تولید کنندگان نفت غیروپک، نقش مهمی در شکل گیری نقش جدید اوپک در عرصه بین المللی نفت و انرژی ایفا می کند. در آستانه شصتمین سالروز تأسیس، اوپک بیش از هر زمان دیگر در راستای تحقق یکی از مهم ترین اهداف خود یعنی «حفظ ثبات قیمت در بازار از طریق عرضه مطمئن نفت و کمک به رشد و توسعه اقتصاد جهان» در حال حرکت است. تقارن زمانی شیوع ویروس کرونا و پیامدهای آن برای اقتصاد جهان با شصتمین سالروز تأسیس اوپک فرصت مناسبی بود و نشان داد این سازمان و اعضای آن، با ایستادگی، اتحاد و همکاری میان خود در مواقع و شرایط مورد نیاز، می توانند در مقابل یکی از بزرگ ترین چالش های بین المللی قرن ۲۱ از دستاوردهای

۶۰ سال گذشته، در برقراری ثبات و آرامش در سطح بازار نفت به خوبی محافظت کنند که به طور حتم آیندگان از آن به عنوان نقطه عطفی در تاریخ اوپک یاد خواهند کرد. در سال های پیش رو به واسطه گسترش وابستگی اقتصادی جهانی و آگاهی روز افزون زیست محیطی شاهد چالش ها و فرصت هایی خواهیم بود. افزون بر این، دوره پساکرونا نیز از حیث تقاضا و مصرف جهانی سوخت های فسیلی به ویژه نفت، دوره ای متفاوت از پیش خواهد بود که به واقع اوپک و اعضای آن را به دوره ای جدید و البته چالش برانگیز از عمر فعالیت خود وارد می کند. نگاه راهبردی ایجاب می کند که اوپک خود را تنها به برنامه ریزی های تولید، تعیین سقف و سهمیه تولید محدود کند، بلکه گسترش همکاری و همفکری و توسعه ارتباطات برای هماهنگی و وحدت رویه بیشتر میان اعضا بسیار ضروری است. تبادل اطلاعات و دانش و فناوری در زمینه های مختلف فنی و مدیریتی و بهره گیری از خدمات متقابل و ظرفیت های بالقوه در شرکت های ملی نفت و دیگر بخش های صنعتی کشورهای عضو، موفقیت این سازمان را در مقابله چالش های فرارو تضمین خواهد کرد. مدت زمان ۶۰ سال، دستاوردی استثنایی برای سازمان بین المللی کشورهای در حال توسعه است. بقای

اوپک در ۶ دهه اخیر بر اهمیت عزم و اراده کشورهای عضو این سازمان برای حفظ منافع ملت هایشان تأکید می کند و ما به عنوان کشورهای عضو کماکان می خواهیم مطمئن باشیم که اوپک به رشد خود ادامه می دهد و در مسیر بلوغ و بدل شدن به بخش جدایی ناپذیر رسمی و به ویژه مورد قبول صنایع انرژی جهانی و به طور کل اقتصاد جهانی گام بر می دارد. اوپک کماکان خود را متعهد به کمک به کشورهای عضو به منظور رویارویی با مقوله های مرتبط با انرژی که در آینده ممکن است با آن روبه رو می داند. با این حال، اوپک نیز مانند هر بازیگر دیگر در عرصه بین الملل، برای پایایی خود ناگزیر از پویایی است. پویایی به معنای انطباق با تحولات عصر جدید و تغییر در برخی رویکردها که برای حفظ ثبات و انسجام سازمان ضروری است. خوشبختانه در چارچوب برنامه ها و ارکان درونی سازمان، زمینه لازم برای پویایی و تحول در سیاست گذاری و رویکردهای اوپک وجود دارد و کشورهای عضو می توانند با استفاده از برنامه هایی مانند «راهبرد بلندمدت اوپک» برای شناخت و مقابله با چالش های پیش رو و نقش آفرینی موثر اوپک در دوره پس از ۶۰ سالگی، رویکردهای متناسب با شرایط و تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهان اتخاذ کنند.



دستاوردها، ضرورت بقا و چالش‌های پیش روی اوپک

■ مهدی عسلی

نماینده ملی پیشین ایران در اوپک

امسال ۶۰ سال از بنیانگذاری سازمان کشورهای صادرکننده نفت «اوپک» می‌گذرد. افزون بر مراسمی که به‌طور معمول در سالروز تأسیس این سازمان یعنی ۱۴ سپتامبر در دبیرخانه اوپک برگزار می‌شود، امسال قرار بود مراسمی هم در بغداد، با حضور دبیرکل اوپک و هیئت همراه و مقام‌های ذی‌ربط عراقی در سالن الشعب بغداد یعنی جایی که تأسیس اوپک در ۶۰ سال پیش در سپتامبر ۱۹۶۰ اعلام شد برگزار شود. افزون بر آن یک نشست کارشناسی نیز در ۲۳ ژوئن از طریق ویدئوکنفرانس به میزبانی دبیرخانه اوپک برگزار شد. در این هم‌اندیشی که شمار قابل توجهی از مدیران و کارشناسان کشورهای عضو و نیز برخی صاحب‌نظران برجسته نفت و انرژی دنیا در آن شرکت کرده بودند، محمد سائوسی بارکیندو، دبیرکل اوپک، در سخنانی اوپک را سازمانی دانست که گذشته، حال و آینده را به هم مرتبط می‌کند. وی به مناسبت شصتمین سال، فعالیت دستاوردهای قابل توجه اوپک را برشمرد و به خدمات این سازمان به کشورهای عضو و نیز برقراری تعادل در بازار پرتلاطم جهانی نفت و دستیابی به ثبات قیمت‌های این حامل مهم انرژی اشاره کرد. متعاقباً کارشناسان و صاحب‌نظران نیز در این نشست‌ها به اهمیت و ضرورت حضور اوپک در بازار نفت، ابعاد مختلف اثرگذاری آن بر بازار نفت و چالش‌های پیش رو پرداختند. ما در اینجا در چارچوبی وسیع‌تر ضمن اشاره به عملکرد و تجربه‌های مهم این سازمان در مقاطع مهم دوران فعالیت خود، به دستاوردهای عمده آن و چالش‌های اصلی که اوپک هم‌اکنون یا به احتمال زیاد در آینده با آنها روبه‌رو خواهد بود می‌پردازیم. این بررسی استفاده از تجربه‌های ۶۰ ساله اوپک در همکاری آن با دیگر بازیگران مهم صنعت نفت، تأثیرگذاری تصمیم‌های اوپک بر اقتصاد جهانی، چالش‌هایی که اوپک با آن روبه‌روست و تحولاتی که آینده این سازمان را متأثر می‌کند شامل می‌شود.

برخی

سخنگویان دولت‌های

غربی و نیز نویسندگان از اوپک به کارتل نفتی یاد کرده‌اند اما اوپک هرگز یک کارتل اقتصادی به مفهوم واقعی نبوده است. سهم اوپک در تولید جهانی نفت در سالهای اخیر حدود یک‌سوم تولید کل و در بازار نفت کمتر از ۴۵ درصد بوده است و اوپک برخلاف کارتل‌های شناخته‌شده اقتصادی براساس تعیین قیمت نفت و تقسیم بازارها بین خود عمل نکرده است

اثرگذارترین دوره
اوپک تاکنون دهه ۱۹۷۰
میلادی بوده است؛ زمانی که اوپک
در عمل به مهمترین بازیگر بازار نفت
و تعیین‌کننده اصلی قیمت نفت بدل
شد. در دهه‌های بعد تأثیرگذاری
اوپک بر بازار کاهش یافت

مروری بر عملکرد اوپک در ۶ دهه فعالیت این سازمان

در ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۰ نمایندگان کشورهای بنیانگذار اوپک، یعنی دکتر فواد روحانی از ایران، خوان پابلو پرزه آلفونسو از ونزوئلا، دکتر طلعت الشیبانی از عراق، احمد سید عمر از کویت و عبدالله الطریقی از عربستان سعودی در کنفرانس تاریخی که در سالن الشعب بغداد برگزار شد، سازمان کشورهای صادرکننده نفت، اوپک را بنیان نهادند. بنیانگذاری اوپک پیامدهایی وسیع و به‌طور کلی مثبتی برای همه اعضای این سازمان و بازار نفت داشته است. در آغاز امید زیادی به بقا و رشد این سازمان بین‌الدولی که توسط چند کشور در حال توسعه ایجاد شده بود، نمی‌رفت، آن‌هم در بازار مهمی مانند بازار نفت که تحت سلطه شرکت‌های بزرگ نفتی بود. با این حال اوپک به‌تدریج جای خود را در بازار نفت باز کرد و نمونه بارزی از حاکمیت کشورهای در حال توسعه بر منابع ارزشمند خود ارائه داد. مذاکره سازنده اعضا با هدف رسیدن به اتفاق نظر، شیوه معمول اعضای سازمان اوپک در ۶۰ سال گذشته بوده و موفقیت‌های زیادی به همراه داشته است. یکی از دلایل این روحیه همکاری موفقیت‌آمیز اساسنامه روشن و کم و بیش بدون ابهام اوپک است که همه اعضا قائل به احترام به آن هستند. باور و احترام به اساسنامه اوپک سبب شده است روحیه اتفاق نظر و همکاری بنیانگذاران اولیه در همه نشست‌های وزارتی اوپک از همان روزهای اولیه تأسیس اوپک تاکنون حاضر باشد. در ۶۰ سال گذشته نمایندگان کشورهای عضو به‌خوبی دریافته‌اند که انطباق چشم‌انداز و دیدگاه کشور متبوع با خیر جمعی سازمان سرانجام به نفع کشور آنها هم است و در عمل هم ثابت شده که علایق کشورهای عضو با رعایت خیر عمومی سازمان بهتر تأمین می‌شود.

برخی سخنگویان دولت‌های غربی و نیز نویسندگان از اوپک به کارتل نفتی یاد کرده‌اند اما اوپک هرگز یک کارتل اقتصادی به مفهوم واقعی نبوده است. سهم اوپک در تولید جهانی نفت در سال‌های اخیر حدود یک‌سوم تولید کل و در بازار نفت کمتر از ۴۵ درصد بوده است و اوپک برخلاف کارتل‌های شناخته‌شده اقتصادی براساس تعیین قیمت نفت و تقسیم بازارها بین خود عمل نکرده است. در عین حال تلاش اوپک بر آن بوده است که ثبات بازارهای نفت با قیمت منصفانه‌ای برای بالارزش‌ترین حامل انرژی، یعنی نفت حفظ شود. قیمت عادلانه نفت از نظر اوپک قیمتی بوده است که ضمن جذب سرمایه لازم برای جلب سرمایه‌گذاران و حفظ ظرفیت‌های تولید و پاسخگویی به تقاضا به حدی بالا نباشد که رشد اقتصادی مصرف‌کنندگان نفت را به‌طور منفی تحت تأثیر قرار دهد. اوپک درواقع برای مقابله با کارتل نفتی کمپانی‌های معروف به هفت خواهران (شرکت‌های نفتی اکسان، شل، شورون، موبیل، تگزاکو، بی پی و کلف)

به‌وجود آمد. کارتلی که بازارهای نفت را در سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۰ میلادی تقریباً به‌طور کامل در اختیار خود داشت. اعضای این بازارهای نفت را میان خود تقسیم کرده بودند و با تبانی قیمت نفت را تعیین می‌کردند. آنها تقریباً همه بازار نفت دنیا (خارج از بلوک اتحاد جماهیر شوروی سابق) از فعالیت‌های بالادستی و پالایشگاهی و خرده‌فروشی را در اختیار داشتند و منابع نفتی بالارزش کشورهای مالک این حامل انرژی بالارزش را با کمترین قیمت برداشت می‌کردند و بخش کمی از درآمدهای نفتی را به کشورهای صاحب این منابع می‌دادند. هنگامی که اوپک تشکیل شد، قیمت واقعی نفت رو به کاهش داشت، در حالی که تقاضای جهانی نفت و تولید نفت این کشورها افزایش می‌یافت و این برای کشورهای دارای منابع نفت قابل قبول نبود.

در دوره حاکمیت کارتل هفت خواهران نفتی بر بازارهای نفت، تولید نفت به‌طور عمده تحت قراردادهای امتیاز (Concession Contracts) تولید می‌شد. در آن دوره، همه حقوق استخراج و بهره‌برداری از منابع نفتی به شرکت‌های نفتی داده می‌شد و کشورهای مالک منابع نفتی تنها بخش کوچکی از درآمد نفت تحت عنوان بهره مالکانه دریافت می‌کردند. این قراردادها در آن زمان در چارچوب روابط استعماری دولت‌های بزرگ غربی با کشورهای دارای منابع نفتی در خاورمیانه، آفریقا و آمریکای جنوبی بود و تلاش‌های اوپک در دهه نخست شکل‌گیری خود، یعنی دهه ۱۹۶۰ در واقع معطوف به بهبود شرایط سیاسی، حقوقی و مالی قراردادهای اکتشاف و استخراج نفت و آماده‌سازی زمینه برای ملی کردن منابع نفت در کشورهای عضو بود. ایران خود از پیشگامان این نهضت ضداستعماری و ملی کردن صنعت نفت خود در اوایل دهه ۱۹۵۰ میلادی بود و به‌عنوان یکی از بنیانگذاران اوپک در واقع سرمشقی برای دیگر کشورها به‌منظور ملی کردن صنعت نفت در آن کشورها بود. این روند پس از تشکیل اوپک تشدید و ملی شدن صنعت نفت این کشورها در دهه ۱۹۷۰ میلادی تقریباً کامل شد. در این دهه صنایع نفت لیبی، الجزایر، عراق، ونزوئلا، کویت و عربستان ملی شدند. بعید است بدون وجود اوپک چنان فرآیندی از ملی کردن صنعت نفت توسط کشورهای نفت‌خیز دنبال

می‌شد. به رسمیت شناخته شدن حق حاکمیت ملت‌ها بر منابع طبیعی خود در اعلامیه سال ۱۹۶۲ سازمان ملل متحد نیز در واقع تأییدی بر فرآیند ملی شدن صنایع نفت این کشورها بود. بعضی از کشورهای دارنده منابع طبیعی دیگر، مانند صادرکنندگان کاکائو و قهوه تلاش کردند که آنها هم سازمان‌هایی نظیر اوپک برای کالای صادراتی خود تشکیل دهند، اما هیچ‌کدام از آنها مانند اوپک موفق نبوده‌اند.

اثرگذارترین دوره اوپک تاکنون دهه ۱۹۷۰ میلادی بوده است؛ زمانی که اوپک در عمل به مهم‌ترین بازیگر بازار نفت و تعیین‌کننده اصلی قیمت نفت بدل شد. در دهه‌های بعد به دلایلی که به‌اختصار اشاره می‌شود تأثیرگذاری اوپک بر بازار کاهش یافت. برای درک دلیل این وضع باید توجه کرد که تأثیر اوپک در بازار نفت (هر سازمانی شبیه آن؛ برای نمونه اثرگذاری مجمع کشورهای صادرکننده گاز – GECF بر بازار جهانی گاز) تحت تأثیر سه متغیر مهم است: سهم اوپک در بازار نفت، ضریب کشش قیمتی تقاضای جهانی برای نفت اوپک و ضریب کشش قیمتی عرضه تولیدکنندگان غیر عضو اوپک. در دهه ۱۹۷۰ میلادی هم سهم اوپک در بازار نفت بسیار بالا بود (برای نمونه در سال ۱۹۷۳ میلادی که تحریم نفتی آمریکا و چند کشور دیگر توسط کشورهای عرب عضو اوپک اجرا شد سهم اوپک از بازار نفت حدود ۵۶ درصد بود)، هم ضریب کشش قیمتی تقاضای جهانی برای نفت اعضای اوپک خیلی کم بود، زیرا جایگزین زیادی برای نفت اعضای این سازمان وجود نداشت و شدت انرژی و نفت در آن زمان به‌طور کلی بسیار بالا و ضریب کشش قیمتی عرضه غیر عضو اوپک بسیار پایین بود؛ به این معنا که فناوری‌های موجود در آن زمان اجازه افزایش سریع تولید نفت برای جایگزینی نفت اوپک را نمی‌داد، بنابراین تأثیرگذاری اوپک در بازار نفت در دهه ۱۹۷۰ میلادی بسیار بالا بود. در دهه‌های بعد به دلیل بالا بودن قیمت نسبی نفت به‌تدریج از یک طرف کارآیی مصرف انرژی و نفت افزایش یافت و ازسوی دیگر تولیدکنندگان دیگری مانند نروژ، بریتانیا، کانادا و ... به تولیدکنندگان عمده تبدیل شدند بنابراین سهم اوپک از بازار جهانی نفت کاهش یافت.





۱۹۸۰ میلادی از یک طرف جنگ ایران و عراق پایان، در نتیجه تولید نفت ازسوی این دو کشور افزایش یافت و از سوی دیگر اتحاد جماهیر شوری سقوط کرد که ناپسامانی‌هایی در تولید نفت بلوک شوری سابق در پی داشت. قیمت نفت در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی بار دیگر به دلیل بحران اقتصادی در کشورهای جنوب شرقی آسیا و نیز سیاست اوپک برای حفظ سهم در بازار نفت به‌شدت کاهش یافت و این کاهش تا زمانی که اعضای اوپک توافق کردند تولید خود را برای تعادل بازار تعدیل کنند، ادامه یافت. تصمیم نشست وزیران نفت و انرژی اوپک در جاکارتا در سال ۱۹۹۸ میلاد مبنی بر افزایش تولید برای حفظ سهم بازار اوپک آن‌هم در شرایط بحران اقتصادی در منطقه جنوب شرقی آسیا که مهم‌ترین مصرف‌کنندگان نفت در آن قرار دارند به کاهش شدید قیمت نفت انجامید و درس بزرگی برای اوپک داشت. این تجربه بعدها در مقاطع مهم دیگر استفاده شد.

در دهه ۲۰۰۰ میلادی تا سال ۲۰۰۸ میلادی دنیا با رشد فزاینده تقاضا برای نفت که عمدتاً به‌دلیل رشد سریع اقتصادی جهان و به‌ویژه رشد اقتصادی کشور چین بود، روبه‌رو شد. به همین دلیل اوپک با افزایش ظرفیت تولید تلاش می‌کرد از کمبود عرضه و افزایش بیش از اندازه قیمت‌ها جلوگیری کند. با آغاز بحران اقتصادی بین‌المللی در نیمه دوم سال ۲۰۰۸ که به رکود بزرگ اقتصادی معروف شد، تقاضا برای نفت و انرژی به‌شدت کاهش یافت و قیمت‌های نفت سقوط کرد. به همین دلیل نیز اوپک در یک نشست تاریخی در وهران الجزایر تصمیم به کاهش قابل توجه عرضه خود گرفت. این تصمیم موفق شد بازار نفت را به‌تدریج متعادل و قیمت‌ها را در نیمه دوم سال ۲۰۰۹ به سطحی منطقی برگرداند.

در سال‌های اخیر و به‌ویژه با اوج‌گیری انقلاب نفت شیل و گاز شیل در آمریکا که آن را به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت تبدیل کرد اظهارنظرهایی مبنی بر تضعیف موقعیت اوپک و حتی بی‌اثر شدن آن در بازارهای نفت منتشر و در مقاله‌ها و گزارش‌های مختلف بازتاب داده شده است. برای نمونه در اکتبر سال ۲۰۱۳ میلادی یک مقاله مجله فارین پالسی تیتري به این مضمون داشت: «پایان اوپک (The End of OPEC)»، اما هفت سال از آن تاریخ گذشته و باوجود چرخه‌های نامطلوب بزرگ قیمت نفت در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۴ به‌دلیل امتناع اوپک از کاهش تولید خود برای حفظ سهم بازار در مقابل افزایش تولید نفت در آمریکا و چرخه اخیر در سال ۲۰۲۰ میلادی به‌دلیل شیوع همه‌گیری ویروس کووید-۱۹ و کاهش بی‌سابقه تقاضا برای نفت و قیمت آن در بازارهای جهانی، اوپک هنوز زنده و در بازار نفت تأثیرگذار است. در همه این سال‌ها نقش اوپک در گفت‌وگو با مصرف‌کنندگان مهم انرژی مانند چین و هند و دیگر سازمان‌های مهم بین‌المللی انرژی مانند آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، ایجاد مجمع بین‌المللی انرژی (IEF) و ابتکار داده‌های انرژی (JODI)، نیز قابل توجه بوده است. اوپک در موضوع مهم کاهش و حذف فقر انرژی که در سطح جهانی از طریق اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد پیگیری می‌شود نیز از طریق سرمایه‌گذاری‌های

سازمان خواهر خود صندوق توسعه اوپک (OPEC Fund) که در سال ۱۹۷۶ میلادی توسط اعضای وقت اوپک ایجاد شد، در کشورهای در حال توسعه همکاری داشته است. افزون بر آن، این سازمان از همان ابتدا در مذاکرات تغییر اقلیم سازمان ملل متحد مشارکت داشته و موافقتنامه پاریس را حمایت و اعضای خود را برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ترغیب کرده است. اوپک با توجه به آثار گازهای گلخانه‌ای مصرف انرژی‌های فسیلی، اعضای خود را به تنوع‌بخشی به اقتصاد و صرفه‌جویی در مصرف انرژی ترغیب کرده است. باید توجه داشت در کشورهایی که از تولیدکنندگان و صادرکنندگان بزرگ نفت و گاز هستند قیمت سوخت‌های فسیلی به‌طور معمول پایین‌تر از سطح بین‌المللی بوده است.

استفاده از تجربه‌های دهه‌های پیش در اعاده

ثبات بازار نفت در چرخه‌های قیمتی اخیر
باید توجه کرد که سقوط اخیر قیمت نفت تنها تحت تأثیر شیوع ویروس کرونا نبوده، بلکه چند عامل مهم دیگر در ضعف بازار نفت مؤثر بوده است. نخست انباشته شدن بی‌سابقه ذخیره‌سازی‌های نفت خام و فرآورده‌های نفتی در کشورهای عمده مصرف‌کننده نفت، دیگر افزایش قابل توجه تولید نفت در آمریکا به‌ویژه در میدان‌های نفتی حوضه پریمین (Permian Basin) در تگزاس و تا حدودی نیز باکن (Bakken Fields) در ایالت داکوتای شمالی و سرانجام افزایش تولید دیگر تولیدکنندگان نفت. برای نمونه در سال ۲۰۱۹ میلادی برزیل، نروژ، کانادا، روسیه و آمریکا روی هم‌رفته بیش از کل تولید اوپک نفت تولید کردند. در نتیجه با شیوع ویروس همه‌گیری کووید-۱۹ در اوایل سال ۲۰۲۰ و تعطیل شدن فعالیت‌های اقتصادی و به‌ویژه مسافرت‌های بین‌المللی و بین‌شهری درون کشورهای صنعتی قیمت نفت به پایین‌ترین سطح از سال ۱۹۹۱ میلادی به این سو سقوط کرد. این تغییرهای ساختاری همراه با شوک‌های غیرمترقبه مانند بیماری‌های همه‌گیر چالش‌های بزرگی برای اوپک آن هم زمانی که برخی اعضای مهم آن مانند ایران و ونزوئلا درگیر تحریم‌های ظالمانه بوده و شماری از اعضای دیگر مانند لیبی و عراق درگیر مسائل و ناآرامی‌های سیاسی داخلی هستند، ایجاد می‌کند. این وضع از یک سو سهم اوپک در بازار نفت را کاهش می‌دهد، از سوی دیگر کاهش قیمتی تقاضا برای نفت این سازمان و کاهش قیمتی عرضه غیر اوپک را بالا برده است که هر سه این تغییرها برای کاهش اثرگذاری اوپک بر بازارهای نفت عمل می‌کند، بنابراین اوپک بهترین راه اعاده ثبات بازار را همکاری با تولیدکنندگان غیرعضو اوپک برای افزایش سهم بازار و قدرت اثرگذاری بر بازار تشخیص داده است.

طبیعی است اوپک در ۶۰ سال گذشته با تجربه‌هایی که از چرخه‌های مختلف قیمت، یعنی دوره‌هاییکه افزایش بیش از اندازه با سقوط

قیمت‌ها دنبال شده، داشته بسیار آموخته است. چرخه قیمت نفت در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۴ و به‌ویژه چرخه اخیر قیمت نفت ناشی از شیوع ویروس کرونا بزرگ‌ترین تلاطم‌های قیمت نفت را سبب شد. اوپک در سال ۲۰۱۶ میلادی یعنی سه سال پیش از پیدایش ویروس کرونا با بعضی از کشورهای غیرعضو اوپک تولیدکننده نفت به رهبری روسیه، برای مدیریت بازار نفت و اعاده ثبات آن به توافق رسیده بودند. این توافق منتهی به صدور بیانییه مهمی شد که به «اعلامیه همکاری» میان اعضای اوپک و ۱۱ کشور تولیدکننده نفت غیراوپک (بعدها با پیوستن گینه به اوپک ۱۰ کشور) معروف شد. این بیانییه دوباره در سال ۲۰۱۷ تنفیذ و در سال ۲۰۱۸ هم با اصلاحاتی اجرا شد. پس از شیوع ویروس کرونا و ناهماهنگی‌هایی که به رقابت کوتاه‌مدتی که بین عربستان و روسیه بر سر سهم بازار منتهی شد در آوریل ۲۰۲۰ اوپک با روسیه و کشورهای تولیدکننده غیراوپک که به اعلامیه همکاری (Declaration of Cooperation) پیوسته‌اند در تصمیمی تاریخی به کاهش عرضه روزانه ۹ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه از تولید خود از یکم ماه مه ۲۰۲۰ تا دو ماه رأی دادند که سپس برای یک ماه دیگر تمدید شد. اوپک با اجرای این موافقت با کشورهای

«تلاطم‌های شدید قیمت نفت تبعات منفی دارد بنابراین وجود و تصمیم‌های اوپک برای حفظ ثبات بازار نفت ازسوی اوپک ارزش زیادی برای اقتصاد جهانی ایجاد می‌کند. ظرفیت مازادی که اوپک نگهداری می‌کند اهمیت به مراتب بیشتری نسبت به ظرفیت نفت شیل آمریکا در جذب شوک‌ها و حفظ ثبات بازار نفت دارد»

تولیدکننده غیراوپک موفق شد از سقوط عمیق‌تر بازار نفت جلوگیری کند. با این حال به دلیل مازاد عرضه عظیم ۱۵ تا ۲۰ میلیون بشکه‌ای نفت در بازار، قیمت‌ها برای مدت‌ها به کاهش ادامه داد. تصمیم به کاهش بی‌سابقه تولید در حد ۹ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در روز ازسوی کشورهای عضو و غیرعضو اوپک «اعلامیه همکاری» در ماه‌های مه و ژوئن امسال نتیجه تجربه‌های طولانی اوپک در اعاده ثبات به بازارهای نفت است که اکنون با حضور کشورهای غیرعضو اوپک عضو اعلامیه همکاری ظرفیت مانور و تأثیرگذاری بیشتری را یافته است. در این موقعیت استثنایی اوپک موفق شد حتی همکاری عملی دو تولیدکننده عمده نفت غیر اعلامیه همکاری یعنی کانادا و نروژ را هم جلب کند. این فعالیت‌ها سبب شد از سقوط کامل بازار نفت جلوگیری شود.

گزارشی که دبیرکل اوپک در بیستمین نشست (ویدئوکنفرانسی) کمیته مشترک وزیران منتخب اوپک و کشورهای عضو «اعلامیه همکاری» (DoC)





دلالت‌های شرایط موجود و چالش‌های

آینده صنعت نفت برای ایران

همان شرایطی که برای تأثیرگذاری اوپک بر بازار نفت عنوان شد دربره اعضای این سازمان و بی‌گمان ایران نیز صدق می‌کند، یعنی سهم ایران در بازار جهانی نفت (و کل تولید اوپک)، کشتش قیمتی تقاضا برای نفت ایران و کشتش قیمتی عرضه نفت تمام کشورهای دیگر از جمله اعضای اوپک غیر از ایران عواملی است که میزان اثرگذاری ایران در بازار نفت را تعیین می‌کند. با توجه به ظرفیت تولید روزانه نفت جهان (بیش از ۱۰۰ میلیون بشکه) در مقابل ظرفیت تولید ایران (کمتر از ۴ میلیون بشکه) و نیز امکان جایگزینی نفت دیگر کشورها با نفت ایران و انعطاف‌پذیرتر شدن فناوری‌های تولید واضح است که ایران به تنهایی قادر به اثرگذاری بر بازار نفت جهان نیست و مشاهده کردیم که حذف نفت ایران از بازار جهانی به‌ویژه در شرایط رکود اقتصاد جهانی مسئله‌ای برای دنیا ایجاد نمی‌کند. از آنجا که در دهه‌های گذشته باوجود منابع عظیم ثابت‌شده نفت در ایران ظرفیت تولید نفت کشور به دلیل عدم سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز به اندازه کافی افزایش نیافت سهم کشور در کل تولید اوپک و کل تولید نفت جهان کاهش یافته است، به‌طوری که تحریم‌های ظالمانه و خارج کردن عملی نفت ایران از بازارها تأثیری بر بازارهای نفت نداشت و قیمت نفت را تحت تأثیر قرار نداد. به همین دلیل نیز اتخاذ یک راهبرد مناسب مانند راهبرد سه‌شاخه پادشده در بالا برای کشور ضروری است. ایران لازم است ضمن سرمایه‌گذاری برای توسعه ظرفیت‌های برداشت منابع نفت و گاز خود به‌تدریج از صادرات نفت خام به سمت تولید و فروش فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی روی آورد. از نظر نگارنده، ایجاد ظرفیت تولید حدود ۷ میلیون بشکه نفت در روز که تنها یک میلیون بشکه آن به‌صورت نفت خام صادر شود و بقیه در بخش‌های پالایشگاهی و پایین‌دستی به تولید فرآورده‌های نفتی با کیفیت بالا و محصولات فازهای بالاتر پتروشیمی اختصاص یابد هم امکان‌پذیر و هم مطلوب است. به موازات آن لازم است کشور بر فناوری‌های ارتقای کارآیی و صرفه‌جویی در انرژی و نیز بر توسعه فناوری‌های حبس و نگهداری کربن اهتمام ورزد و سرمایه‌گذاری کند تا بتوان برای دهه‌های آینده از منابع عظیم نفت و گاز کشور استفاده کرد. به دلایل ساختاری مانند سابقه صنعتی شدن کشور، وسعت ایران، جمعیت جوان و تحصیل‌کرده تجربه‌های ایران در تجارت جهانی متنوع کردن اقتصاد ایران نسبت به دیگر کشورهای اوپک امکان واقعی بیشتری دارد. کشور می‌تواند و لازم است با اصلاح سیستم مالی و شیوه‌های مالیاتی خود کاهش وابستگی دولت به درآمدهای نفتی را تحقق بخشد تا از منابع نفت و گاز ایران برای توسعه اقتصادی کشور به مفهوم واقعی استفاده شود.

اوپک باید پژوهش‌های خود را افزایش دهد و بر ابداع‌ها و ابتکارهای مرتبط با توسعه فناوری‌های سوخت‌های فسیلی کم‌کربن، فناوری‌های حبس، ذخیره و استفاده از دی‌اکسید کربن متمرکز شود

عضو اوپک برای افزایش صادرات غیرنفتی و کاهش وابستگی به نفت؛

استفاده از نفت خام (و گاز طبیعی) نه برای تأمین سوخت و حرارت در حمل‌ونقل و ساختمان‌ها، بلکه به‌عنوان مواد اولیه برای تولید کالاهای نفت و گاز پایه در صنایع پایین‌دستی و به‌ویژه صنایع پتروشیمی.

این راهبرد ضمن تثبیت اقتصاد کشورهای عضو اوپک که همواره تحت تأثیر قیمت‌های متلاطم نفت و چرخه‌های کاهش و افزایش آن قرار داشته‌اند می‌تواند زمان استفاده از منابع نفتی را حتی تا نیمه دوم قرن حاضر افزایش دهد. این به کشورهای عضو اجازه خواهد داد ضمن بهره‌برداری از منابع نفتی خود زمان بیشتر برای از بین بردن وابستگی دولت به درآمدهای صادرات نفت خام داشته باشند.

بنابراین اوپک باید پژوهش‌های خود را افزایش دهد و بر ابداع‌ها و ابتکارهای مرتبط با توسعه فناوری‌های سوخت‌های فسیلی کم‌کربن، فناوری‌های حبس، ذخیره و استفاده از دی‌اکسید کربن متمرکز شود. برای این منظور اوپک می‌تواند با مؤسسه‌های پژوهشی بین‌المللی انرژی و اتاق‌های فکری فناوری‌های نو مرتبط با انرژی همکاری بیشتری داشته باشد، همچنین حمایت از ابتکارها و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه برای انجام پروژه‌های ابتکاری فناوری‌های نفت کم‌کربن و زنجیره ارزش نفت و نیز شرکت در مجامع جهانی و مباحث چندجانبه بین‌المللی مرتبط با تعیین مقررات مربوط به بهره‌برداری از منابع انرژی مورد توجه قرار گیرد. در فرآیند انتقال انرژی عدم قطعیت‌های کلیدی نظیر بروز همه‌گیری‌هایی مانند ویروس کووید-۱۹ و آثار آن بر بازارهای نفت وجود دارد. در فرآیند انتقال انرژی سرعت عمل، گرفتن تصمیم‌های کارشناسی شده، حمایت‌های حساب‌شده دولت از بخش خصوصی و شرکت‌های فعال در فناوری‌های انرژی و نیز جهت‌گیری سرمایه‌گذاری‌ها مؤثر است.

به‌طور کلی عدم قطعیت‌ها، هم در بخش عرضه به دلیل تغییر سریع در فناوری‌های تولید و هم در بخش تقاضا به دلیل تغییر رفتار مصرف‌کنندگان و جایگزینی حامل‌های دیگر انرژی در حال افزایش است. از طرفی رقابت‌های سیاسی و اقتصادی در جهان بیشتر می‌شود که خود به عدم قطعیت‌ها دامن می‌زند، بنابراین اوپک ناگزیر است خود را برای آینده‌ای متفاوت آماده کند. اصلاح اساسنامه اوپک برای گنجاندن مواردی که برای مواجهه با چالش‌های آینده ضروری است می‌تواند مفید باشد. اوپک می‌تواند مأموریت‌های جدیدی برای خود تعریف کند، مانند کمک به کشورهای عضو برای متنوع کردن اقتصادهای خود و توسعه فناوری‌های لازم برای برداشت نفت و گاز کم‌کربن و هدایت کشورهای عضو در جریان انتقال انرژی. اوپک می‌تواند پژوهش‌های هدفمندی را برای ارتقای ظرفیت و کارایی سازمان در مواجهه با شوک‌های بازار نفت انجام دهد و دانش مدیریت شرایط بحرانی، مانند آنچه را که شیوع ویروس کووید-۱۹ ایجاد کرد، تقویت کند. به‌طور خلاصه اوپک باید با دقت مخاطره‌ها (ریسک‌های) چالش‌های آینده را مدنظر داشته باشد.

این چالش‌ها گسترش و عمق بخشیدن به بحث‌های کارشناسی درباره چشم‌انداز آینده اوپک را ضروری می‌سازد. به نظر می‌رسد یک راهبرد سه‌شاخه‌ای می‌تواند اوپک را در مواجهه با چالش یادشده کمک کند. سرمایه‌گذاری مناسب در ظرفیت‌های تولید نفت همراه با توسعه فناوری‌های حبس، ذخیره (Carbon capture and storage (CCS)) و استفاده از کربن منتشرشده در تولید و مصرف نفت و گاز؛

افزایش کارآیی انرژی و متنوع‌سازی اقتصاد کشورهای

ثبات و پایدار برای توسعه اقتصادی حائز اهمیت است. نفت هنوز بالاترین سهم را در میان حامل‌های انرژی دارد و بزرگ‌ترین کالای تجاری در جهان است و اوپک می‌تواند با اتخاذ راهبردی مؤثر و واقع‌بینانه به ایفای نقش مهم خود برای ثبات بازار ادامه دهد.

چالش‌های آینده اوپک

اوپک برای تداوم اثرگذاری بر بازار نفت و انرژی و حتی حیات خود با چالش‌های بزرگی روبه‌روست. یکی از بزرگ‌ترین این چالش‌ها تغییرات اقلیمی ناشی از تولید و مصرف سوخت‌های فسیلی است که به موجودیت و بقای اوپک ارتباط می‌یابد. به نظر می‌رسد در سال‌های آینده جامعه جهانی به‌طور اجتناب‌ناپذیری کاهش تولید و مصرف زغال‌سنگ، نفت و حتی گاز طبیعی در بخش‌های حمل‌ونقل و ساختمان را در اولویت سیاست‌گذاری خود قرار دهد. با افزایش روزافزون نشانه‌های تغییرات اقلیمی حفظ محیط‌زیست اهمیت بیشتری یافته و تلاش‌های جهانی برای کارآمدتر کردن مصرف انرژی در وسایط نقلیه و ساختمان‌ها و انتقال از مصرف حامل‌های انرژی‌های فسیلی مانند زغال‌سنگ، نفت و گاز طبیعی به حامل‌های انرژی از منابع تجدیدشونده افزایش می‌یابد. برخی کارشناسان اظهارنظر کرده‌اند که اگر قرار باشد افزایش میانگین دمای کره زمین در ۳۰ سال آینده به کمتر از ۱٫۵ درجه سانتی‌گراد محدود شود لازم است مصرف سوخت‌های فسیلی و به‌ویژه زغال‌سنگ و تا حدود زیادی نیز نفت به‌شدت کاهش یابد و حتی به صفر برسد. بسیاری

می‌آید. به عبارت دیگر، چنانچه اوپک وجود نداشت با تداوم تولید کشورهای عضو اوپک و کشورهای متعهد (شرکت‌کنندگان در اعلامیه همکاری) در حداکثر ظرفیت تولید، اکنون جهان شاهد مازاد عظیم عرضه نفت نسبت به تقاضا و سقوط قیمت نفت به قیمت‌های بسیار پایین بود که نه‌تنها به ضرر تولیدکنندگان، بلکه برخلاف منافع بلندمدت مصرف‌کنندگان نیز بود. در حالی که همان‌طور که گفته شد گزارش‌های کمیته مشترک وزیران کشورهای رصد بازار اوپک و کشورهای شرکت‌کننده در اعلامیه همکاری حکایت از اجرای حدود ۹۰ درصدی تصمیم این گروه در کاهش تولید ۹ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه‌ای در روز و تلاش برای رساندن آن به ۱۰۰ درصد دارد. باید توجه کرد در بازار جهانی نفت بازیگری مانند اوپک هنگامی بازیگری کلیدی باقی می‌ماند که بتواند خود را با شرایط متغیر در عرضه و تقاضای نفت تطبیق دهد. این مستلزم وسعت بخشیدن به چشم‌انداز سازمان و داشتن راهبردی برای باقی ماندن در فعالیت‌های بالادستی با حفظ برتری رقابتی تولید در مقایسه با تولیدکنندگان دیگر است. از طریق اجرای چنان راهبردهایی است که تصمیم‌های اوپک می‌تواند تأثیر بزرگی بر اقتصاد جهانی و رفاه مصرف‌کنندگان انرژی در کشورهای دنیا داشته باشد. از آنجا که حفظ ظرفیت مازاد کافی اوپک برای ثبات بازار اساسی است، چالش بزرگ اوپک نه رکود اقتصادی و کمبود تقاضا، بلکه رونق اقتصادی و کمبود ظرفیت به خاطر نبود سرمایه‌گذاری لازم است. انرژی برای زندگی بشر و فعالیت اقتصادی و امنیت ملی لازم‌الزامی و عرضه انرژی در یک محیط با

برای رصد بازار نفت (JMMC, Joint Ministrial Monitoring Committee) که در پانزدهم ژوئیه ۲۰۲۰ ارائه داد از اجرای ۸۷ درصدی کاهش تعیین‌شده تولید در ماه مه و در عین حال پشتیبانی همه کشورهای شرکت‌کننده در توافق برای اجرای ۱۰۰ درصدی توافق دوازدهم آوریل ۲۰۲۰ خبر داد. همچنین مقرر شد کشورهایی که قادر به تطبیق تولید خود با رقم تعیین شده نبوده‌اند در ماه‌های آینده با تعدیل بیشتر تولید خود این عقب‌افتادگی از توافق را جبران کنند. با وجود افزایش بی‌سابقه روزانه ۲۹ میلیون بشکه‌ای به ذخیره‌سازی‌های نفت کشورهای صنعتی در سه ماه آوریل، مه و ژوئن ۲۰۲۰ (در مجموع ۲۷۰ میلیون بشکه) زمینه‌های ثبات بازار نفت با افزایش نسبی تقاضا نسبت به سه ماه گذشته و نیز کاهش تدریجی ذخیره‌سازی‌های نفت روی آب پدیدار شده است. در هر حال از آنجا که تقاضا برای نفت اوپک امسال حدود روزانه ۲۳ میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه برآورد می‌شود که حدود روزانه ۵ میلیون و ۹۰۰ هزار بشکه کمتر از پارسال است، معلوم می‌شود که اوپک سیاست تعدیل تولید خود و کشورهای متعهد را تا زمانی که اقتصاد جهانی به شرایط عادی بازنگشته است ادامه دهد.

ضرورت وجود اوپک و تبعات بازار نفت بدون اوپک

بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران بازارهای نفت به این نکته اشاره کرده‌اند که بدون اوپک بازار نفت در معرض تلاطم‌ها و بی‌ثباتی بیشتری می‌بود. از آنجا که تلاطم‌های شدید قیمت نفت تبعات منفی دارد بنابراین وجود و تصمیم‌های اوپک برای حفظ ثبات بازار نفت ازسوی اوپک ارزش زیادی برای اقتصاد جهانی ایجاد می‌کند. ظرفیت مازادی که اوپک نگهداری می‌کند اهمیت به مراتب بیشتری نسبت به ظرفیت نفت شیل آمریکا در جذب شوک‌ها و حفظ ثبات بازار نفت دارد، زیرا بخش بزرگی از نفت شیل آمریکا قادر به ادامه تولید در زیر قیمت‌های ۴۰ دلاری نفت نیست، اما اوپک به‌طور میانگین قادر به تولید نفت در قیمت‌های حدود ۲۰ دلار به ازای هر بشکه است، بنابراین در اصل تولیدکنندگان غیرعضو اوپک قادر به تولید در قیمت‌های پایین نیستند، اما اوپک قادر به ادامه تولید در این قیمت‌هاست. در هر حال اوپک به‌منظور استمرار تولید در بلندمدت با حفظ ظرفیت مازاد تولید و حفظ قیمت در سطحی که برای دیگر تولیدکنندگان نیز امکان تولید و فروش نفت داشته باشند به ثبات بازار نفت کمک می‌کند. از این نظر ظرفیت مازاد اوپک مانند حائل و ضربه‌گیری برای شوک‌های واردشده بر اقتصاد جهانی است و بدون اوپک این شوک‌ها به مراتب ویرانگرتر می‌بود.

در تجربه سال‌های اخیر ملاحظه می‌کنیم که تأثیر همکاری اوپک و کشورهای تولیدکننده نفت غیرعضو اوپک در چارچوب «اعلامیه همکاری» Declaration of Cooperation قابل توجه بوده است، زیرا به تعادل بازار سریع‌تر از گذشته کمک کرد. در عین حال نباید فراموش کرد که کاهش قابل توجه عرضه نفت ازسوی اوپک در شرایطی که ظرفیت تولید ایجاد شده است در واقع افزایش مازاد ظرفیت تولید اوپک به شمار

سیاسی بعضی از این کشورها را به شدت بی ثبات کند و هزینه‌های اجتماعی قیمت نفت را افزایش دهد. انجام اصلاحات اقتصادی و متنوع کردن اقتصادی از طریق توسعه صنایع جایگزین و فعالیت‌های تولیدی جدید شاید یک راه حل گریز از این شرایط به شمار آید، اما باید توجه داشت که این اقدام‌ها

«در نظم نوین حاکم بر بازار نفت این احتمال که مقدار زیادی از نفت خام موجود در جهان نتواند استخراج شود به شدت افزایش می‌یابد و تولیدکنندگان نفت دارای هزینه کمتر، دارای این انگیزه خواهند بود که برای به دست آوردن سهم بیشتر از بازار نفت، تولیدکنندگان دارای هزینه تولید بیشتر را از بازار حذف کنند»

بسیار زمان بر است و در کوتاه مدت و میان مدت اثربخش نخواهد بود.

به نظر می‌رسد راه حل بهینه برای کشورهای صادرکننده نفت در عصر فراوانی، افزایش تولید نفت و حرکت به سمت راهبرد سهم بازار (تولید بیشتر و قیمت کمتر) خواهد بود که تحقق آن مستلزم تلاش برای انجام اصلاحات اقتصادی مناسب، کارا و اثربخش در این اقتصادهاست. در این میان برخی از کشورها مانند روسیه و عربستان با درک شرایط حاکم بر بازار نفت گام‌های مناسبی را در این زمینه برداشته‌اند. روسیه در سال‌های اخیر با انجام اصلاح نظام مالیاتی، پیاده‌سازی یک قاعده مالی و اجرای سیاست پولی هدف گذاری توری در شرایط نرخ‌های ارز شناور تلاش کرده است تا اصلاحات اقتصادی مناسبی را برای افزایش تاب آوری در برابر کاهش قیمت‌های نفت ایجاد کنند و به تدریج به سمت سیاست‌های کسب سهم بازار حرکت کنند. عربستان نیز در سال‌های اخیر اصلاحات اقتصادی مناسبی را اجرایی و تلاش کرده است ضمن سرمایه گذاری برای تکمیل زنجیره تأمین نفت با تمرکز بر توسعه بخش پتروشیمی و گاز در ابعاد بین‌المللی خود را در برابر فرآیند گذار از سوخت‌های فسیلی ایمن کند، اما به نظر می‌رسد عربستان با توجه به وابستگی به آمریکا به عنوان یک قربانی اصلی راهبرد کسب سهم بازار چندان در این جهت حرکت نکرده است و بیشتر در مسیر حذف صادرکنندگان بزرگ بازار نفت مانند ایران و ونزوئلا و ایجاد فضای بیشتر برای تولید و صادرات نفت آمریکا حرکت می‌کند.

کوتاه کلام آنکه بقای اوپک در دهه‌های آینده مستلزم درک صحیح تغییرهای ساختاری عمیق ایجاد شده در بازار نفت در عصر فراوانی نفت است. کشورهای عضو این سازمان باید هر چه سریعتر برای اجرای اصلاحات ساختاری و متنوع سازی اقتصادهای خود برنامه ریزی و اقدام کنند تا زمینه اجرای راهبرد به دست آوردن سهم بازار (افزایش تولید حداکثری) در زمان کوتاه تری مهیا شود. غفلت و کم کاری در این باره نه تنها شرایط بسیار سختی را از منظر سیاسی و اقتصادی برای کشورهای صادرکننده نفت ایجاد خواهد کرد، بلکه سبب می‌شود بخشی از ذخایر نفت این کشورها برای استخراج غیر اقتصادی شوند و تا ابد زیر زمین باقی بمانند. شاید باز هم باید این جمله زکی یمانی، وزیر نفت پیشین عربستان را یادآوری کرد: «عصر سنگ به دلیل کمبود سنگ به پایان نرسید و عصر نفت نیز مدت‌ها پیش از آنکه جهان با اتمام نفت روبه رو شود به پایان خواهد رسید».

کم هزینه در فضایی رقابتی به دنبال حداکثر کردن سهم بازار خود نبودند و تلاش می‌کردند تا با جیره بندی عرضه قدرت خود را اعمال و منافع خود را حداکثر کنند. در این ساختار فکری تصور بر این بود که ارزش نفت در حال افزایش است بنابراین نفت یک دارایی میان نسلی است و نسبت ذخیره سازی به تولید، نشان از قدرت و عدالت میان نسلی کشورها بود.

اما تحولات دهه گذشته در بازار نفت ساختار فکری فوق را به طور جدی به چالش کشید. کاهش رشد تقاضای نفت جهان در سال‌های اخیر و انتظار تداوم آن به دلیل توسعه فناوری‌هایی مانند خودروهای الکتریکی و کاهش همزمان هزینه تولید انرژی‌های تجدیدپذیر به همراه افزایش فشار مجامع بین‌المللی برای اعمال استانداردهای محیط زیستی از یک سو سبب شده است شرکت‌ها و کشورهای بزرگ نفتی جهان نگرانی شدیدی درباره اوج تقاضای نفت در دهه‌های پیش رو داشته باشند. از سوی دیگر مقدار عرضه نفت از منابع غیر مرسوم به ویژه در آمریکا طی یک دهه گذشته رشد قابل توجهی را تجربه کرده است و انتظار می‌رود این روند در سال‌های آینده ادامه داشته باشد. این تغییرات ساختاری در بخش عرضه و تقاضای نفت سبب شده است تا دهه ششم عمر اوپک همزمان با شکست تفکر سنتی بازار نفت و عبور جهان از عصر کمپایی به فراوانی شود.

یکی از پیامدهای مستقیم این شرایط باقی ماندن قیمت‌های نفت در سطوح پایین تر در بلندمدت است. در نظم نوین حاکم بر بازار نفت این احتمال که مقدار زیادی از نفت خام موجود در جهان نتواند استخراج شود به شدت افزایش می‌یابد و تولیدکنندگان نفت دارای هزینه کمتر، دارای این انگیزه خواهند بود که برای به دست آوردن سهم بیشتر از بازار نفت، تولیدکنندگان دارای هزینه تولید بیشتر را از بازار حذف کنند و بازار نفت را به سمت یک ساختار رقابتی هدایت کنند بنابراین در این ساختار این تصور وجود ندارد که ارزش نفت در حال افزایش خواهد بود بنابراین نسبت ذخیره به تولید نفت کشورها نشان قدرت آنها نیست. چه بهتر که دارایی‌های شما در بانک باشد تا در زیر زمین. در این چارچوب جنگ برای سهم بازار میان تولیدکنندگان کم هزینه تشدید خواهد شد و میزان رانتی که این کشورها از محل فروش نفت به دست می‌آوردند محدود می‌شود و این موضوع به نفع کشورهای مصرف کننده خواهد بود که می‌توانند از قیمت‌های پایین تر نفت بهره برند.

البته پیگیری راهبرد به دست آوردن سهم بازار (تولید بیشتر و قیمت کمتر) به جای راهبرد جیره بندی برای کشورهای صادرکننده نفت بسیار پرهزینه است. نخستین مستلزم صرف منابع قابل توجه مالی برای سرمایه گذاری در این بخش است. بحث مهم دیگر کاهش درآمدهای نفتی برای این دسته از کشورهاست که وابستگی شدیدی در تراز مالی و تجاری خود به درآمدهای نفتی دارند. کاهش درآمدهای نفتی برای این کشورها منجر به کسری بودجه و ناتوانی دولت‌ها برای ارائه خدمات سلامت و آموزش و تأمین اجتماعی خواهد شد. افزون بر این کاهش درآمدهای ارزی سبب می‌شود قیمت ارز و کالاهای وارداتی در این کشورها به شدت افزایش یابد و رکود و تورم و کاهش رفاه اقتصادی را به دنبال داشته باشد. این مسائل می‌تواند ساختار

اوپک به جرأت یکی از دیر باترین سازمان‌هایی است که از سوی کشورهای جهان سومی تشکیل شده است. طی ۶ دهه سپری شده از عمر این سازمان، ناکامی‌ها و موفقیت‌های فراوانی رقم خورده و این سازمان توانسته از گردنه‌های هولناکی عبور کند اما در این میان بدون تردید دوره ۵۰ تا ۶۰ سالگی یکی از سخت ترین دوره‌ها بوده است. طی این دهه شاهد کاهش چشمگیر و همزمان قیمت‌های نفت و سهم بازار اوپک در بازار جهانی نفت بودیم. میانگین قیمت ماهانه سبد نفت خام اوپک در سپتامبر ۲۰۱۱ برابر با ۱۰۷ دلار و ۶۱ سنت برای هر بشکه بود که در ماه اوت ۲۰۲۰ به ۴۵ دلار و ۱۹ سنت به ازای هر بشکه رسید. تقاضا برای نفت خام اوپک نیز در سال ۲۰۱۱ میلادی روزانه ۳۰ میلیون بشکه بود که در سال ۲۰۱۹ میلادی به ۲۹ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است. البته کاهش تقاضای نفت در سال ۲۰۲۰ میلادی به دنبال شیوع ویروس کرونا سبب شده است تقاضای برای نفت خام اوپک به سطح بسیار پایین ۲۳ میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در روز نیز برسد. در این میان طی دهه یادشده تقاضای نفت روزانه ۱۱ میلیون بشکه افزایش داشت که به طور کامل توسط کشورهای غیر اوپک (بخوانید آمریکا) جذب شد. تولید نفت کشورهای غیر عضو اوپک از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹ میلادی از ۵۴ به ۶۵٫۱ میلیون بشکه در روز افزایش داشته است. کنار هم قرار دادن این شاخص‌ها برای اوپک به خوبی نشان می‌دهد که اوپک در دهه ششم عمر خود عملکرد ضعیفی را از خود به جای گذاشته است. گزارش چشم انداز میان مدت بازار نفت دبیرخانه اوپک نشان می‌دهد که روند کاهش سهم بازار اوپک در میان مدت ادامه خواهد داشت.

جدای از بحث‌های کاهش تولید اجباری برخی اعضای اوپک مانند ایران، ونزوئلا و لیبی به دلیل تحریم‌های آمریکا و ناآرامی‌های داخلی که فرصت مناسبی را برای بعضی از کشورهای عضو و غیر عضو اوپک برای تصاحب سهم بازار آنها فراهم کرد، یکی از مهمترین دلایل روند اشاره شده در بالا یک تغییر ساختاری عمیق در بازار نفت بوده که علائم ظهور آن به وضوح در دهه ششم عمر اوپک ظاهر شد و آن چیزی نبود جز گذار از عصر کمپایی و ورود به عصر فراوانی نفت. موضوعی که به نظر می‌رسد هنوز به درستی از سوی کشورهای عضو اوپک درک نشده و راهبرد مناسبی برای مقابله با آن اتخاذ نشده است.

به نظر می‌رسد اوپک همچنان درگیر رویکرد قدیمی به بازار نفت در عصر کمپایی است که از دهه ۱۹۷۰ میلادی بر بازار نفت حاکم بود. در این دوران همواره بحث بر سر کمبود عرضه نفت خام در جهان و رسیدن به اوج عرضه نفت بودیم. این باور در میان تولیدکنندگان نفت جهان وجود داشت که نفت به سرعت در حال تبدیل شدن

به یک منبع کمیاب است بنابراین هر یک بشکه نفت خامی که امروز تولید نمی‌شد می‌توانست فردا تولید شود و باقیمت بیشتری فروخته شود. باین تفکر بیشتر تولیدکنندگان عرضه نفت خود را جیره بندی کردند. بنابراین در بازار نفت شاهد آن بودیم که تولیدکنندگان کم هزینه و پرهزینه همزمان در بازار نفت فعال بودند و دلیل اصلی آن این بود که تولیدکنندگان نفت

اوپک؛ ورود به عصر فراوانی

■ محمد امینی
تحلیل گر نفت

به نظر می‌رسد راه حل بهینه برای کشورهای صادرکننده نفت در عصر فراوانی، افزایش تولید نفت و حرکت به سمت راهبرد سهم بازار خواهد بود که تحقق آن مستلزم تلاش برای انجام اصلاحات اقتصادی مناسب، کارا و اثربخش در این اقتصادهاست

آمادگی اوپک برای رویارویی با چالش‌های جدید

بارکیندو، دبیرکل اوپک در این باره گفته است: اغلب به شرایط آن روز در بغداد می‌اندیشم، به اینکه دوراندیشان موسس اوپک آینده اوپک و صنعت نفت را چگونه مجسم می‌کردند. آنچه واضح است این است که آینده ثابت کرد که اقدام آن روز امتحانش را در طول زمان پس داده است. اوپک هنوز همان اهداف اصلی نظم و ثبات در بازارهای جهانی نفت را دارد اما نقش این سازمان از نظر همکاری بیشتر با دیگر تولیدکنندگان، گفت‌وگو با ذینفعان صنعت و در نظر گرفتن نگرانی‌های انسانی مانند توسعه پایدار، محیط زیست و ریشه کن کردن فقر انرژی گسترده‌تر شده است. شصتمین سالروز اوپک فرصتی برای انعکاس و قدردانی از تلاش همه کسانی که در طول تاریخ این سازمان بسیار تلاش کردند تا اوپک را به این موفقیت چشمگیر برسانند. این افراد شامل رؤسای دولت‌ها، وزیران، نمایندگان هیئت‌های عامل و دیگر کارشناسان سطح بالای خارج و داخل دبیرخانه، دبیرکل‌ها، مدیریت و کارکنان همه رشته‌های مرتبط می‌شود. تعهد، پشتکار و فداکاری همه آنها با وجود فراز و نشیب‌های بسیار اوپک و کشورهای عضو آن، سبب پیشرفت این نهاد بین‌المللی شده است. ۱۴ سپتامبر فرصتی است تا بار دیگر اوپک از اتریش و شهر وین، که از زمان انتقال اوپک به این شهر بزرگ و تاریخی در ۵۵ سال گذشته، میزبان گرم و سخاوتمند دبیرخانه بوده است، تشکر و قدردانی کند. عراق، شهر بغداد و تالار الشعب برای بزرگداشت ۶۰ سالگی اوپک برنامه‌هایی از قبیل موسیقی و فعالیت‌های فرهنگی را ترتیب داده است که برگزاری آن به بیماری همه‌گیر کرونا بستگی دارد. جزئیات بیشتر این برنامه به محض دسترسی اعلام می‌شود.

با نگاه به جلو، سازمان آماده است تا با ورود به دهه ۷۰ سالگی، با چالش‌های بسیاری روبه‌رو شود. ما همچنان - هم به نفع تولیدکنندگان و هم مصرف‌کنندگان - بر بازار متعادل و پایدار نفت متمرکز هستیم که به‌تازگی در توافقنامه همکاری و توافق کاهش تولید تاریخی سال ۲۰۲۰، ارتقای بیشتر گفت‌وگو و همکاری از طریق منشور همکاری، ارائه گزینه‌ها و راه‌حل‌هایی برای بعضی از چالش‌های مهم بشریت، مانند توسعه پایدار و کاهش فقر انرژی به نمایش گذاشته شده است.

■ دبیرخانه اوپک

چهاردهم سپتامبر ۲۰۲۰ روز بسیار ویژه‌ای برای سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) است. روز جشن ۶۰ سالگی این سازمان. ۶ دهه پیش بعید به نظر می‌رسید که این سازمان به سطحی که امروز در عرصه انرژی جهانی دارد، برسد. در آن زمان در بغداد، پنج نماینده کشورهای موسس اوپک، خوان پابلو پرز آلفونزو از ونزوئلا، عبدالله الطریقی از عربستان سعودی، طلعت الشیبانی از عراق، فواد روحانی از ایران و احمد سید عمر از کویت در سالن الشعب بغداد گردهم آمدند تا اوپک را تاسیس کنند. با توجه به شرایط آن زمان، گردهم آمدن اعضای موسس این سازمان، در شرایطی که صنعت نفت تحت سلطه شرکت‌های بزرگ نفتی بود و این امر در ساختار و رفتار آنها نیز منعکس بود؛ اقدامی قهرمانانه و پیشگامانه به شمار می‌آمد. رویداد مهم «کنفرانس بغداد»، شاهد گردهمایی این پنج دوراندیش بود که با هدف همکاری و با نیاز به نوشتن داستان خود دور هم جمع شدند. پرز آلفونزو پس از این نشست گفته بود: «اکنون متحد شده‌ایم. در حال رقم زدن تاریخ هستیم.» ثابت شد که چقدر این سخنان ژرف بودند. در دهه ۱۹۶۰، اوپک با شجاعت، پایداری و کوشش خود اساسنامه‌ای را تدوین کرد که امروز هم پابرجاست. این اساسنامه در ۶ نوامبر سال ۱۹۶۲ در قطعنامه شماره ۶۳۶۳ سازمان ملل متحد و در دبیرخانه سازمان ملل متحد (UN) ثبت شد و به تصمیم‌های برجسته‌ای مانند «بیانیه سیاست نفت در کشورهای عضو» در سال ۱۹۶۸ و گسترش عضویت در اوپک انجامید. شصت سال بعد، سازمانی که امروز ۱۳ کشور عضو دارد، اکنون به بخشی جدایی‌ناپذیر از جامعه جهانی انرژی و سیستم چند جانبه تبدیل شده است. از این سازمان به‌طور گسترده درباره امور صنعت نفت مشورت گرفته می‌شود. همچنان متعهد به تأمین منابع امن و ثابت، و بازدهی عادلانه برای سرمایه‌گذاران است. کشورهای عضو، بخش‌های داخلی نفت خود را در کل زنجیره ارزش اداره می‌کنند و این سازمان فعالیت‌های خود را به پرداختن به مسائل مربوط به کل بشریت گسترش داده است. محمد سانوسی

اوپک و نگاه به آینده

■ محمد سانوسی بارکیندو

دبیرکل اوپک

جهان در ماه‌های مارس و آوریل سال ۲۰۲۰ میلادی با بزرگ‌ترین شوک تقاضای نفت در حافظه زنده بشر روبه‌رو شد. در روزهای آوریل امسال، مقدار تقاضا برای نفت خام نسبت به سطح تقاضا در سال ۲۰۱۹ میلادی روزانه ۲۳ میلیون بشکه کاهش یافت، قیمت نفت خام شاخص دلیوتی‌آی آمریکا برای تحویل در ماه مه در معاملات آتی بازار نفت بیستم آوریل منفی شد و به نظر می‌آمد اقتصاد جهانی در ورطه نابودی قرار گرفته باشد، همه تولیدکنندگان نفت جهان تحت تأثیر قرار گرفتند و هیچ کس در امان نبود.

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و تولیدکنندگان غیر عضو اوپک در توافقنامه همکاری (DoC) با قطعیت و سرعت برای مقابله با لرزه‌های به وجود آمده عمل کردند تا با بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین تعدیل‌های داوطلبانه تولید نفت در طول تاریخ صنعت نفت، دوباره ثبات را به بازار برگردانند، این اقدام حتی با حمایت گسترده‌ای جهانیان حتی از سوی کاخ سفید روبه‌رو شد. این تصمیم به نفع همه تولیدکنندگان، از جمله شرکت‌های بزرگ نفتی و تولیدکنندگان مستقل در حوضه‌های پرمین، باکن و ایگل فورد ایالات متحده آمریکاست. این اقدام همچنین حمایت مصرف‌کنندگان عمده جهان مانند هند را نیز در پی داشت و زمینه را برای بهبود و رشد در آینده با هدف تأمین سرمایه‌های لازم برای برآورده کردن نیازهای آینده مصرف‌کنندگان فراهم کرد. به دلیل تعدیل داوطلبانه تولید نفت، شاهد احیای اقتصادهای جهان، افزایش سفرها و بهبود اوضاع بازارهای جهانی نفت خام هستیم. با این وجود، اقتصاد جهانی هنوز شرایط نامطمئنی دارد و انتظار نمی‌رود تقاضای برای نفت خام در بازارهای جهانی تا پیش از سال ۲۰۲۱ میلادی به سطوح ثبت شده در سال ۲۰۱۹ میلادی برسد اما توافقنامه همکاری تولیدکنندگان عضو و غیر عضو اوپک نشان از این دارد که هر اقدامی برای اطمینان از برقراری تعادل و ثبات بازار نفت در نظر گرفته می‌شود.

بنیان اقدام‌های قاطع اوپک و توافقنامه همکاری کشورهای عضو و غیر عضو این سازمان در سال ۲۰۲۰ میلادی را می‌توان در ۶۰ سال پیش، زمانی که اوپک در ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۰ در بغداد تاسیس شد، جست‌وجو کرد. ۶ دهه به تنهایی یک موفقیت مهم برای سازمانی در کشورهای

در حال توسعه است و دستاوردی برای بازار کالای بی‌ثبات یعنی نفت خام. از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی شاهد هفت دوره اصلی در بازارهای جهانی نفت بوده‌ایم، از جمله آخرین مورد در سال ۲۰۲۰، که هر کدام از این دوران با بی‌ثباتی شدید و ناگهانی همراه بود و بازار نفت و توسعه اقتصادی جهانی را تهدید کرده است. در طول تاریخ اوپک همیشه یک اصل تکراری وجود داشته است که از دهه‌ها فراتر رفته و کار این سازمان را برای حمایت از ثبات پایدار بازار نفت هدایت کرده است و آن اصل «همکاری» نام دارد. توافقنامه کشورهای عضو و غیر عضو اوپک زمینه‌ای بوده است که براساس تلاش‌های پیشین اوپک برای همکاری شکل گرفته و با تأیید منشور همکاری (DoC) در سال ۲۰۱۹ میلادی چارچوبی مکمل برای آینده ایجاد کرده است. سیر رو به جلو که منشور همکاری را پشتیبانی می‌کند به این معناست که این منشور زمینه‌ای مهم برای کشورهای حاضر نه تنها در کمک به حفظ ثبات پایدار بازار نفت، بلکه در تکامل آینده نفت و همه انرژی‌ها در مقوله انتقال انرژی به شمار می‌آید. اوپک از همه ذینفعان می‌خواهد با هم کار کنند، راه‌حل‌های پایدار پیدا کنند و اقدام‌های مناسب را برای کمک به حفظ تعادل و ثبات در بازار نفت بیابند، اطمینان از تأمین تقاضای انرژی در آینده حاصل کنند و باسـخـگـوی چالش تغییرات آب و هوایی باشند. چالش‌های انرژی سیاره ما به رویکردهای جامع و انعطاف‌پذیر نیاز دارد - هیچ منبع انرژی، درمانی برای تمام مشکلات نیست - و ما باید به دنبال پیشرفت بیشتر فناوری‌های پاک‌تر و کارآمدتر در همه انرژی‌های موجود باشیم. ما باید قدر تفاوت‌های ظریف در این سیاره را بدانیم و نیازهای مردم را در زمینه رفاه اجتماعی، به ویژه فقر انرژی، اقتصاد و محیط زیست متعادل کنیم.

با نگاه به آینده، اوپک بار دیگر بر اعتقاد راسخ خود به ارزش گفت‌وگو و همکاری گسترده‌تر و عمیق‌تر تأکید دارد. ما برای همکاری با همه ذینفعان همواره روی باز داریم، باید با هم صحبت کنیم و نه اینکه در مقابل هم باشیم. ما باید با هم تلاش کنیم تا رشد، توسعه و شکوفایی پایدار را نه تنها برای نسل خود، بلکه برای فرزندان و فرزندان فرزندانمان تضمین کنیم.



ریشه‌های تشکیل اوپک در ایران

اگر چه تأسیس رسمی سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) به سال ۱۹۶۰ میلادی باز می‌گردد، اما بسیاری از تحلیلگران در ریشه‌یابی طرح‌های اولیه تأسیس این سازمان به ملاقات‌های رسمی ونزوئلا در سال ۱۹۴۹ میلادی از کشورهای ایران، عراق، کویت و عربستان اشاره می‌کنند. منوچهر فرمانفرمایان که در این ایام مدیرکل اداره نفت، امتیازات و معادن بود در کتاب «خون و نفت» که به سرگذشت زندگی‌اش اختصاص دارد، به ماجرای ملاقات با این هیئت ونزوئلایی اشاره می‌کند. در این مطلب به خلاصه‌ای از اتفاق‌های پیرامون این رویداد تاریخی به قلم نویسنده کتاب پرداخته شده است. روزی در اواسط آبان‌ماه سال ۱۹۵۹ میلادی، گلشائیان مرا به دفترش احضار کرد و تلگرافی را به دستم داد. تلگراف از سفیر حسین علاء بود که به‌عنوان نماینده ما در واشنگتن به‌تازگی به چهار ونزوئلایی که مایل بودند به‌صورت یک هیئت نفتی از ایران دیدن کنند، روایت داده بود. تلگراف حاکی از آن بود که علاء دستورهایی را درباره اینکه به آنها روایت ندهد نادیده گرفته بود.

برای مدتی سکوت برقرار شد. سپس گلشائیان با لحنی تند و به اختصار گفت: من وقت ندارم آنها را ببینم. این سفیران از تعطیلات طولانی در خارجه برخوردارند و تصور می‌کنند ما هم همین‌طوریم. من با جسارت گفتم: اما قربان، اینها کارشناس نفتی هستند و حکم رسمی مأموریت دارند. به هیچ‌وجه نمی‌خواهید آنان را ببینید؟ در حالی که با دست اشاره می‌کرد که بروم، بی‌درنگ جواب داد: فقط برای چند دقیقه. شما از آنان مراقبت کنید.

باورم نمی‌شد ونزوئلا برای بقیه کشورهای تولیدکننده به‌صورت یک سرمشق درآمده بود. پرز آلفونسو به یک قهرمان تبدیل شده و معاملاتی که وی انجام داده بود، با اینکه جزئیاتش برای ما نامشخص بود، آرزوهای خود ما را بیان می‌کرد.

مانمی‌دانستیم که ونزوئلایی‌ها مایل‌اند این جزئیات را در اختیار ما قرار دهند. معاملات شگفت‌انگیز آنها یک اثر منفی هم داشت: حالا نفت ونزوئلا نسبت به قیمت پایین‌نگه‌داشته‌شده نفت خام خاورمیانه، گران‌تر بود. این دیدار برای هر دو طرف مغتنم بود و من نگران بودم که گلشائیان از انتقام انگلیسی‌ها چنان احساس نگرانی کند که یک بار دیگر راه احتیاط در پیش گیرد.

برای استقبال از گروه ونزوئلایی به فرودگاه رفتم. وزارت امور خارجه، برخلاف تشریفات، کسی را نفرستاده بود و هیچ یک از خدمات مرسوم را که به‌طور معمول برای مقام‌های مهمان در نظر می‌گرفت، به عمل نیاورده بود. من این کار را بی‌حرمتی می‌دانستم و بر آن شدم هر کاری که از دستم برمی‌آید انجام دهم تا دیدار آنان دلپذیر شود. دکتر ادموندو لونگو کابلو ریاست هیئت را به‌عهده داشت. ایشان قائم‌مقام وزیر صنایع هیدروکربنی و معادن و مردی بود شیطان با خنده‌های تند که تمایزش به ذکر اشعار به اندازه من زیاد بود. همراهان هاش دکتر آی. مونزانو، سفیر ونزوئلا در رم، مردی جدی و با فرهنگ که معلوم بود حضورش در هیئت به دلیل این است که به آن جلوه‌ای دیپلماتیک بدهد و دکتر مونزالو کازادو، استاد حقوق نفت و معدن بودند که بعدها رئیس دادگاه عالی ونزوئلا شد. نفر چهارم یک منشی بود که چمدان بزرگی را به زور می‌کشید. ونزوئلایی‌ها گفتند چمدان پر از اسنادی است که به دو زبان انگلیسی و عربی ترجمه شده، زیرا آنان امیدوار بودند در عربستان سعودی، کویت و عراق هم توقیفی داشته باشند.

سر راهمان به هتل، دکتر لونگو کابلو توضیح داد که این تنها یک دیدار غیررسمی و دوستانه است. ونزوئلا بر این عقیده بود که زمان

آن فرارسیده که یک تبادل نظر غیررسمی میان کشورهای تولیدکننده نفت آغاز شود. او گفت: شرکت‌ها مرتب با هم گفت‌وگو می‌کنند. ما هم باید همین کار را بکنیم. اکنون ما هیچ کدام تبادل اطلاعاتی نداریم، انگار که جزایر تنهایی هستیم. این وضع باید تغییر کند. هر چه ما بیشتر از یکدیگر مطلع شویم، موقعیتمان بهتر است. مونزانو لحظه‌ای چشم از پنجره برداشت و گفت: این خیلی مؤثر است. پیش از این، هیچ ونزوئلایی به‌طور رسمی به خاورمیانه فرستاده نشده بود. این نخستین تماس ما با جایی است که دارد به مرکز نفت خام دنیا تبدیل می‌شود. برخلاف شما که دور و برتان را برادران نفتی گرفته‌اند، ما در نیمکره غربی هستیم. بعد با شادمانی خندید. ما آمده‌ایم که به خانواده ملحق شویم.

در طول راه به هتل دربند، هر یک از آنها به نوبت خاطر نشان ساختند که به هیچ‌وجه نمی‌خواهند اسباب زحمت دولت ما با شرکت نفت انگلیس و ایران شوند. قدم نخست این بود که ببینیم در چه مواردی می‌توانیم با هم گفت‌وگو کنیم. دولت ونزوئلا مایل بود درباره فعالیت‌های نفتی‌اش، هر اطلاعاتی که به گمان ما می‌توانست برایمان مفید باشد، در اختیارمان قرار دهد.

پس از اسکان آنها در هتل و در مسیر بازگشت به اداره به آنچه آنان گفته بودند می‌اندیشیدم. اعراب خلیج‌فارس همسایگان ما بودند، اما ما همیشه آنها را دشمن قلمداد می‌کردیم تا اهل خانواده. تقریباً با صدای بلند خندیدیم. بی‌گمان این برادران

از هر اطلاعاتی که با آنان مبادله

می‌کردیم، علیه ما استفاده

می‌کردند. به‌ویژه عراق

بی‌رحم بود، توی چند

متر جا در ساحل شط

العرب به ما فشار

می‌آورد و شرکت

نفت انگلیس و ایران

نیز به بی‌اعتمادی بین ما

دامن می‌زد. نمی‌توانستم

آنان را شریک و همراه تصور

کنم اما ونزوئلایی‌ها منظوری

داشتند. همه ما در یک‌طرف بودیم؛

همه ما در صنعت مشترکی سهیم بودیم. بدگمانی ما نسبت به هم به خاطر نداشتن تماس، تشدید شده بود. پیش خودم از سفیر علاء، به خاطر آنکه از دستورات ما سرپیچی کرده بود تشکر کردم. چقدر همه ما را ترسانده بودند، چقدر داخل مرزهایمان تنها و هراسناک بودیم. آنچه ونزوئلایی‌ها پیشنهاد می‌کردند، انقلابی بود و دولت انگلیس را دیوانه می‌کرد.

وقتی به گلشائیان گفتم آنها رسیده‌اند، با ناراحتی گفت: خوب چه می‌خواهند؟ می‌گویند برای چه به اینجا آمده‌اند؟

می‌خواستم سرش فریاد بزنم و بگویم: از رابط‌های انگلیسی‌ات بپرس! در عوض با ملایمت گفتم: دوستی. آنها مایل‌اند آنچه را که به دست آورده‌اند، به ما نشان دهند. آنها بحق خاطر نشان می‌کنند که ما منافع مشترکی داریم. به زحمت توانستم از او وعده ملاقات با هیئت را برای نیم ساعت در روز بعد بگیرم.

آن شب ما گفت‌وگوهایی را آغاز کردیم که به یک ماراتن چهار روزه شبیه بود و نخستین مبادله آزاد اطلاعات بین دو کشور تولیدکننده نفت به حساب می‌آمد. این گفت‌وگوها نیروبخش و

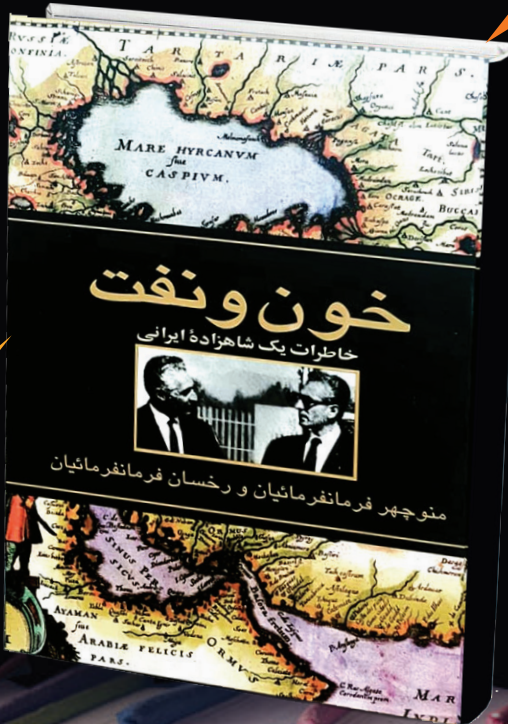
الهام‌دهنده بود و نخستین گام در آزادسازی صنعت نفت و بذری بود که ۱۰ سال بعد به‌صورت سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) به ثمر رسید. چنین تصویری برای انگلیسی‌ها در حد کفر بود. گزارش‌های دیپلماتیک آنها در مورد این دیدار در بایگانی وزارت خارجه‌شان هنوز غیرقابل‌دسترس است و تا سال ۲۰۱۰ نیز چنین خواهد ماند.

دکتر لونگو کابلو نسخه‌هایی از قانون هیدروکربن، قانون مالیات بر حق الامتیاز، قانون کار و امتیازنامه‌های ونزوئلا را همراه آورده بود که همه به‌دقت به انگلیسی ترجمه‌شده بود. گفت: «هر چیز دیگری را که بخواهید ببینید، هر وقت که بتوانید به ونزوئلا بیایید، در اختیارتان خواهد بود.» و با اشتیاق برایم توضیح داد که نظام آنها چگونه کار می‌کند، ویژگی‌های معامله ۵۰/۵۰ چیست، در مذاکرات استدلال آنها چه بوده و موضوعات فرعی از چه قرار است. دکتر مونزالو کازادو، حقوقدان، درباره جنبه‌های حقوقی موضوع سخن گفت؛ پولشان را چگونه می‌گرفتند، نظام مالیاتی چگونه بود و حقوق و مسئولیت‌های هر دو طرف، یعنی شرکت‌ها و دولت، چه بود؟

بارها و بارها شرایط قراردادهای خودمان را با دستاوردهای ونزوئلایی‌ها مقایسه کردم. وقتی امتیازنامه خودمان را به آنها نشان دادم، اظهار تأسف کرد و بیشتر مشتاق شدند تا آنچه را که می‌توانستیم در عوض آن به دست آوریم، به ما نشان دهند.

کارگران آنها دستمزدی چهار برابر کارگران ما دریافت می‌کردند و هر هفته نصف روز کمتر کار می‌کردند، از مزایای درمانی و بازنشستگی برخوردار بودند و حتی می‌توانستند به اعتبار حقوقشان خانه قسطی بخرند. برای غذا، مسکن و لباس یارانه دریافت می‌کردند - برخلاف وضع در آب‌سadan، که کارگزارانش اغلب ژنده‌پوش بودند. در آمد نفتی ونزوئلا براساس قیمت اعلام‌شده بین‌المللی بشکه‌ای ۲۲/۲ دلار بود. در حالی که در قرارداد ۱۹۳۳ (۱۳۱۲) ما، از قیمت اعلام‌شده هیچ ذکری به میان نیامده بود. تنها قیمت اعلام‌نشده‌ای که ما با آن برخورد داشتیم، موقعی بود که بنزین تصفیه‌شده را برای مصرف داخلی خودمان از شرکت نفت انگلیس و ایران باز خرید می‌کردیم.

ونزوئلایی‌ها از آنچه من می‌توانستم درباره مسائل نفتی‌مان به آنها بگویم، دچار تعجب شده بودند، زیرا تا آن هنگام، شرکت نفت انگلیس و ایران جزئیات را به کلی از ما مخفی نگه داشته بود. لونگو کابلو که دهانش طوری کار می‌کرد که انگار کلمات را قبل از بیرون دادن، زیربزنش می‌چرخاند، گفت: «حالا می‌توانید تصور کنید که



انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها با هم فرق می‌کنند. شرکت‌های آنها به هیچ‌وجه قابل‌مقایسه نیستند: شرکتی که در کشور ما مشغول فعالیت است، متمدن است و حساب و کتابش هم معلوم، اما شرکتی که در کشور شما کار می‌کند پست و گدامنش است. ما می‌توانیم با هم گفت‌وگو کنیم، بی‌آنکه یکدیگر را بکشیم. آمریکایی‌ها روحیات و علایق ونزوئلا را درک می‌کنند، اما انگلیسی‌ها اهمیتی نمی‌دهند. آنان خیلی تغییرناپذیر، خیلی پنهان‌کار هستند!»

ناراحتی او برای من که نسبت به نحوه برخورد شرکت نفت انگلیس و ایران خیلی بی‌حس شده بودم، جالب بود. در حالی که چشم‌هایش برق می‌زد، گفت: «اشتباه آنان این است که می‌خواهند در یک فنجان چای طوفان به پا کنند. آنها فکر می‌کنند ما انقلابی هستیم و از این رو تلاش کرده‌اند ما را از کشورهای شما دور نگه دارند. آنها از این می‌ترسند که ما سعی کنیم موضع دسته‌جمعی‌مان را بهبود بخشیم. حق با آنهاست! ما باید دیدگاه‌هایمان را به هم نزدیک کنیم.» بعد لبخندی ناگهانی و مضحک بر لب‌هایش نشست. «خدا را شکر که سفیر علاء پیش قدم شد و برای ما روایت ایران را صادر کرد. خدا را شکر که شما را در برابر ما قرار داد! شما در مهم‌ترین کشور منطقه، ناجی این هیئت بوده‌اید. نمی‌دانیم در کشورهای عرب چه خواهیم کرد. تا اینجا که حتی موفق به گرفتن روایت هم نشده‌ایم.»

جلسه روز بعد با گلشائیان خوب پیش نرفت. او اخموتر و سردتر از معمول با آنها برخورد کرد. از آنجا که انگلیسی‌ نمی‌دانست، به فرانسه صحبت کرد، اگرچه می‌خواست مذاکرات با شرکت نفت را به‌طور خلاصه شرح دهد، تمام حرف‌هایش همراه با نوعی عصبانیت بی‌شرمانه بود. من به ونزوئلایی‌ها گوشزد کرده بودم که ملاقات باید دقیقاً در ظرف نیم ساعت تمام شود و در این ۳۰ دقیقه دکتر لونگو کابلو همین‌طور سسریا ایستاده بود. دم در به نظر می‌آمد گلشائیان خودش را جمع کرده، یکدفعه برسد: «عجله شما برای چیست؟» انگار هیئت می‌خواست از دستش در برود.

دکتر لونگو کابلو جواب دندان‌شکنی به او داد. گفت: «عالیجناب، مدیرکل شما به ما اطلاع داده که شما خیلی سرتان شلوغ است.» او می‌خواست پاسخ ترش‌رویی گلشائیان را بدهد: «ما یک گزارش کامل به او خواهیم داد و نیز تمام جزئیات درباره اینکه چگونه حق الامتیاز دولت ما بیش از سه برابر آن چیزی است که شما دریافت می‌کنید!» خوش‌بختانه ملاقات با گلشائیان بدترین مورد بود. ملاقات بعدی با دکتر پیرنیا بود و او آنها را با آغوش باز پذیرفت. او از پیشنهاد آنها در مورد تبادل نظر دائمی بین کشورهای تولیدکننده نفت شگفت‌زده شد. گرچه او هم نسبت به اعراب تردید داشت، علاقه‌مند بود که در این خصوص تلاش کند. دکتر پیرنیا درباره معامله ۵۰/۵۰ از دو کارشناس صمیمانه سؤالاتی کرد و آنها مواردی را مطرح کردند که ما تا آن موقع از آنها بی‌اطلاع بودیم. او به یک نکته اشاره کرد: «ونزوئلا تا آنجا پیشرفته که دانشگاه شما رشته حقوق نفت را تأسیس کرده.» بعد رو کرد به من و سرش را تکان داد. «راستی که ما راه زیادی در پیش داریم تا به اینجا برسیم.»

مثل همیشه، نحوه برخورد دکتر پیرنیا مرا به فکر فرو برد. اگر آمریکایی‌ها طرف صحبت ما بودند، او هم پرز آلفونزوئی ایران می‌شد. متأسفانه هر بار که ماسرمیز مذاکره با شرکت نفت انگلیس و ایران می‌رفتیم، نه تنها چیزی نصیبمان نمی‌شد، بلکه معمولاً زمینه را هم از دست می‌دادیم. انگلیسی‌ها در

اگرچه تأسیس رسمی سازمان کشورهای صادرکننده نفت به سال ۱۹۶۰ میلادی باز می‌گردد، اما بسیاری از تحلیلگران در ریشه‌یابی طرح‌های اولیه تأسیس این سازمان به ملاقات‌های رسمی ونزوئلا در سال ۱۹۴۹ میلادی از کشورهای ایران، عراق، کویت و عربستان اشاره می‌کنند

استعمارگری ید طولایی داشتند. معمولاً دست چند نفر را در بالا می‌پیچاندند: در صورت لزوم، چند نفری را هم در خیابان مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند و بعد غنائم را به کشورشان می‌بردند. آمریکایی‌ها فرق داشتند. به همین علت بود که در آن هنگام آن‌قدر موردعلاقه بودند. برخورد آنها با کار در کشورهای خارجی دقیقاً مثل برخوردشان با آن در کشور خودشان بود. در نتیجه، برای آنها ونزوئلا در امتداد ایالات متحده بود، با همان حقوق قانونی و همان راهکارهای حقوقی. رفتارشان منصفانه بود. به همین دلیل بود که پرز آلفونزو توانست به آن دستاوردها نایل شود. بعدها آمریکاهم حيله‌گری‌های انگلیسی‌ها را یاد گرفت و به جای برخورد منصفانه، راه اعمال زور را در پیش گرفت. همه ما از این موضوع رنج برده‌ایم. وقتی به عقب نگاه می‌کنم، به یاد می‌آورم که چطور آمریکایی‌ها و دیپلماسی مبتنی بر عقل سلیم تجاری آنان را تحسین می‌کردیم. به یاد می‌آورم که امیدوار بودیم ما هم به‌زودی بتوانیم با شرکت‌های آمریکایی کار کنیم، چون آن‌وقت کسی مثل دکتر پیرنیا سرانجام امکان درخشش و جلوه‌نمایی را پیدا می‌کرد.

روز بعد، وزارت امور خارجه به‌طور دیر هنگام تصمیم گرفت که هیئت نمایندگی ونزوئلا را به رسمیت بشناسد و یکی از دوستانم، بهنام منوچهر مرزبان را به‌عنوان راهنمای آنان گمارد. وزیر امور خارجه حتی ترتیب بازدید آنها از کاخ را داد. آنها در باریابی به حضور شاه، از مبادله هیئت‌های دیپلماتیک سخن به میان آوردند. در آن موقع، نمی‌دانستیم که برای انجام این کار تقریباً ۲۵ سال زمان لازم است و من به‌عنوان اولین سفیر ایران به ونزوئلا فرستاده خواهم شد.

در آخرین بعدازظهر پیش از رفتن آنها، آنها را به موزه تهران بردم. محل گیرا و پرجاذبه‌ای بود. برنرها و سفالینه‌های تخت جمشید و شوش، ستون‌های سنگی، پیکره‌های کوچک آبگینه باستانی، نقاشی‌ها و خوشنویسی‌های بسیار ظریف و تذهیب‌شده، خاتم‌کاری‌ها و البته، فرش‌های مدهوش‌کننده، از جمله اشیایی دیدنی موزه بود. با اینکه مونزانو در ایتالیا زندگی می‌کرد و با زیبایی‌های هنر رومی آشنایی داشت، هر سه نفر تحت تأثیر قرار گرفتند. ناگهان احساس کردم که حتی تصورش را هم نمی‌توانم بکنم که نشسو و نما یافتن در دنیایی فاقد پیشینه‌های تاریخی و یادمان‌های برآمده از گذشته‌های دور، چگونه می‌تواند باشد. برای هر یک از ما، به‌عنوان نمایندگان یک تمدن جدید، روبه‌رو شدن با توانگری‌های یک تمدن کهن، لحظه تکان‌دهنده‌ای بود.

صبح روز بعد، هدایایی را که از بازار تهیه کرده بودم، تقدیمشان کردم و با هم قرار گذاشتیم که ارتباطمان را حفظ کنیم. آنها سوار هواپیما شدند، می‌دانستم که سفر آنها یکی از مهم‌ترین رخدادهای زندگی من و زندگی کشورم بوده است.

آنها از ایران به عربستان سعودی پرواز کردند و در آنجا حتی به آنها اجازه داده نشد از هواپیما خارج شوند. لونگو کابلو بعدها به من گفت: «سعودی‌ها بدگمان بودند. گمان می‌کردند ما از کره دیگری آمده‌ایم.» در کویت که هنوز مستعمره انگلیس بود، «هنگام ملاقات با شیخ، کنسول انگلیس ما را همراهی کرد. بدین ترتیب، ما نتوانستیم در مورد نفت حرفی بزنیم.» در بغداد، نخست‌وزیر نوری سعید پاشا که از زمان‌های قدیم دوست صمیمی پدرم بود، از آنها استقبال خوبی به عمل آورد. در سوریه و مصر هم نیز همین رفتار با آنها شد. اما در بغداد، لونگو کابلو دچار آپاندیسیت شد و نتوانست در مورد نفت گفت‌گو کند. دو کشور دیگر، تولیدکننده نفت نبودند. در نتیجه، نظراتی که بین ایران و ونزوئلا در مورد تبادل متقابل اطلاعات مورد بحث قرار گرفت، در همین محدوده باقی ماند و این تحرک و پویایی میان آنها، ۱۰ سال بعد به تأسیس اوپک انجامید.

برگرفته از کتاب خون و نفت

۲۳ کشور عضو اوپک و متحدانش ۱۲ آوریل ۲۰۲۰ بر سر کاهش روزانه ۹.۷ میلیون بشکه تولید برای ۲ ماه باهم توافق کردند

توافق تاریخی

تولیدکنندگان عضو و غیرعضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) موسوم به اوپک پلاس ۱۲ آوریل ۲۰۲۰ (۲۴ فروردین ماه ۱۳۹۹) در حالی در دهمین نشست فوق‌العاده از طریق ویدیو کنفرانس با یکدیگر مذاکره کردند که قیمت نفت به دلیل جنگ قیمتی عربستان سعودی و روسیه در ماه مارس سال ۲۰۲۰ میلادی از ۶۷ دلار روزهای نخستین سال ۲۰۲۰ به کمتر از ۲۰ دلار برای هر بشکه رسیده بود. ۲۳ عضو اوپک در این فضا و کاهش بیش از ۴۰ دلاری قیمت نفت، دست همکاری به هم دادند و بر سر کاهش بی‌سابقه عرضه نفت با یکدیگر توافق کردند.

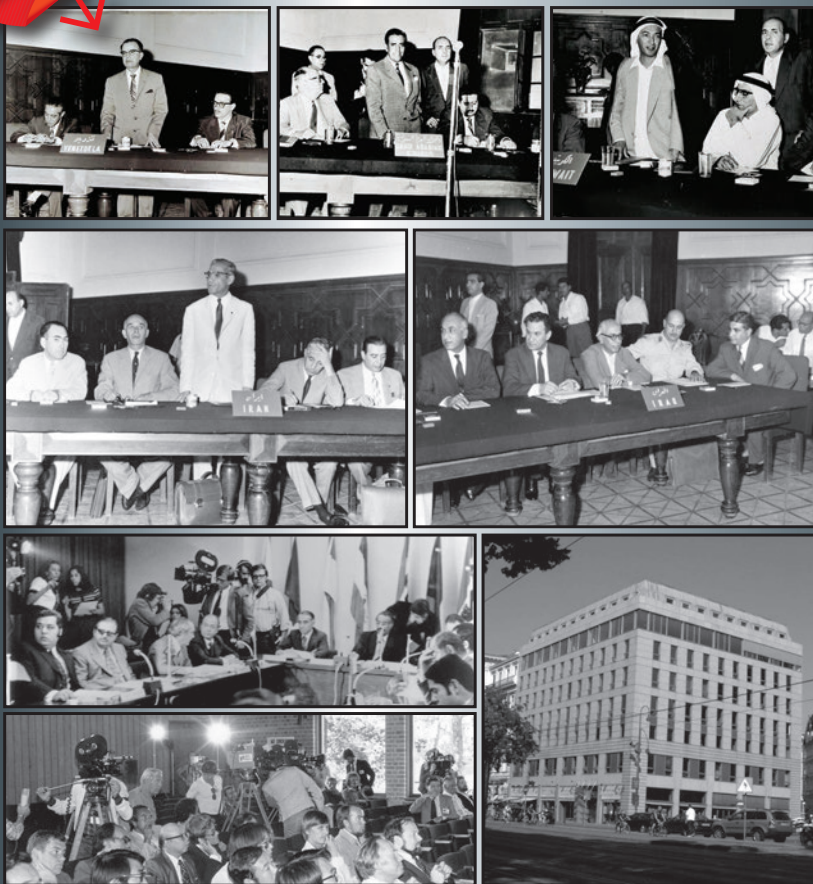
«معافیت سه کشور»

اعضای اوپک و متحدانش در این نشست متعهد شدند در ماه‌های مه و ژوئن تولید روزانه خود را ۹ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در روز کاهش دهند. خط پایه و مبنای محاسبه تولید برای همه کشورهای حاضر در این توافق به جز عربستان و روسیه ماه اکتبر سال ۲۰۱۸ میلادی تعیین شد، در حالی که مبنای محاسبه تولید برای روسیه و عربستان روزانه ۱۱ میلیون بشکه در نظر گرفته شده است. کشورهای ایران، لیبی و ونزوئلا از توافق کاهش تولید که از یکم ماه مه سال ۲۰۲۰ میلادی (۱۲ اردیبهشت‌ماه ۹۹) اجرا شد، مستثنا شدند.

«واکنش بازار به توافق»

کشورهای تولیدکننده نفت اوپک و غیراوپک حاضر در توافقنامه همکاری (Declaration of Cooperation) برای یک بازه زمانی ۶ ماهه دیگر از یکم ژوئیه تا ۳۱ دسامبر سال ۲۰۲۰ روزانه ۷ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه کاهش عرضه خواهند داشت، همچنین در بازه زمانی سوم از یکم ژانویه ۲۰۲۱ تا ۳۰ آوریل ۲۰۲۲ به مدت ۱۶ ماه نیز کاهش عرضه روزانه ۵ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه تعیین شد.

قیمت نفت خام برنت در بازارهای جهانی با اجرای توافق تاریخی کاهش تولید نفت از نخستین روز ماه مه روند افزایشی گرفت و با تعهد کشورها به این توافق به بالاتر از ۴۵ دلار برای هر بشکه نیز رسید.



بنیان‌گذاران اوپک

پذیرش نخستین افزایش یک جانبه قیمت نفت از طرف کشورهای صادرکننده نفت، که مطبوعات و رسانه‌های خبری غرب آن را نخستین «شوک نفتی» خواندند، زمینه را برای دومین شوک نفتی فراهم کرد و در کنفرانس وزیران نفت و دارایی اوپک، که ۲۲ دسامبر در تهران تشکیل شد، اوپک تصمیم گرفت قیمت نفت را به حدود دو برابر قیمت تعیین شده در ماه اکتبر افزایش دهد، که در مقایسه با قیمت نفت در نیمه نخست سال ۱۳۵۲ نزدیک به چهار برابر بود.

2

در نشست فوق‌العاده وزیران دارایی و نفت اوپک که در ۲۱ اکتبر سال ۱۹۷۳ میلادی و در بحبوحه جنگ‌های اعراب و اسرائیل، در کویت تشکیل شد، اوپک برای نخستین بار قیمت نفت را ۷۰ تا ۸۰ درصد نسبت به انواع نفت خام صادراتی افزایش داد و به موازات آن کشورهای عرب صادرکننده نفت (به استثنای عراق) فروش نفت به کشورهای حامی رژیم صهیونیستی و در رأس آن‌ها آمریکا را تحریم کردند. قیمت نفت با این تحریم از بشکه‌ای سه دلار به حدود ۱۲ دلار رسید.

1

رویداد

اعضای اوپک در نشست فوق‌العاده سال ۲۰۱۶ در الجزایر برای کاهش تولید روزانه ۱.۸ هزار بشکه نفت با ۱۰ کشور غیر اوپک در قالب توافقنامه همکاری (DOC) دست همکاری داد. این توافق که از ژانویه ۲۰۱۷ اجرایی شد سبب شد قیمت سبد نفتی اوپک از ۵۲.۴ دلار در ژانویه ۲۰۱۷ به ۶۳.۱۷ دلار به ازای هر بشکه در آوریل ۲۰۱۸ برسد. گزارش ماهانه بازار نفت آژانس بین‌المللی انرژی در آوریل ۲۰۱۸ با عنوان «ماموریت انجام شد» دال بر این موضوع است.

4

این جنگ پس از شکست مذاکرات اوپک و غیراوپک در مارس ۲۰۲۰ و پذیرفتن پیشنهاد کاهش تولید نفت عربستان از سوی روسیه اتفاق افتاد. با کارشکنی روسیه، توافق پیشین اوپک و غیراوپک پیرامون کاهش ۱۰.۷ میلیون بشکه‌ای تولید نفت نیز تمدید نشد. با اعلام این خبر، قیمت‌های نفت در بازار جهانی ۱۰ درصد ریخت و با همه‌گیر شدن بیماری کرونا ویروس ۲۰۱۹ هم این ریزش‌ها ادامه یافت تا اینکه قیمت نفت وست تگزاس اینترمدیت آمریکا به ۲۰ دلار و سپس حتی تا منفی ۳۷ دلار برای هر بشکه سقوط کرد.

3